



هذا فهرست جامع الدعوات کبیر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دعای زنان عقیمه
[illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	[illegible]	احضار جن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
احضار جن [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جهت [illegible]
دفع مرض	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	خواص [illegible]	[illegible]	دعا [illegible]	[illegible]	دعا [illegible]
دفع درد مفاصل	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت ناسور	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت قوه	جهت [illegible]	دفع [illegible]
جهت سرطان	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت داء الثعلب	دفع [illegible]
دفع [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]
جهت [illegible]	دفع [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	جهت [illegible]
جهت باد فرنگ	دفع [illegible]	جهت [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دعا [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	دفع [illegible]	دعای مسافران
احکام [illegible]	نقش اسم اعظم صورت	شرح [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	علاج [illegible]	دفع [illegible]	[illegible]	ایام [illegible] احکام	ایام [illegible]
آداب نماز شب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	احکام [illegible]	[illegible]	ایام [illegible]	[illegible] ستاره	احکام [illegible]	[illegible] نماز

فهرست ادعیه کتاب مزبور در حاشیه نوشته شده

عرض به امام حسین	دفع اوقات ...	قسم حبیبه الاستغاثه	...	درد سینه دفع	دفع درد شکم	الغوث ...	دفع کرم معده	دفع بلغم	دفع درد ...
ناف جهت درد	یبوست جهت	دفع درد دل	دفع قولنج	دفع شکم درد	دفع شکم	درد پهلو دفع	دفع درد کمر	استسقا جهت	دفع یرقان
دفع حصبه	دفع حکه	دفع کتین باد	دفع ...	دعا کرم دندان	جهت امراض	... شب	جهت گردن ... سوداء	جهت ...	جهت اولاد
دفع افتادن ورد	دفع سرکه ...	جهت ...	... احوال	جهت درد ...	در دنیا ...	...	دفع ...	درد ...	احکام ...
مخفی نماند که خواص ما چند جا از اسفار داشت					... جهت	جهت ...	جهت کشایش	جهت ...	دفع دشمن
دفع مهمات	...	جهت ...	جهت ...	جهت ...	جهت ...	جهت ...	جهت ...	دفع ...	[illegible]
زبان ... جهت ...	...	جهت مهمات	حصول مطالب	ختم ...	ختم ...	ختم ...	جهت ...	جهت ...	جهت ...
ختم ...	جهت ...	دفع ...	نماز ...	ختم ...	ختم ...	دفع ...	خواص ...	خواص ...	دفع ...
جهت وسواس	دفع ...	دفع ...	جهت افتادن	دفع ...	دفع ...	دفع ...	دفع ...	دفع ...	دفع ...
جهت ...	خواب ...	دفع ...	خواب ...	جهت ...	دفع ...	دفع خود	... جهت	دفع ...	جهت ...
جهت دندان درد	دفع ...	دفع درد گلو	دفع درد گردن	جهت ...	دفع درد دندان	درد دندان	جهت ... طفل	دفع ...	[illegible]
دفع ...	طفل ...	دفع ...	درد ...	درد ناف	...	طفل ...	دفع درد معده	دفع ...	دفع ...
جهت ...	جهت ...	ذات الجنب	دفع ...	جهت ...	جهت ...	[illegible]	[illegible]	دفع درد ...	دفع ...

سید محمد رضا

[illegible]	دفع ...	دفع درد ...	جهت ...	دفع درد ...	جهت ...	جهت ...	دفع درد	دفع درد	[illegible]
دفع ... خون	دفع بواسیر	جهت درد ...	جهت ...	جهت ...	دفع درد ...	درد ...	دفع ...	دفع ...	دفع دشمن
دفع ...	دفع ...	دفع ...	دفع ...	جهت ...	دفع ...	جهت ...	دفع درد پهلو	[illegible]	جهت ... درد
[illegible]	جهت نفس ...	جهت اولاد	جهت ...	...	...	دفع خوف	[illegible]	دفع ...	جهت ... اولاد
دعا وبا	لوح ...	دعا ...	جهت ...	...	دفع ... از سلطان	دعا ...	جهت ...	دفع دشمن	دعا حفظ
دفع اعدا	دفع ...	جهت ...	حرز امام رضا	جهت دشمن	جهت ...	جهت ...	جهت ...	[illegible]	دفع ...
تسخیر اعدا	...	دفع ...	دعا ...	جهت ...	[illegible]	دفع ...	دفع ...	شفا ...	جهت ...
دعا ...	دعا فاطمه	جهت ...	نماز ...	دعا ...	شرح ...	جهت ...	آداب دعا	نماز حاجت	خواص ...
جهت مطالب	حروف ...	دعا جعفر	دفع سحر	دفع دشمن	...	جهت ...	کشف ...	کشایش ...	دفع ...
[illegible]	[illegible]	ساعات ...	[illegible]	شرح ...	مبارک ...	شرح ...	عقده ...	[illegible]	[illegible]
[illegible]	شرح		شرح ...	مبارک	شرح	...	ادعیه ...	جهت	[illegible]
تمام	شد	فهرست	کتاب	جا	مع	الد	عوا	ت	کبیر
سنه	۱۳۲۴	ببد	افلا	الکتاب	شیخ	علی	اکبر	قمی	خلف
یادگار غلامرضا	...	ابن	جناب	آخوند	ملا	محمد	حسین	کاتب	خونساری

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا کتاب جامع الدعوات کبیر

هذا کتاب فالنامه پیغمبران جهت مردان و زنان

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

اما بعد این رساله مجموعه ایست در بیان اوراد و اذکار و طالع جن و پری و دیو و بیماری و خوفنات مجرب مجرب هر دردی و مرضی و مسمی شده است این به مجمع الدعوات کبیر امید که قاریان و حاضران کاتب و جامع این اوراد را بدعا بخیر یاد نمایند والله اعلم در بیان طالع العنامه قاعده چنانست که اسم صاحب طالع و اسم مادر او را بحساب ابجد صغیر در آورد جمع کند و از دوازده دوازده طرح نماید پس از عدد دوازده کمتر بماند مثلا اگر یک بماند برج حمل است دو بماند برج ثور است و هم چنین تا برسد برج حوت که دوازده برج تمام است و احکام هر برجی نوشته شد و قاعده ابجد صغیر اینست

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

طالع حمل هر آنکه طالع او برج حمل است خوش رو و خوش طبیعت باشد و ستاره او با ستاره زهره صاحب است و فرزندان در سه سالگی و هفت و پنج سالگی باشد چون از اینها بگذرد عمر بود سالگی برسد در سینه یا بازو نشان سیاه یا سرخی دارد و از روزها روز پنج شنبه برای او نیکو بود و جامه نو را در روز پنج شنبه بپوشد که برای او مبارک بود و هر ماه نو را بروی پسر ببیند که خوشی بکند و دروغ و دشمن صاحب این طالع بسیار باشد و حسد و رشک کنند اما در طالع زنی کوتاه قد باشد که کار او را تباه میکنند حسود و دشمنی میکنند صاحب این طالع صاحب بخت بد باشد باید دعا بکند اسماء الله داشته باشد با خود دارد تا از شر دشمنان در امان باشد و آخر عمر کار او نیکو گردد و دولتش بسیار گردد لکن از دشمنش زود در امان باید که فی سبیل الله جامه بخشاید تا مالش از دست نرود و اما اگر این کند که مبادا از حمله برسد و سبب بیماری کرم و دف باشد اما در طالع زن صاحب فال چهار زن باشد قد میشان مبارک باشد و دیگر هر حاجتی که از درگاه حق تعالی طلب کند بر آورده است و این دعا را صاحب طالع البته با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا شهم طوال الاسماء الحسنی یا حی یا قیوم یا حنان یا منان یا رؤف یا رحیم یا ذا الجلال و الاکرام لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

طالع ثور ثور خانه زهره است و برج دهم و طالع شیث پیغمبر است و صاحب این طالع نیکو رو و نیکو چشم و خوش خلق و در نزد همه کس عزیز و محترم باشد و در همه کار رغبت و [illegible] باشد

داماد رزانو و در زان نشانی دارد کران نشان دولت باشد و با مال و
عیال خود باشد و برادرانش با او خصومت میکند و طالع فرزندش سنبله شود
باشد و فرزندش بسیار میشود و از سردی و خشکی درد کلو عارض
و خواهد بیمار بے او میزان است اکثرش خوب و چاقی میشود و بسیار خانه
دوستان میرود و مردم از او ایمن باشند و زن با سه زن در طالع
دارد و اما یکزن را و از او فرزند بخود بنکاح در آورد و قران او در هفت
سالگی و هفده سالگی دارد چون از انها بگذرد بهشتاد و دو سالگی
رسد هرچند بزرگ تر گردد کار او نیکوتر گردد اما در خواهر خودش
بکیسه کرا امید نیکی و منفعت خیر میبیند و اما دشمن بسیار دارد و ظفر
نمی یابند و اما از روز ها روز جمعه بر او نیکو باشد و اما در طالع
او چهار پایان سم شکافته را نگر دارد خوب میشود و حج برای او
روزی شود و اگر بیمار گردد داروی گرم و تر بخورد در مدت سه روز
نیکو گردد و چون ماه نو ببیند نظر بچهره [illegible] کند تا انماه برای
مبارک شود و صاحب این طالع باید در همه وقت این دعا را با خود
نگهدارد بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم یا کریم یا حکیم یا باقی
یا خالق و یا عالم الغیب یا لا اله الا انت اهیا شراهیا [illegible]

طالع جوزا ۸۱۱۲۲۹۴۹۳۹۹۱۸ ان ط ۹۱۹ احم

جوزا خانه عطارد است و برج نر است و بادی مشتری و طبع و [illegible]
و نر است و طالع ذکر ماه [illegible] و هر کس که بدین طالع باشد از مادر نیک

نیک بخت در آید و کارها بخیر از او صادر گردد در سینه و در و یا
شکم نشانی دارد کران نشان دولت است و حج بروی روزی گردد و در
پیش مردم عزیز و مکرم باشد و مال بسیار بدست آرد و اما در تجارت
و زراعت منفعت بسیار یابد و همه کس در خصوص او و بداندیش
شود و خواهد پدر و مادر او سنبله است و دولت میبیند و اما از اینها
برو میراث میرسد و خواهد بیماریش عفونت است و اما از ان بیماری بسیار دل
شکسته شود و خواهد زنانش قوس است و در طالع [illegible] دو زن با
باشد و از زنان خیر ببیند و خواهد بیم او جدی باشد و قران او در پنج
سالگی و ده سالگی و دوازده سالگی دارد چون از انها بگذرد بنود سال
میرسد و اما خواهد اصدقاش حمل است و هرچه دل او [illegible]
و از روز ها روز چهار شنبه و یکشنبه بر او نیکو باشد و چهار پائی که
اسب باشد خوب است نگر دارد و اگر بیمار گردد داروی فلفل و زنجبیل
دارچینی با عسل خام معجون ساخته صبح ناشتا بخورد نیکو گردد و صاحب
این طالع باید این دعا را با خود نگهدارد بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم
یا حکیم یا کریم یا باقی یا احد یا علام الغیوب یا لا اله الا انت اهیا شراهیا
یا نوشطینیا یا معطینیا یا کهیلخ یا کجح یا الله یا رحمن

طالع سرطان

سرطان آبی است و سر نر است و خوانه قمر و صاحب این طالع نیکخواه مردم
باشد باشد و ستاره صاحب این طالع تعلق ببزرگان و مهتران دارد و [illegible]
[illegible] از سلطان [illegible] یابد و از بد وقت منفعت ببیند و در کارها کامیاب و از فرزندان [illegible]

منه بعمل آید و خانه بیمار رفتن نوش باشد و بخیر بیماری کشد و مصنف
میفرماید که صاحب این طالع از آب حذر کند و خانه نکاح او جید و اما
سر زن بعقد نکاح نماید و قرانات بیست و سه سالگی و بیست سالگی و هفت
سالگی و سی و دو سالگی میکند و عمرش هشتاد برسد میفرماید که هنا طالع حج
مبروی و صاحب این طالع او شخصی حج باید کرد و البته باید عادت این اخو دارد
بسم الله الرحمن الرحیم اهیا شراهیا یا دفف یا نور یا ودود یا ذوالعرش
المجید فعال لما یرید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا ارحم الراحمین

طالع اسد برج ابی است و ستاره او آفتاب است و بطالع ملوک و اسلام
تعلق دارد و طبع او گرم و خشک است خداوند این طالع کشاده دل با بو
و خوامیدش جو داست و او منفعت بسیار از بزرگان برسد عمرش سخاوت
دل بود و خوانند مالش تعلق به سنبله دارد و مال بسیار بدست او افتد
مرفقه و مال کم خواهد از طالع خود بگیرد و از چهار پایان سم شکافته فکر
دارد و خواند برادران و خواهران وی میزان یافته و از این سبب نعمت بد
او ایکها دارد و پدر مهر بود فرزندش زیاده میشود و از فرزندان اخر بیند
و خانه بیماریش بجبر و بیماری گرمی که گرم و خشک باید که پرهیز کنند
عمر صاحب طالع سر زن باشد و صاحب کتاب میفرماید که از زنان مال
بسیار بدست آید و اما قرانات که در هفت سالگی و نوزده سالگی و سی
و دو سالگی دارد چون از این بگذرد هفتاد سالگی برسد و از روزها روز
یکشنبه برای او سازگار باشد و چون ماه نو بیند نظر بر آب اندازد و دعا
اخر ماه برای خوش میکند و دعا باید این تعوید را با خود داشته باشد

مفاتیح الجنان

بسم الله الرحمن الرحیم یا لا اله الا انت یا اهیا شراهیا انت ربی کل شیء
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا
خسارا **طالع سنبله** طالع خضر خضر است و صاحب این طالع
نیکو منظر و غالب عقد و باشد و از بزرگان روزی مند باشد و صاحب
عیش و فراخ روزی و رحم دل و خدا ترس باشد و در مال جمع
کردن حریص باشد و ان حلال دوست باید و اگر یک درم حرام اخذ
نماید ده دینار از مال حلال و تلف شود و مادر و پدر او را بسیار
دوست دارد و پیوسته کارش در نظام باشد و فرزند بسیار از او بود
اید و از انها منفعت ببیند و خانه بیماریش دلو باشد و بسیار میکشد
مار حرام او بسیار باشد باید دعا ها معتبر که حاوی و منشاء اسماء
جلاله باشد با خود نگه دارد تا از شر انها ایمن باشد اما صاحب کتاب
میفرماید که در پا بصاحب این طالع ازاری عارض شده و چیزها یکوم
و ترا و را او و رافا بد بخشد و از قرانات و سیزده سالگی و بیست سالگی و
سی چهار سالگی داشته باشد و چون از اینها بگذرد نود سالگی میرسد و در طالع
او دو زن باشد اما باید از زن خود حذر کند و باز نی بچشم بد دوستی نکند
که نهم جا دارد و از روزها روز چهار شنبه و روز یکشنبه حذر کند شب
و اگر او واجب خواسته باشد باید عادت با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا علیم یا حکیم برحمتک یا ارحم الراحمین ٥٤٠٨٨٤٨٤٩٩٥٠٤٢٢٨

طالع میزان بدانکه میزان منزل زهره است و برج نر است و طبع او
گرم و تر و ستاره او بجاد سوم خدام میباشد صاحب این طالع نیک خواه هم

مفاتیح الجنان

ایات مفتاحی

همه مردم و نیک جهتی و نیک قد چشم پسند بود و جوانمرد و خوش خلق
و در میان مردم عزیز و محترم باشد و از تجارت مال بسیار جمع کند و حرام
او را ضایع کند و اگر یک دینار حرام تصرف نماید ده دینار از مال او تلف شود
و خود مبارک قدم باشد و در شکم و سینه نشانی دارد و آن نشان دراز
است همیشه در کاروبار خود در غبن نماید و صاحب طالع کسی باشد که
همه مردمان او را واضی باشند و مال بسیار بدست او آید و اما انکاه
ندارد و آنچه در دل داشته باشد بزبان آرد و اما طالع برادران و
خواهرانش در قوس منظور میشود و اما برادر و خواهر او کم بوده
باشد و از آنها منفعت نبیند و خوانه فرزندانش ظاهراً دلو بوده
اکثر اولادش نرینه باشد و بکمتر از اولادش صاحب دولت باشد
و بیماری او در قولنج باشد و از نافه غیر و معالجه او هلیله زرد و آب
کشنیز و آب انار و شیر من معجون نکند سه دفعه ناشتا بخورد شفا یابد
انشاءالله و اما قرانات صاحب این طالع در هشت سالگی و بیست و چهار سالگی
و سی و هفت سالگی داشته باشد و چون از آنها بگذرد بشصت سال
برسد و صاحب این طالع امانت و خیانت نمیکند و دروغ نمیگوید
و اگر بگوید ضرر میکند و حرام بالای غم بسیار و بجهت اندک
حلال بسیار از دست او میرود و دلش در یکجا قرار نگیرد و از دو شنبه
روز شنبه و روز جمعه ساز کار است بشرطی که در سنه متوجه شود
و صاحب این طالع همه اوقات بنده عارا با خود دارد بسم
الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و من الله و فی سبیل الله

ایات شریفه

غالب کل غالب الی الله و محمد رسول الله و علی ولی الله اهیا شراهیا
ادونی اصباوث آل شدای نحل الله و بحق ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم
الله و بحق عیسی بن مریم روح القدس فسیکفیکهم الله و هو السمیع
العلیم یا حی یا قیوم یا رزاق یا نور یا خالق یا ودود یا ذالعرش المجید
فعال لما یرید ۸۱۲۹۸۱۱۱۹۹۱۹۱۱۸۱۱

طالع عقرب

در خانه مریخ است و برج آبی است و ماده است و طبع او سرد و
تر است و ستاره او داود پیغمبر است و مرد خوش و در دل همه
مردمان عزیز و محترم و مکرم باشد و چند در سن بزرگ شد
کاروبار او ترقی نماید و صاحب کتاب میفرماید که در طالع
این شخص زراعت و گوسفند خوب نشود و دلش بیکجا قرار نگیرد و هر
کسیکه نیکی کند بدی ببیند و مال بسیار بدست بیاورد و زود از دستش
برود دعا چشم زخم با مشک و زعفران بنویسد با خود دارد و در دولش
پنهان دارد تا پایدار باشد و در پشت و ران نشانی دارد که نشان
و خوانه مالش متعلق بقوس است و خوانه برادران در جگه منطوق
میشود و از ایشان منفعت نمی بیند بلکه دیگران از او فایده بینند
و خانه فرزندان او متعلق بحوت است و اولاد او بسیار باشد و اکثر
فرزندش ملال غم نرسد و خوانه بیماریش حمل است و بیشتر بیماری
او از اندرون باشد و درد او را غلبه باشد النزاع و اگر بخورد
شفا نبود دارچینی فلفل با انگبین معجون نکند چنانچه ذکر شد بخورد بزودی
شفا یابد انشاءالله و همه اوقات بنده عارا با مشک و زعفران و خوگو کفند

داخل کند بنویسد و با خود دارد البته در نکردانی دریغ نکند بیقین از همه آفتها
دور گردد چون ماه نو را ببیند نظر بر روی پدر و مادر و یا بر آب روان اندازد که
تا آخر آن ماه مبارک میشود و اما قرانات او در هشت سالگی و بیست و چهار
سالگی و شصت سالگی دارد و چون از آنها بگذرد عمر او بنود سال میرسد
البته این دعا را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود یا ذو العرش
المجید فعال لما یرید یا نور یا نور السموات و الارض اهیا شراهیا
یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و برحمتک یا ارحم الراحمین

طالع قوس

۱۹۱۱۴۱۴۰۰۲۲۱۲ بدانکه قوس خانه مشتری است و برج آتش
و آتش مزاج و گرم و خشک است بدانکه قوس طالع یعقوب پیغمبر ع و صاحب
نیک شکل باشد و جنجالاک باشد و در نزد همه کس عزیز و محترم باشد
و متحمل و صابر باشد و اما مال دنیا جمع کند و خیر از مال میبیند و توانگر
گردد و صاحب طالع میفرماید که در سینه و ساق نشانی دارد گران
نشان دولت و دستش مبسوط باشد و از بازرگانی روزی مند گردد
و زراعت نیکو سفند با او خوب نشاید و حرام با او سازگار نباشد و اگر یک بنای
حاضر فکند ده از مال او برود و خانه مالش تعلق بجدی دارد و خانه برادران
او در دلو و عمر او از ایشان بیشتر و از صاحب صبر اوت صبر کند و خانه فرزندان او در ثور
باشد و خانه بیماری او ثور او صفرا و سودا و عشق و طبیعت او دو باید شیر
و شکر و هلیله و آب انار شیرین معجون کرده بخورد خانه نکاح او در جوزا است و
از زنی بهره ببیند و قرانات او در هشت سالگی و بیست سالگی منظور داشته

داشته میشود و چون از اینها بگذرد در هشتاد سال میرسد و اما کوبی و سبب باشد و
دعا عقد اللسان بنویسید و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا نور و تحت
یا نور السموات والارض یا مغیث یا مجیب الدعوات یا قاضی الحاجات
علی کل شیء قدیر یا حی یا قیوم یا طهطهطهر طغوثا اذوفی صناوشا الرشکی
یا اله العالمین ۱۱۹۸۱۱۹۸۱۱۲۱۴۱۱۱۱۸۹۸۱۹۱۹ وننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

طالع جدی

بدانکه جدی در خانه زحل است و برج خاک است ستاره
موسی ع و تعلق دارد صاحب این طالع شیرین سخن و چرب زبان و صاحب
و هنر باشد و در کار خویش غیرت دار باشد اما در طالع او زراعت سبب یاس باشد
باشد و هر چه در سن نوجوانی بدامو راث واز دنبوی کارش روشن شد
و خانه مالش دلو بود و در آخر عمر مال بر او جمع شود و در خانه برادران
منفعت ببیند و بخوشی فرزندان او مبارک قدم باشند و بیشتر بیماری او از سردی
و درد شکم بود و اما معالجه آن هلیله زرد و از بادنجان رومی با انگبین خام معجون
کند بخورد و شفا یابد و در طالع او شرف باشد که بجبال نکاح در او
و از دو زن میراث ببرد و خانه او اسد باشد و قرانات در ده سالگی و پانزده
سالگی و بیست سالگی باشد و چون از اینها بگذرد عمر او بنود سال میرسد اما
دشمن او بسیار باشد بر او ظفر نیابند و در طالع او چهار پایان را کراست میشود
بسیار سازگار نباشد البته این تعویذ را با خود دارد تا از همه بلاها ایمن گردد بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم یا منان یا حنان یا برهان یا سلطان یا غفران یا

المستغیثین اهیا شراهیا وبراهیا لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

طالع دلو ط ۱۱ ۱۱ ع ۱۱ ۷ ۲ ۱۱۱ ۸۸ ۱۸ بدانکه دلو زحل است و باد و مشرقی

وطبع او سرد و تر است. وستاره او از حضرت امیر المومنین ع وهر مردیکه
صاحب این طالع باشد نیکو روی و نیکو چشم و نیکو قد باشد وصاحب هنر باشد
اما صاحب کتاب جعفر فرماید که در سینه و ساق و نشانی باشد که نشان
دولت است و بتجارت کردن مال بسیار جمع کند و از برادران منفعت
نمیابد و پدر و مادرش او را بسیار دوست دارند و از ایشان خیر بیند
واما خواهر و فرزندش تعلق بجوزا است و این مشهور است و زن بعمل آید
وخانه بیماریش سرطان منظور میشود و بیک قسم بیماری او در کودکی
اتفاق افتاده وصاحب این طالع کسی باشد که سه زن بحبالۀ نکاح در آورد
و فرزندان او در هفت سالگی و دوازده سالگی و بیست و شش سالگی و چون
از اینها بگذرد عمرش بنود برسد وصاحب کتاب جعفر فرماید که صاحب
طالع به جماعت حکم کند و خواهر او تعلق بقوس دارد و هر چه امید
بندد بر آورده گردد و خانه دشمنان او جدی است و اما بر وی ظفر نیابد
و باید که دعا بچشم زخم ابو بیند. و با خود دارد اما روزها دو شنبه
شنبه و پنجشنبه بر او سازگار باشد و از تجارت و از معامله باشد و بر
فال بد بیست و دو و اما صاحب کتاب جعفر فرماید که ج او در روز [illegible]
وهم از چهارپایان سم شکافته او را سازگار باشد و چون ماه نو بیند بر روی
مادر نگاه کند تا همه ماه مبارک باشد و اگر نا خوشی بر او عارض شود

معالجه او هلیله زرد و جوز و کشنیز با عسل خام سرشته معجون کند
ناشتا بخورد شفا یابد والبته صاحب این طالع باید این دعا را با خود
دارد بسم الله الرحمن الرحیم نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین یا محمد
یا علی وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا ولا بالله العظیم ۹۵ ۱۴ ۱۱ ۹ ۱ ۵ ۹ ۲ ۱ ۶ ۹ ۱ ۸ ۸ **طالع حوت**

حوت منزل مشتری است و برج ماده است وستاره او حضرت یونس ع
وصاحب این طالع در روی و بازو و سینه نشانی دارد که نشان دولت است
واما مصنف جعفر فرماید که خداوند این طالع بزرگ اندام و امانت دار باشد
واز برادران و خواهران سودمند شود و از ایشان بسیار فائده ببیند و
مادرش با نصیب باشد و خانه فرزندش سرطان است و فرزند نرینه و
مادینه از او بسیار بوجود آید و در کودکی بسیار نا خوشی کشیده باشند
و اغلب ضعف از درد شکم ناله کشد و آن از سردی و تری شود و خانه نکاح
وتعلق بجوزا دارد و دو زن بحبالۀ نکاح در آورد و از سبب آن زنان مال
بسیار بدست آید و خواهر بیم او در مهران و فراوان او در ده سالگی و
پنجسالگی و پنجاه سالگی دشوار باشد و چون از اینها بگذرد عمر وی به هفتاد هفت
سال رسد و خانه بیماریش جگر منظور میشود و باید دعا بعقد اللسان را
با خود دارد که امنیت از شر ایمن گردد و از روزها دوشنبه بر او نیک باشد
و در طالع او چهارپایان خوب باشد و چون پیش بزرگان رود در طرف [illegible]
او ببیند و چون نظر تیز کند که همه ایمنا بر او خوش گذرد البته [illegible]

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا عَطُوْفُ بِحَقِّ آدَمَ صَفِيِّ اللهِ وَبِحَقِّ نُوْحٍ نَجِيِّ اللهِ
وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللهِ وَبِحَقِّ مُوسٰے كَلِيْمِ اللهِ وَبِحَقِّ عِيْسٰے رُوْحِ اللهِ
وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللهِ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ وَلِيِّ اللهِ اَللّٰهُمَّ طَآئِمٌ وَحَفِظْنَا اللهُ وَصَنَا
الْكَوْكَبِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ الْحُسْنٰى وَبِحَقِّ عَلَّامِ الْغُيُوْبِ اَللّٰهُمَّ طَآئِمٌ
بِحَقِّ اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الْمَخْزُوْنِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ در
بیان طالع العناصر زنان که باید بحساب ابجد صغیر
طرح نمایند طالع حمل هر زنی که بدین طالع حمل از مادر
زاید خوب روی و شیرین کلام و دراز موی و باریک اندام و سرخ
و سفید و تندخوی و میان بالای او طربی و شست دارد و دشمن او بسیار شود
اما دروغ با و نسازد و چشم زخم میرسد قلم او بر صفا خود با همت
باشد و گوسفند داری با طالع او زن ستاره کار باشد و طالع او با میزان
علاقه دارد و بیشتر خوی او با او و نشانی دارد که از مادر بسیار و روز و بسیار
فرزندان او درد و بسیار الانها نرینه باشند و درد از زده فرزند طالع
صفا فال منظور میشود و در خوابها نیل روز مادر بعزم صاف شد و اعلی
بلند و اما بجا بلند رسد و طبع او کرم و خشک است دارد و از کرم و بزنا
و بسیار منفعت ببیند و قرانات و در چهارده سالگی و ده سالگی و بیست
پنجسالگی دارد و چون از اینها بگذرد عمروی به شصت سال رسد خداوند
این طالع مال بسیار جمع کند و خیر ببیند و صفا نالیف مبغوضه باید کرد و دفع
بسیار بچشم زخم تلف شود و باید دعای چشم زخم با خود دارد تا از همه شرها

ایمن باشد و اما باید جامه سفید پوشید و نگین عقیق در دست داشته
بسیار اصلاح است همیشه پاین روش باید سلوک و رفتار نماید و از چهار
پایان سم شکافته با خود نگه دارد که بسیار خوب است و اندرون هار و ز شنبه
و از ماه صفا ماه محرم برای او ستاره کار میشود و چون ماه نو ببیند بروی یا بالغ
نگاه کند تا تمام ماه برای او بخوشی بگذرد و چون بر او جای منزل کسی در
و طرف راست ببیند و البته باید دعا با خود دارد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا سُبْحَانُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا اَهْيَا شَرَاهِيَا
فَبِرَاهِيَا اَصْنَا وَشَا الرُّشْدِي حم لَرَحِيْمٍ بُوْدُوحٍ يَا عَزِيْزُ يَا غَفُوْرُ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ طالع ثور در خصوص نجابت شوس حکیم و جماس گفته اند
هر زنیکه بر این طالع ثور از مادر متولد شود کوتاه بالا و شیرین زبان و
خوش لفظ و پیوسته ابرو باشد و اگر بوجه اول آمده باشد زحل است
میان بالا و فراخ سینه است و صاحب کتاب صیفر فرماید که هر زنیکس تند
طالع از مادر زاید فرزندان او بسیار باشند عجب شود که پانزده فرزند
در طالع او باشد و اکثر مردم او را دوست دارند و چشم زخم بسیار
بر او میرسد باید دعائیکه محتوی باسما الله باشد باد عای چشم زخم
با خود نگه دارد و از پیش خود منفک ننماید تا از تمام بلا ایمن گردد
و مردمان بر او حسد برند و شوهر او را بسیار دارد و یکسی که طالع میبرد
او در سرطان بود و بسیار فضا ها بشوهر او بکند و نشانی در پستان
یا در سینه دارد و ابتدا به شکنجه و دولت که خواهد بهمه صفا این طالع

باید واز بکسی نکو بد و بیماری وی از درد شقیقه باشد و قرانات وی بد
سالکی و دوازده سالکی و سی سالکی داشته باشد چون از اینها بگذرد
عمر او بهشتاد می رسد و اما صاحب کتاب میفرماید که بفرزندان او
نسبتا چشم زخم رواید باید که دعا بچشم زخم همیشه با خود نگاه دارد
و از جامها جامه سبز و نگین لعل نسبتا ساز کار میشود و از ماهها
ماه رجب و از روزها دوشنبه و از جهها پایان رود راس اسب
با طالع او ساز کار باشد و چون ماه نو بیند بوی دختر نابالغ
نظر کند تا ماه براو خوش بگذرد و چون پیش کسی برای حاجتی رود
بجانب دست راست وی باید تا مراد او برآورده شود و کار
او نظام گیرد و مرادش میسر گردد و او را بعد کوی و زبان دراز نسبتا تا
باید که دعای جانه با خود نگاه دارد البته غافل از آن باشد دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا دائم یا ذو الجلال و الاکرام وننزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
برحمتک یا ارحم الراحمین طالع جوزا از زنان جالینوس حکیم
گوید هر زنی که بطالع جوزا از مادر متولد شود سرخ و سفید
و نیکو قد و قامت اگر بر جبر او آبله باشد مریخ است سرخ و سفید
و پیوسته ابرو باشد و اگر بر چشم آبله باشد پس دو بلند بالا و بسیار
کلام و در بازو یا در شکم نشانی دارد که آن نشان دولت و از
طرف شوهر خوش نیکو باشد و شوهر او را بهها دوست دارد و طالع

در اسد باشد و اکثر فرزندش نرینه باشد و چنان منظور میشود که
ده فرزند بطالع او مینا شد و بیماری او از سردی و خشکی باشد پیوسته
درد شکم و رنج میکشد و او را دو دو باید باشد سنبل قرنفل دو
و زیره کرمانی در فصلها چند روز ناشتا بخورد دوا آنجا دوا و برایم
بود و مردمان بر او حسد میبرند باید که دعا بجلیل القدر را در همه وقت
با خود نگاه دارد تا از چشم حاسدان ایمن گردد و فرزندان او را از چشم
زخم مضرت باشد باید که دعا بچشم زخم در پیش او لا دخود نگاه دا
و باید که صاحب طالع همه اوقات دعا بمحبت با خود نگاه دارد و باید
اسم خود را وقت واقعه پاک دارد و از بخور که میشود باید پاک و پاکیزه با
و قرانات و در سه سالگی و سیزده سالگی باشد چون از اینها بگذرد عمر
به شصت می رسد انشاء الله و فلزات طالع از جامها سبز و سرخ و سفید بکنز
و از سنگها فیروزه و از ماهها ماه ربیع الاول و از روزها روز جمعه ساز کار باشد
کارش نظام گیرد و چون ماه نو بیند بر دست چپ خود نگاه کند که تا ماه بر او خوش
بگذرد و چون برای حاجتی پیش کسی رود بطرف چپ و باستد تا مرادش برآید
و باید دعا بشر نفس با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا ذا العرش
الکریم الملک القدیم و صراط المستقیم یا رباه یا ذا الجلال و الاکرام
و ذی الاسماء الحسنی یا رب یا منان یا دیان یا برهان لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین طالع سرطان
از زنان جالینوس حکیم میگوید هر زنی که بدین طالع آمده باشد و

داردواگر بوجه اول آمده باشد قمراست وسفید رو ونیکو چهره وسیاه چشم
وصفا کتاب پیغمبر نماید که خداوند اسطرلاب را فرزند باشد دلیل که
صفا طالع پانزده نفر اولاد باشد واکثر فرزندش نرینه واما شوهر او
بیمار دوست دارد واو را شوهرش در ساعه الفتنه وصحبت بشتر کرد دو طالع
شوهر او در حد نبیند او را بیماری چشم و زخم پدید آید باید کرد دعا بچشم
با مشک و زعفران بنویسد و با خود نگاه دارد تا ایمن باشد و خاطر بیابد
وی از درد دماغ باشد وگاه گاه بچشم او درد آید و او را درد دو بار
در کردن و باد و پشت نشانی دارد دیگر نشان دولت است واما از قوم
وامر با طالع ندارد واما گوسفند داری و زراعت برای وی سازگار باشد
وقرانات نحو در دو سالگی و بیست و ششم سالگی باشد و چون از اینها بگذرد
هفتاد سال عمر رسد و او را جامه کبود سازگار باشد و هم چنین از چهارپایان
و روز اعدل از روزها روز چهارشنبه و پنجشنبه و از ماهها ماه رجب خوب
و چون ماه نو بیند بروی نرینه نگاه کند تا آخر ماه برای او مبارک میشود
و چون برای حاجتی نزد کسی رود بطرف راست و بایستد تا حاجت او
برآورده البته هیچ ساعت ابتدا غافل نشود بسم الله الرحمن
الرحیم باشرو یا ما آهیا اشراهیا و براهیا و من الذین اصنا وعت الرشدیه
انه من سلیمان بن داود و ننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا

طالع اسد

طالع اسد حکیم پیغمبر نماید هر
زنیکه بدین طالع افتاد را بدانو و راستر حق و جز اول بنجاه مر بجسیر سرخ گون

استکفا

جواب

و بلند بالا و نیکو طبع باشد اگر بوجه دوم آمده باشد در خانه عطارد
کند کم گوی و سیر سخن و خوش تعبیر باشد لیکن علتها کسب باشد کر
و را عارض مشبود واما قدم او برصا حبش مبارک باشد البته صفا
بطالع تصدق بسیار باید داد و دعا جلیل القدر باید با خود نگاه
دارد تا ان تا خویشها ازا و بگردد و طالع او در میزان باشد و بیماری
در معده باشد از قصد حجامت مضا بقه نماید و دارو بنفشه زرد
با شکر و هلیله زرد با عسل خام معجون کرده سر صباح بخورد شفا
یابد واما فرزندان او نیم باشد و اینجا باشد باید از چشم زخم خلل نماید
و دعا چشم زخم بنویسد با خود نگاه دارد تا ایمن باشد و صفا کتاب پیغمبر
که صفا بطالع باید دروغ نگوید و بمال الحرام طمع نکند که ضرر و صبر رسد اکثر
قرابا و خویش او را دوست ندارند و صفا بطالع عاقل و فراخ دوری باشد
و قرانات او در سه سالگی است چون از آن بگذرد عمر او بنود سال برسد
و صفا کتاب پیغمبر نماید که لباس ابریشم برا و سازگار باشد و نگین یاقوت
همیشه با خود نگاه دارد و در روزها روز پنجشنبه برا و مبارک باشد هر
کار که خواهد در آن روز ابتدا نماید و از ماهها ماه ذی‌الحجه برا و سازگار
باشد و چون ماه نو بیند بروی دختر نابالغ نظر کند تا آن ماه
برا و خوش بگذرد و البته ابتدا غافل باخود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق ق مدس س مد مد مد
هو هو هو ماده ماده باره اهیا اشراهیا و براهیا اصنا وعت الرشدیه

استکفا

جواب

استکفا

جواب

لاحول ۵۵ ۹ ۵ ۲۱ ۳ ۳ ۳ ۹ ۶ ۱۱ ۷ ۹ ۶ ۷ ۸۱ ط ۶ ۶ ۱۱ ۸۱۱ ۸۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۹ ۹ ۱۱

وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ **طالع سنبلهٔ زنان** جالینوس حکیم
میفرماید که هر زنی که متولد شود بطالع این برج و بعد اورا سر و جهه باشد
اول آمده باشد سرخ رو و سفید و میانه بالا و طرب دوست دارد و
صابر باشد و فراخ روی و گشاده دید ابرو باشد و اگر بوجه جسم آمده
باشد خانهٔ صحبت کندم گون و سیاچهره و بر دل همهٔ خلق شیرین
و بر کار و بار خود با غیرت باشد و مریض میشود و خلق بر او حسد می برد
وصاحب کتاب میفرماید که دروغ و حرام بصاحب این طالع ستاکار نباشد
و فلان بر صاحبش مبارک باشد و اولادش باشد و بیماری وی بیشتر
از صفرا باشد و باید که دارو اوسرد و نرم معالجه نماید تا چاق
شود و دیگر هرچند بزرگ شود درست در کار بارد بنا ثوقی نماید
و هر کس نیکی کند در عوض بدی میبیند و پدرش او را دوست دارد
و بر اینصاحب این طالع چشم زخم بسیار رسد و صبر بسیار باید که همیشه دعای
زخم با خود نگه دارد تا ایمن گردد و اما از آتش پرهیز دارد والا زخمت
میرسد و فراوانی و بیکسالگی و پنجسالگی و جوان از اینها بگذرد در بیست و هفت
سالگی برسد و هم که صاحب این طالع فرزند او بسیار باشد و از آب جنبش
و صاحب این طالع میگوید که عمر او هشتاد و هفت سال منظور میشود و فوت
این بجز این است العلم عند الله و از جامه‌ها جامهٔ سرخ و از روزها دو
شنبه و از چارپایان و بر او ستاکار باشد و چو ماه نو ببیند بر روی نابالغ

نظر نماید تا همه ایام ماه بخوبی بگذرد البته صاحب این طالع این تعویذ را با خود
نگه دارد تا از همه آفتها ایمن گردد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ
التَّامَّاتِ عَلَی اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ بِاَخْنَانٍ بِاَیْمَنٍ
بِاَثْبَانٍ بِاسُلْطَانٍ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَ
لَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا فَسَیَکْفِیْکَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ **طالع
میزان** جالینوس حکیم میفرماید هر آن زنیکه بدین طالع افتاده
باید خوانند عطار راست نیکو روی و بلند بالا و خوش زبان لیکن
زود بخشم آید و زود پشیمان شود و دروغ گفتن و حرام او را نسازد
شوهر را فاسازگار باشد و ده فرزند عجیب باشد که در طالع او آمده است
و اکثرش نرینه باشد و اما اگر خوش روی از درد شقیقه باشد و فعال
کرم و تواست و فراوانی و در پنج سالگی و دوازده سالگی و بیست سالگی
باشد و چون از اینها بگذرد عمر او بشصت سال میرسد و صاحب این طالع
باید همه اوقات دعا بعظیم الشان را بنویسد با خود دارد تا ایمن گردد
و از جامه‌ها جامهٔ کبود و نگین فیروزه و از چهارپایان نرینه و از روزها روز شنبه
و از ماهها ماه محرم برای او ستاکار باشد و چو ماه نو ببیند بر روی بالغ
نظر کند تا ایام ماه برای او بخوشی بگذرد و دیگر دعا که اینجا هم است نقل
با خود دارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَهُ الَّذِیْنَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و خلقنه
تا هیا شراهیا اصبا و تا لوشک و نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ تا آخر **طالع
عقرب** جالینوس حکیم میفرماید هر آن زنیکه بدین طالع افتاده باید

او واسه وجه باشد اگر بوجه اول امده باشد خوانند حتر بخشند خوب چهره وگشاده روی وخوش قد وبالا وسیاه چشم وتازه موی اگر بوجه دوم امده باشد خانه مشتری بیت کندم کون وفراخ روزی ودست مبسوط ودم دل بود اگر بوجه سیم امده باشد درخوانه زحل است سفید رنگ وسرخ چهره وصاحب ابنطالعرا دعا عقد اللسان سازگار باشد ودر خصوص صاحب ابنطالع وشوهر صاحب طالع هر دو بهتان میگویند واما در سنبه باید اونشانی باشد کران نشان نیکبختی است ودولت وقرانات او در پنج سالگی وسی ودو سالگی دارد چون از اینها بگذرد عمر او بهشتاد میرسد وازلباس سفید وزرد بپوشد کراو را سازگار است واز روزها روز پنجشنبه چنانچه امر برا ابتدا نماید بالبطش بپوشد خیر ببیند والبته چون ماه نو نظر با منه اندازد کر برای او مبارک است ودر خصوص اولاد غم نخورد کر حق اولاد باو کرامت فرماید لیکن از یک دختر بسبب آن خیر ببیند واما بی د نباشد واز جانب بد رفقا در وافر یاران بهره نخواهد والبته بچیز حرام طمع ننماید کر اگر یک دینار حرام تصرف نماید ده دینار از مال حلال او برود واز چهار یاران اگر ممکن باشد نکر دارد خوب است وبا میمنت باشد واما در روز چهار شنبه وشنبه در مباحث خصومت نزود ونکر دار بخود نماید کر اگر اتفاق خصومت افتد احتمال ظاهر وصاحب طالع العداد ودر وقت نفرها الا بلند باشد وسبب خصومت دارد واغلب اوقات هم بیند کوی ب ضر نوص شود والبته صاحب طالع این تعویذ را با خود دارد هیشه بسم ا

الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا دائم یا ذوالجلال والاکرام وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

طالع قوس ونشان

بدانکه هر ان شخص که بدین طالع افتاده باید دلیل کند که خوانه مشتری بیت واتش مزاج وکرم وخشک است وصاحب ابنطالع زن خوشکل وچست وچالاک وصابر باشد واز جانب پدر ومادر بهره بسیار ببیند اما از جانب بسیار قوم خود کم طالع باشد وبهر کس نیکی کند در عوض بدی ببیند حاسد ودشمن او بسیار باشد ودعا خیر والدین همه اوقات در حق او میشود واما در عبادت وطاعت کاهلی مکن واز چهار یاران نکر دار دیگر بسیار سازگار باشد واز جامها جامه سرخ واز روزها روز پنجشنبه موافق مطلب مبارک است وخوانه بیماری او ثور است واز طرف صاحب خود طالع العدار دو همه اوقات وبغربت میرسد وقرانات او در هشت سالگی ونیب پنج سالگی وسی سالگی وچون از اینها بگذرد عمر وی بهشتاد میرسد والبته بکوی بسیار دارد ودعا عقد اللسان البته همیشه با خود نکر دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا فتوح یا نور النور یا منور السموات والارض یا مغیث یا مجیب الدعوات ویا قاضی الحاجات وعلی کل شیء قدیر

طالع جدی

بدانکه جدی در خانه زحل است وبرج ماده است هر شخص که بدین طالع افتاده باید خوش قد وخوش زبان وشیرین زبان وطرب انگیز

باشد اما از کو سفند
دارد و صاحب هنر و در کار و بار خود با جمعیت و عزت
و زراعت سودمند گردد و هر چند درستن بزرگ شود کار و بار خود
و شوهرش ترقی نماید و خانه مال او دلو بود و در آخر عمر مال واقی
بد سنت او اید اگر بجودش نرسد بصاحب او میرسد بصاحب و میرسد
خواهران و برادران خبر غم بنید و خواهر بیماری بجوز باشد و بشنو
بیمار و بی از سرد و خشکی و درد شکم باشد و اما معالجه هلیله
زرد و رازیانه رومی و انکبین خام معجون کند و بخورد شفا یابد
و قرانات و در دو سالگی و یازده سالگی داشته باشد چون از این
ها بگذرد عمر او بنود و نه رسد و اما دشمن او بسیار باشد و ظفر
بیابد و در طالع او چهار پایان سازگار باشد و البته این دعا را
با خود نگاه دارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ
یَا بُرْهَانُ یَا غُفْرَانُ یَا سُلْطَانُ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ اَغِثْنِیْ

طالع زنان در دلو

بدانکه دلو خانهٔ زحل است و بادی
مشرقی و طبع او سرد و تر است هر زنیکه بدین طالع از مادر زاید
نیکو چشم و خوشخو و صاحب عزت باشد و در سینه و ساق او
نشانی دارد که آن نشان دولت است و برادران و خواهران از او
خیر ببینند و پدر و مادر او را بسیار دوست دارند اما خواهران او
و فرزندش تعلق بجوزا دارد و از ظاهر اندک منظور میشود و خانه
بیمار بُرد در کودکی مستمند گردد و در این طالع کسی باشد که با منت

الناسع و لاثانی عشر — بعضی از اولاد باب نزول

رزق و معیشت جهه

جهه نفع حصول

باشد و صاحب دولت و قرانات وی در هفتاد سالگی و دوازده سالگی
و بیست و دو سالگی دارد چون از اینها بگذرد عمر او بنود سال میرسد و بیز کی
می‌رسد و هر چه امید بندد بر او رسد بفرمان حق تعالی و باید که دعای
چشم زخم را بنویسد و با خود دارد اما از روز چهار روز پنجشنبه و چهار
شنبه بر او سازگار باشد و در طالع او چهار پایان از اسپ و گوسفند
بر او سازگار باشد و چون ماه نو بیند برو بماده گاو نگاه کند تا آخر
ماه بر او خوش بگذرد و البته همیشه این دعا را با خود نگه دارد بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِیْبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا وَبِاللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الْعَظِیْمِ

طالع حوت

حوت خانه مشتری است و برج آبی است و صاحب این طالع
در روی یا در سینه نشانی دارد که آن نشان دولت است و امانت دار
باشد و صاحب این طالع از برادران و خواهران منفعت ببیند و از اشیاء
فایده یابد و خواهر فرزندش در سرطان یافتم و فرزند هر شنبه و فاد سنه
مبشر بماند و بیماری در کودکی بسبب آکشیده و از درد شکم در عذاب میشود
و از سر درد و تری میشود و قرانات وی در ده سالگی و بیست چهار سالگی
دارد و چون از اینها بگذرد عمر او هفتاد میرسد و اما خواهر این در جنگ یافتم
و هر چه از خاطرش خطور نماید از مرحمت خدا در منتها بر او ورده شود و صاحب
این طالع عقد اللسان را بنویسد و با خود نگه دارد و از روز چهار روز شنبه

الثالث والاربعون — جهه رفع غم

الثانی و الاربعون — جهه

روز یکشنبه نیکو بود در طالع او چهارپایان شاکار باشد وچونما
نوبیند بچیز شیرین نکاه کند والبته اینند عا وانا نخو. نکر دارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا عطوف بحق آدم صفی الله وبحق ابراهیم خلیل الله
وبحق موسی کلیم الله وبحق عیسی روح الله وبحق محمد رسول الله وبحق
هذه الاسماء الحسنی وبحق علام الغیوب یا ارحم الراحمین ق لنامه

پیغمبران اول باید سوره حمد را بخواند بعد این آیه را وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا
فی کتاب مبین پس بعد از انکه نیت کرده واینند عا را هم خوانده باشد انکشت
دست راست را بر خانه اسامی یکی از پیغمبران کذارد پس هر یک کر انکشت را
کذاشت شرح فالش را بخواند تا نیک بدان معلوم کردد هر نیت کرده باشد
اما هر کس کر با بنعل شرو عکند الناس دعا ادم والله اعلم بالصواب

آدم علیه السلام	شیث علیه السلام	ادریس علیه السلام	نوح علیه السلام
هود علیه السلام	صالح علیه السلام	ابراهیم علیه السلام	اسمعیل علیه السلام
اسحق ع	یعقوب علیه السلام	یوسف علیه السلام	ایوب علیه السلام
شعیب علیه السلام	موسی علیه السلام	هرون علیه السلام	داود علیه السلام
سلیمان علیه السلام	الیاس علیه السلام	خضر علیه السلام	زکریا ع
یحیی علیه السلام	عیسی علیه السلام	یونس علیه السلام	محمد رسول الله

فال

قال الله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها

بدانکه ای بنده خداوند فال اندیشه بغایت مبارک است وهمه کس ترا دوست
میدارد و تو مردی خوب روئی لیکن این غایت دراندیشه و فکر بوده
وبسیار غم واندوه کشیده وا ما نزدیکست که شادی میرسد وستاره
تو بلند است وبعد از این دولت خواهی یافت پیش از این امید کو تا
بنو رسیده است و مدتی از این متفکر بودی واین مدت بی تدبیر بودی
لشکر خدا بغم تو انکه داشت واز مردم محتشم راحتی خواهد رسید واگر
غایب داری باز اید و تو نیکی بتو بسلامت برسد وحاجتی که داری حق تعالی
مراد ترا بر ضیا ورد وامسال بر تو مبارک است واز روزها روز پنجشنبه وشنبه
بر تو مبارک است ومراد دل برسی انشاء الله شیث ع ای بنده خداوند فال شخصی
ترا از زبان گرفته است وشب وروز بنیک تو را میکوید اما دو سه ترا بد خواه
بود و تو در کار خود دار مکن ودر این دو سه روز کار بد امیکیر دار کتاب
کذشت باید توبه کردن که ستاره تو از این محو است بیرون اید و هیچکاه
نو سر انجام نکیرد و شخصی همیشه با تو دوستی نماید بزبان با تو دوستی
باید کرد از دل خود را بکسی نکوئی وجنک وخصومت بکن اما تو را فرزند باشد
و قدم او بر تو مبارک خواهد بود و باید که شکر نیکی و سخن دوستان را
بشنو راحت یابی و تو را رنجی رسیده بود ونشانی بر تن تو مانده وان بدلیل
درازی عمر است واز غم محنت فرج یابی باید که در زمان کاهلی نکنی ادریس

دیگر طریقه

ابجد او نه فال تو را دولت خواهد رسید و انجه طلب کنی بیابی و لیکن بجاو
بجاحت رسی شتاب مکن که سخن در کار بد میگویند بغایت ناکس است و
دران شو و بسیار بیک بتو رسیده است و قومی بتو حسد میبرند و در قصد
تو اند اما بر دست ایشان کار بر نمی آید مترس که کارها بمراد تو خواهد
و سفری بتو در پیش است از ان سفر راحت بینی و اندک غم بتو رسد لیکن
فارغ باشی که در این چند روز نحس است از تو بکند و در صورت تو
خلق شیرین است و فرمان تو روان باشد و اما شخصی تند خوی زود
خشم کبری و از و خوشنود شوی تو را دوست است از جای گرامی
و هم بکزین تو را دوست میباشد و شب و روز تو را دعا میکنند از فرمان
ان زن بیرون مرو و در این هفته گفتگو مکن که در این هفته ستاره
تو نیز نحس بیرون خواهد آمد و بعد از آن مبارک ورد یکی دشمن
یکی خواهد غم مخور که بدی او بتو نمیرسد و شخصی هم غم خورست و حاجت
که داری بر آید و اگر غایب داری خبر خوش بشنوی که مراد حاصل
است تم **نوح** عم ابجد او نه فال بدانکه شخصی پیوسته تو را بکو
خاطر بود و تو قوم میراهم نصیحت میکنی و فرمان تو نمیبرند و سخن تو را
قبول نمیکنند و در میان چنانکه نوح ع در میان قوم خود سخن او را
قبول نمیکنند تو بر دشمنان ظفر یابی و بشارت باد تو را بر درازی عمر
و نعمت بسیار بتو رسد اما شخصی داعیه بدل دارد و از تو بی راحت
و سبب او اسباب و آزار و اندک غم خواهی دید باید که صبر کنی و

بکسی نگوئی تا بسلامت باشی و سفری تو را در پیش است که از ان سفر راحت
بسیار یابی و خبر خوش برسد بتو که غایب داری از ان شاد بدنی و چشم
تو روشن شود و از روزها دو روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک است باید
دو زاد ... در میان جلک خصوم و ستاره تو را در برج نحس میرود باید
و بر دشمنان ظفر یابی باید که روشنائی بدید آید و امسال بر تو مبارک
است تم **هود** عم قال صاحب الکتاب ابجد او نه فال بدانکه
روشنائی در کار تو بدید آید و در کار خود حیران شده که آیا چکونه خواهد
شد و قومی بر تو ستم خواهد کرد و هم از مردمان بر تو دشمنی میکنند
و حقیقتم تو را آنگاه میبدار زنا تو را ضرر باشد و لیکن مردمان راه
بمانی تو میبکنند انچه خاطر خدا بنم کار تو را بکشایند و از همه غمها نجات
یابی و بمراد برسی و اما اگر غایب داری چند روز دیگر صبر کن و شتاب
مکن که مرتبه عالی دارد و حقیقتم همنشین مناسب بدهد که از او
راحت یابی و تو شخصی هستی بسیار گو و بعد پشیمان شوی و با مردم
نرمی و ملایم سخن بگو تا از همه ایمن باشی و بر سینه یا شکم نشانی دارد
که نشان نیکبختی بود و چون ماه نو ببینی بدست راست نگاه کن و
دل خود را بکسی نگوئی و جنگ نکنی تا هفته دیگر ستاره تو بخانه سعد
در آید و روشنائی خواهی یافت و بمراد دل برسی تم **صالح** عم
قال المصنف ابجد او نه فال تو را حقیقتم از و بچهار ماهند و بمقصود برسی

قل هو الله ختم

الثامن والاربعون

خوشنود کن و رنجی بر پای بود اکنون بهتر است بر پشت و پهلو
نشانی داری که آن نشان نیکبختی و دولت است اما از کسی کوتاه بالا
فایده بتو میرسد و زنی هست که ترا شب و روز دعا میکند خدا تعالی
ترا نگاه میدارد و از برکت دعا او توانست و عمرت دراز شود و بر سر
نشانی داری که دلیل بر دراز عمر باشد و بمراد دل برسی انشاء الله تعالی
اسحق علیه السلام ای خداوند فال امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که بنیت
پیوند داری نیکو و امید در خبر نیکوئی داری و اما خصمی در کار است
اگر تجارت داری خاطرت شاد شود و اگر چیزی از دست تو رفته باشد
باز بدست آید و اگر اراده سفر داری برو که غنیمت و مال بدست تو
میرسد و اگر غایب داری ایمن باشی و اگر قرض داری برو که ادا شود
و ترا مال میدهد است هر چند زود بمیدان برسی و با همه کس نیکوئی
کن و هر کس باشد با تو نیکی میکنند باید که شکر کنی خدا تعالی که در روزی
تو کشاده است و بر دشمن ظفر یابی و بمراد دل برسی انشاء الله تعالی یعقوب
ای خداوند فال آنکه غم و اندوه کشیده و امید از همه چیز ها بریده
خدا تعالی ترا بفضل خودش در سال آینده بزرگی تو کشاده کند و ترا از همه
غمها برهاند چنانکه چشمان مبارک یعقوب بینا شد بود از فراق یوسف
فرح یافت و دید روی و سعادت بزرگی تو بسته بود اکنون بشارت باد
ترا که درها خیر بزرگی تو کشاده است و من بعد خوش و خرم باشی
و بخت و دولت و فیروزی خواهی دید و اگر غایب داری خبر

دیگر طریقه

امسال بر تو مبارک خواهد بود و رنجی کشیده و اندوه دیده و نیت که
در دل که داری میسر گردد و سفری در پیش داری نعمت و راحت بسیار
خواهی دید که ستاره تو روشنائی دارد غم مخور که عمرت دراز باشد
و در طاعت حرمت و دولت یابی و نیتی که در دل داری خواهی رسید
و هر چند با مردم نیکی میکنی بدی میبینی و اگر غایب داری تو سلامت
باز آید و از او راحت بینی و بر دشمنان ظفر یابی و چون ماه نو شود
راحت تو مبدل گردد انشاء الله تعالی ابراهیم علیه السلام قال المصنف ای خداوند
فال آنکه کرده بغایت خوبست و طالعت قوة گرفت و از غم نجات
یابی و قومی حاسد تو بودند و در قصد بودند حق تعالی از فضل خود
ترا نگاه داشت و باید که بطاعت مشغول باشی ترا فرزند باشد دانا
و عاقل و حق تعالی در روزی بزرگی تو بکشاید و ترا چشم زخم رسیده اما از تو در گذشت
و از شر دشمنان در امان باشی اما از فرزند دراز بالا و ازرق چشم که بر روی
وی نشانیست با خبر باش که همیشه بدی تو را میخواهد و حق تعالی
او را مقهور گرداند و ترا بمراد دل برساند و راست گو و دل بسته ایمن
باش و خاطر خود را آسوده دار که آنچه دل خواهی بتو میرسد و روز
جمعه بر تو مبارک است اما روزها دیگر در میان خصومت و فاقه مبتلا
باشی و اگر غایب داری خبر خوش بشنوی انشاء الله تعالی اسمعیل علیه السلام
قال المصنف ای خداوند فال ترا هیچ چیز نرهاند مگر راستی که داری
و باید که راستگو و بعمل باشی عزیزم صبح و شام طاعت کن و مردم را از خود

قل هو الله

و قل هو الله احد را هزار و یکبار بخوانند

خوش شوی و بمراد برسی انشاء الله تعالی یوسف علیه السلام قال المصنف بخداوند
بدانکه قومی بر تو منافقند و بر تو حسد میبرند و بشارت باد تو را که
بر انقوم ظفر یابی اگر چه از شناعت خواطر پریشان داری و در این
هفته راحت بتو رسد اما ایشان کرده با تو قومی کرده اند و خلاف آن
میکنند و نمی یابند و تو دل بر آنها بسته خدا شناسد هر چه در دل
داری بتو رسد و از بزرگی راحت بینی و سفر در پیش است اگر نقصان
بتو رسد بخیر بگذرد و شاد شوی اما سفر تراشاید که میبینم تاریکی و
پراکندگی زیاد شود و از عقیده خود حذر باید کرد که تا نحس روز بگذرد
نحس از تو بگذرد و دری از رزق بر روی تو کشاده گردد و اند و دوستان
شاد شوی و از بزرگان بهره مند گردی و سخن دوستان را قبول کن که
تو را نفع میرسد و از مکر شخصی سیاه چهره و باریک اندام و موی کر باشد
و زخمی هم تو داشته باشد ایمن مباش و از او پرهیز کن الا بشنبه و در انچه رد و
با کسی گفتگو مکن و از تو چیزی غایب شده بتو باز رسد و اگر هیچ بکشی تا
روز پنجم تاخیر کن بعد از یک هفته بخیر خواهد بگذشت و از دوستی
غم و اندوه بتو رسیده بگذرد و اگر غایب داری بزودی خبر برسد و
خودش هم بعد از خبر برسد و روز یکشنبه و دوشنبه بر تو مبارک است و بمراد
دل برسی انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام قال المصنف بخداوند فال بدانکه چیزی از
دست تو رفته بسبب آن غم میخوری اما عاقبت کار در امید افی اگر صبر کنی
هر امید که داری برسی بزودی و مدتی سرگردانی و محنت سر آمده و نعمت

نوع دیگر

بتو رسیده و غم خورده در این چهار روز اما الحمد لله روی بسعادت
نهاده و اما اگر نیت سفر داری برو که نیک است و از روز چهار و روز دو
شنبه و پنجشنبه حذر باشد تا بمقصود برسی و دیگر نیت عقد داری
خود را بزحمت مدار که ساعت خوب نیست و ستاره بخت در طالع
میبینم صبر کن و صدقه بده تا بخیر طلبکی نیابی و لیکن از شخصی کار
تو کشاده شود و از بزرگ راحت بینی و کار بمراد دل گردد و چیزی
در این چند روز بتو میرسد انشاء الله تعالی شعیب علیه السلام قال المصنف بخداوند
فال بدانکه چنین میبینم که با یکی پیوند خواهی کرد از او بتو نفع بسیار میرسد
و کار تو خوب میشود اما چند روز صبر کن و شتاب مکن که بعضی از مردم
با تو اندک دشمنی دارند اما ظفر ترا خواهد شد و در نماز کاهلی مکن
و تصدق بده که حق تعالی از فضل ها بگذراند و از جهت زن غم می خوری غم مخور
که بمراد دل میرسی انشاء الله تعالی و تو را فرزندی باشد که قدمش بسیار بر تو
مبارک باشد باید که راز خود را بکسی خبر دار نکنی تا کار دعا و حج کبر دو بیگ
خدا تبع بتو داده انو اکرها ند و دعا بچشم زخم با خود نگه دار و در این هفته
از درد دل مبتلا گردیدی بد صبر کرده خوب است اما دشمن بسیار داری بخدا
خدا مباش تا زبان بدگویان بر تو بسته باشد و مضرت نیابی و از غایب
خبر خوش بشنوی چنانکه شادمان شوی انشاء الله تعالی موسی علیه السلام
قال المصنف بخداوند فال بدانکه در فکر چیزی فرو مانده ولیکن بهیچ

وجرسا کن نیست غم مخور که همه مرادت حاصل شود و پیش از این تو را غم
واندوه رسیده بود نزدیک شده که ستاره بروشنائی آید مهمات
حسب المدعا شود و در ابتدای زیانی بر تو رسید خدا تعالی عوض تو را
دهد کارت با لا گیرد و دولت بسیار بی مشغولست با کسی عهد خواهی
کردن بکن واگر غایب داری خبر خوش بتو میرسد و کار تو با تمام رسید
واگر دستبر خاک زنی خاک زر گردد و در نماز کاهلی مکن هرچند توانی
زکوٰة بده تا از خوف ایمن گردی و بمراد برسی انتهی نقم **هرون** قال
المصنف بخداوند فال بشارت باد تو را که دولت و راحت رسیده وافتاده
بطالع رسیده اما بعضی هستند که حسد میبرند و یکی تو راد و شد
دارد و نصیحت پند ادر بشنو که امسال بر تو مبارک است و شغلی خواهی کرد
که راحتی تو در آنست واگر غایب داری زود بتو خبر میرسد و هم امروز
سوگند خورده کفارت او ادا بده تا ایمن گردی و خبر بسیار بینی و بر شکم تو نشانی
یا خالی داری که نشان دولت است و پیوسته خواب آشفته می بینی و فرا
میکنی و دولت را فوت دار که بمراد دل میرسی انتهی نقم **داود علیه السلام**
قال المصنف بخداوند فال بدانکه بر سر قوم خیری و بزرگی کنی و جمله
در فرمان تو باشند و از جهة اینچند روز اندوهگین بودی تو خود را نگاه
دار که از عقب تو کسی بود اندیشه میکنند هرچه در دل است برنی با تمیز
وامسال رنجی بر تو رسیده است خدا تعالی تو را نگاه داشت و یکی هم در زاند
نیست و بلا تو جادو واکرده است اثرش ظاهر شد و بچیزی گذشت باید که

رزق و وسعت جهت

الحی و الخنوس

الثالث

واز دل را بکسی نگوئی تا سه روز دیگر خرم شوی واگر غایب داری خبر خوش
بشنوی و باید که در نماز کاهلی نکنی تا بمراد دل برسی انتهی نقم **سلیمان**
قال المصنف بخداوند فال بدانکه تو در غم مانده و در هوس فرزندی
خدا تعالی ترا از این غمها برهاند و فرزندی مقبول بتو بدهد و یکنوبت
جادوی سخت بر تو رسیده بود خدا تعالی ترا شفا داد واز سنگ بر تو
جراحتی رسیده است و نشان آن بر تو مانده است وان دلیل بر درازی
عمر تو باشد و خواب آشفته می بینی و فراموش میکنی در دل تو هیچ حسد
نیست و در کارها صبر کن و بطاعت کوش که قومی با تو دشمنی میکنند
و نقصان کار تو میخواهند و با تو بزبان دوستند در باطن دشمنند
از ایشان با حذر باش و زنان بر تو مهر دارند و زحمت بسیار کشیده از د
شمنان اما از آنها عوض بتو باز دهد و تو را اندیشه در دل است و بجا
طمع داری و واز تو یکی مکوی تا در امان باشی و کفاره قسم بر تست
بده تا نقصان از تو بگذرد و کارت نیکو شود و روز جمعه و شنبه
تصدق بده انتهی **الیاس علیه السلام** قال المصنف بخداوند
فال بدانکه آگاه باش کار دیگر انتظار میکشی فارغ باش که آنچه طلب
کنی بزودی بتو میرسد باید که شکر کنی از جهة شخصی تو را خوبی و سفری
تو را در پیش دارد که از آن نفع بسیار بتو خواهد رسید و زود بسلامت
باز آئی واگر نسبت پیوند داری مکن که از آن پشیمان شوی و خدا اعلم

دیگر کلمه الرابع و الخنوس

خج روز بکر دانند و زیارت خضر پیغمبر عم در باب روز پنجشنبه و شنبه
بر تو مبارک نست و کار بکم باشد میکنی راست صبا بد و نشد بمکن و
صبر کن کر کار تو با صلاح ابدا ما چو تماه نو شود چیزی نبود رسید
خوشدل میشود و از جائی کر هیچ امید ندانی بمراد دل برسے انشاء الله تعم
خضر علیہ السلم قال المصنف ابجدا وند فال بدان و اکاه باش
بشارت باد تو را کر دولت برائے تو امد بعد از این شاد کرد ہے و
کار تو کشاده شود و سفر در پیش باد دکر ابجا براحت و نعمت رسد
بکسے محبت افتد و از وفا بجائے اما یکی با تو دوستے میکنند و
خواطر ترا اشفته دارد اما زنهار راز خود را بکسے نکو و در سه روز
با هیچ کس خصومت نکنے و کفتکو نکنے و از روز چهار روز پنجشنبه
و سه شنبه بر تو مبارک باشد و بمراد دل برسے اما دعا بخشم
زخم ا بلخود نکر داند تا امر کردد انشا ذکریا علیہ السلم
لے خداوند فال بد انکه در کارے شتاب مکن کہ شتاب از دیو
رجیم است و عاقبت کار پشیمانی بهم میرسد اما بشارت باد ترا
بدولت و از جهت فرزند شاد شوے و قدم او بر تو مبارک شد هیچ
غم مخور و یکدل باش و نکرانی دارے و لیکن در دل تو را بغضے
بنا شد و ابجز فکرت هست مبتر کردد و زود بمراد دل برسے اما
شخصے در اند بشر نست و از دل بیرون نمیرکے و قوے بر تو حسد
ے برند و از نزد یکان تو اندا ما هیچکدام از دستشان بنا بد و کار مراد

و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۴
۷	[illegible]	۲	[illegible]	۴
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵
[illegible]	[illegible]	۵	[illegible]	[illegible]

تو خواهد شد و اکر غایب داری زود بتو میرسد و با خبرش در
وا مسال بر مبارک میباشد و تو را سفر در پیش است کر کر مہر و خبر
بسیار ببینی و باید ببند عاد ابا خود بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون عزمت
علیکم یا فخریان ملک یا طیبان ملک و علی معاشر الاعیان
من جیفون باسم خاتم سلیمان بن داود و طافیر العظیم الا
اسرعتم بالاجابة عجلتم و تدخلتم فی هذه خاتم علی خال فرا کولد
شراهیم برفیا شوس طوش الانبیاء ایها الرجاء الرجاء برحمتك
یا ارحم الراحمین وایضا این طلسم را با خود دارد

۲	۳	۴	۲	۱	۱	۱
۴	۲	۱	۱	۲۳	۵	۹
۶	۸	۹	۴	۲۷	۱	۱۱
۸	۱	۱	۱	۱۴	۷	۳

ایضاً ببند عادا بنویسید بر بازو بے دا سنت ببند

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان

یا سبحان وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین

انه یحیی علیه السلم قال المصنف بخداوند بشارت باد تو را که

بدست تو نیکی بسیار خواهی کردن چنانچه در فرمان تو باشند و

از بزرگان چیزی بتو می رسد که از آن خرم شوی و نعمت بیکران روزی تو

اندر ... تو و کم خیانت در دل نیست و اعتقاد تو پاک است و خوش

نوا پسندیده و در دل خلق شیرین میباشی و هر کس نزد و دوست تو باشد

دولت آبادی پدید آید و شادی بسیار تو و فالی بدست و اما اگر طلب

از حرام مصرف نماید ده دینار از مال حلال تو برود اگر شخصی دو غریب

نماید با خبر برسد و چشم تو روشن شود و نوفل بحجره پسندی

کنی که مراد دل برسد انشاء الله عیسی علیه السلم قال المصنف

آگاه باش این نیت که داری از غم نجات یابی و عمر تو دراز باشد

و کار تو بالا گیرد و دشمنان تو مقهور گردد و هر روز عزت با همنشین تو

و راست گو و سفر در پیش داری و که شکست و نعمه بسیار داری همچنین

محو و کم خیانت در دل تو نیست از برکت جای پدید و ماد حق تعالی نگاه دارد

و اگر کسی در غربت داری زود بتو رسد با دولت و سعادت و اما سال بر تو

مبارک باشد و بر دشمن ظفر یابی و هر نیت که کرده خوشنود مراد دل

برسی انشاء الله یوسف علیه السلم قال المصنف بدانکه در دنیا تا بکی گرفتار شد

اذا وقع ختم

دیگر روایت

شکر خدا کن اکنون صبر کن که با این نیت که کرده نفع بسیار بتو رسد

اما زنی مدعی تو میباشد و تو بر ایشان ظفر یابی شخصی در هوس اند

نیست اگر صبر کنی خبر زیاد بتو افتاد و از شما جنگ پیدا شود و زود

بصلح انجامد و حق تعالی فرزندی بتو ارزانی دارد و قدم او بر تو مبارک

باشد و شراکت بتو نشاید با هر که ابتدا کنی پشیمان کردی و دلت هیچ

خال ساکن نشود و مراد برسی انشاء الله تعالی بما رشد فالنا هذه ثانی

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ما

کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله

وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما بیان

واگاه باش بشارت باد تو را که دشمنان تو مقهور شوند و مراد

دل حاصل شود البته و بسیار مردم در قصد تو اند و بهتان گویند

اما خدا بنعمت یار تو باشد و تو را یکی دوست میدارد و شب و روز

دعا برای تو میکند و از برکت دعای او عمر تو زیاد میشود و کار تو

بالا گیرد و نوازش میدارد در کار ها صبر کن و دل را بکسی

تا ایمن کردی و از روز شنبه و روز پنجشنبه و شب بر تو مبارک باشد

و اگر غایبی داری خبر خوش بشنوی و مراد دل برسی انشاء الله تعالی

دعا جو از فاضل دیوبند علیہ الرحمۃ

منقول است کہ بچہ سر خط این ابجد را بر پارچہ کاغذ نوشتہ بر بو گنج نوزد بلک بر مین کہ چہا گنج باشد بچیا فوار کنند و در بنگلہ نوشتہ شود و بملاحظہ گنج چسبیدہ شود بسم اللہ الرحمن الرحیم اتی امر اللہ فلا تستعجلوہ سبحانہ و تعالی عما یشرکون

کنا دو بو نا و طالع نامہ بچھتر بنما بیھا و نا بشہ و چشم زخم و غیرہ اسم حرف و اسم مادر او بحنا ابجد صیر اوند و دو واو طرح نماید اگر یک بماند حمل او گرد و بماند ثور دانستہ

ابجد اب پ ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ہ لا ی

ابجد صغیر است

برجست	حمل آتشے	ثور خاکے	جوزا بادے سرطان آبے
اسد آتشے	سنبلہ خاکے	میزان بادے	عقرب آبے
قوس آتشے	جدی خاکے	دلو بادے	حوت آبے

ابجد کبیر است

ا ب ج د ہ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

السادس فی الخمس

طالع حمل

دیو نزد سلیمان آمد سلام کردہ ایستادہ سلیمان گفت ای ملعون نام تو چیست و ماوای تو کجا است و بچہ آدم را چہ گونہ مضرت میرسانی گفت نام من جادو ان و من پادشاہ پریانم و مقام من در سرچہار راہ است و لب جویہا و خرابہا و درز بر درختہا باشد و ہر کس بدین طالع باشد روز شنبہ و یا افسردہ سازم و نشان آنست اگر سخن کسی را نشنود و در خواب بیہودہ حرف زند و جواب کسی ندہد و رنگش سرخ شود و بیمار نکشد و فریاد کند و درد سر و تپ پدید آید و حرارت وی زیاد گردد و خواب کم کند و لب دہان او خشک شود و دل او بہم آید و سینہ او درد کند اگر کودک باشد چشم و زبان می رسد و از من باسبا زنک و برا فرودہم نشان صاحب طالع باشد کہ روی وی زرد شود اگر چہل روز دوا نکند تب کند و موی وی کرہ و سپند باسم ملا عینان دود بدہ من بسوزانند و دیگر این دعا ابو سعید با خود دارد شفا یابد انشاء اللہ بسم اللہ الرحمن الرحیم یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان اللہم احفظ صاحب الکتاب من کل آفۃ و من کل صبی و لامۃ و من کل ہامۃ و من الجن و المجنۃ و غول و غولۃ و ساحر و ساحرۃ و کاہن و کاہنۃ نعوذ بکلمات اللہ التامات کلہا من اسمائہ الہامۃ و من شر السامۃ

رزق از جہت قفر

النجاة فال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل
المفسدین انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم یا غفور یا ودود یا رؤف یا عطوف یا شکور یا صبور
یا حی یا قیوم یا رحمن یا رحیم یا ۱۱۱۱ ۱۱ ططططط ۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱ رسا

۲۱۱۱ الی اصاوث و این دعا را نیز بنویسد بشوید و بخورد و بر اعضا مالد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله یا خلو الله تبارک و
یا حنان یا منان یا احد و یا صمد یا هو یا من هو ۲ ۱۲ ۱۱۱ ۱۵ الا
سبحانک یا لا اله الا انت کل شیء علما و این طلسم را هم نوشته بسوزاند
و در زیر دامن و خاک او را در سر چهار راه بریزد ملخص صافی شفا
نمرود فرعون ابلیس **طالع ثور** سلیمان فرمود تا دیو طالع ثور را
بیاوردند سلیمان دید که دو سر دارد و پای چون پای فیل
و عصا در دست دارد سلیمان گفت که ای ملعون نشان تو چه بود که انسان
از تب سیکی دیو گفت خود را بوی نمایم بترسد و فریاد کند استخوانهای
بدن او بدرد علت سر و جنون بهم رساند و خواب نکند و آب دهان او
خشک شود و صفرا غالب آید و شکم سخت باشد و تب کند و کاهی گلو
او درد کند و چشمها یش با طراف بگردد و چیزهای غریب بیند و اگر
کودک باشد بترسد و چشم بد و زبان بد با او رسیده باشد گفت فرمود
علاج وی چه باشد دیو گفت این دعا را بنویسد با خود نگاه دارد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من اسمائه الحافظة ومن شر ما

قل اللهم
خسم

و الحافظة ومن کل عین ولامة ومن شر الشیطان الرجیم ومن شر حاسد
اذا حسد اعیذ صاحب کتاب هذا اهیا شراهیا و بحق انزلناه و بالحق
نزل فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم سبحانک الرحیم الاکرم سبحانک
العلی العظیم یا ذا الجلال و الاکرام نظهطا طا الله ۱۱۱۱۱۱ ا د ر ر و آیة الکرسی
و دعا بسم الشافی بنویسد و با خود دارد و دعای ناد علی و آیة شفا
را نوشته با آب شسته فدحراز او بخورد شفا یابد و این طلسم را در زیر دامن
بسوزاند ابلیس تلبیس بلقیس شداد هامان نمرود فرعون **طالع
جوزا** سلیمان ع فرمود تا دیو طالع جوزا بیاوردند چهار سر
بود و سر او مانند سر آدمی و پاها مانند پای شتر بر اسب سوار و تاز
یانه در دست دارد سلیمان فرمود ای ملعون نام تو چیست و منزل تو
در کجاست دیو گفت یا سلیمان نام من صلبان بن نعر است در کوه
ها و در کنار آبها و در رهگذر رودخانها و در خرابها و سر راهها باشد
و کار آنها در روز و شب و برای افتم سلیمان فرمود نشان
تو چه باشد گفت انسان را درد سر و اعضا درد کند
و بیدار نشیند و بر اقرب و کبر درد دهان وی تلخ شود و صفرا بر او غالب
و رنگ او زرد شود و سر و سینه اش پر آتش باشد چون بخواب رود
چیزهای غریب و آشفته ببیند و بترسد و برخیزد و دست و پای او سفر
و چشم بد با او رسیده باشد بدین شب فرود بم نشان آن بود که رنگ او
زرد شود و بنا فراق و کبر سلیمان فرمود علاج وی چه باشد گفت که

فراغ از غم ها
و اللیل

دویم بعه دربرداش بسوزاند وابند غار انوشنه باخود نکه دارد وشون

فولادی دربیان نکه دارد تاشفا یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بجو وملیخا ملیو ملیخا وملیحا بارا بارا اباد وابارا عواس وداغارا عبن و

سبابیطلون طبوس وطربنوش طبنوش اتبنوش اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهٗ

حَثِيْثًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرٰتٍ بِاَمْرِهٖ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبٰرَكَ

اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ودیکر ابن شفا انوشته وباب فدک بجوردد وبراعضا

مالد شفا یابد ونیز این طلسم انوشته در زیر دامن بسوزاند شداد و

نمرود وفرعون ابلیس تلبیس ملبیس طالع سرطان سلیمان

فرمود تا دیو طالع سرطان اوردند هفت سر وهفت پا بود وزشت

رو وبدخلق سلیمان فرمود ای ملعون نام تو چیست ومنزل تو در کجاست دیو

با پیغمبر گفت نام من خطروش ومنزل در خرابها وقبرستانها وکنار جوی

آبها ودرزیر درختان باشد وهرکه بدین طالع باشد وبدین جاها

اید روز دوشنبه وبرا افت رساند سلیمان فرمود نشان افت تو چه باشد

دیو گفت که استخوانهایش را بگیرم درد پیدا کند وکاه تب گیرد وگوش

اورا گران کردانم ودرد سر ولرزه دراعضایش پیدا شود ومعده وشکم

وناف اورا بگیرم ودهان او تلخ گردد وزبانش سفیدفام شود واگر کودک

باشد وبرا نظر کنم چون مرا ببیند بترسد نشان ان باشد که روی وی

زرد شود وشبها تب کیرد وبیهوش گردد سلیمان فرمود علاج چه بود

آداب

اذکار

گفت موی میمون وکرم وباشنه وسپند وپوست صبر در زیر دامن دود

کند وابند غار ابنویسد وباخود دارد شفا یابد انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اعیذ صاحب هذه الدعوات

بحق اهیا شراهیا اصطاطا بروح سکوه وتحمد الحی فسیکفیکهم الله وهو

السمیع العلیم وبحق ننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وابن

طلسم انوشته در زیر دامن دود کند شداد لعنه نمرود لعنه

فرعون عوج لعنه وابن شفا انوشته بشوید وبخورد طالع اسد

سلیمان فرمود تا دیو طالع اسد را اوردند دیوی دید که سر سرد ای

سبز رنگ وکبود چشم سلیمان فرمود نام تو چیست ومنزل تو در کجاست

گفت نام من جهاد ومنزل من بر سر چهار راه ولب جویها وخرابها ودر

ابها اکر روز سه شنبه با انجا ها بیاید بی نام خداوند عالم بی تعویذ

وبرا افت رسانم ونشان ان انسکه اشفته باشد وحرف کسی را نشنود

وجواب کسی را نکوید وچشمش سرخ شود وبسیار اوطول کشد وفریاد

براورد ودرد سر وقولنج پیدا اید وروز بروز لاغر کردد وسستی

بدن دارد وچشم او تاریک کردد ودرد معده وشکم وناف وکمر عارض

شود چون صفرا غالب شود واگر کودک باشد اد سنگ سرخ بترسد

باشد ونشان ان باشد که روی زرد کردد وهمه خون وبراشوم

سبز ادکنم ملک چهل روز تب کیرد باید پرهیز کند سلیمان فرمود علاج وی چه

اذکار

ایات

خواص

کفت ابند غار ابنوبید وبن بازو بند دو دعا بد بکن بوشنہ در زیر دامن
دود کند بہ بن کردد انکہ بسم اللہ الرحمن الرحیم یا معشر الجن
والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان اللهم احفظ صاحب الکتاب من کل افة ومن کل
عین ولامة ومن کل شیطان واهنة ومن الجن والجنة وغول وغولة
وساحر وساحرة وکاهن وکاهنة اعوذ بکلمات اللہ التامة کلها من اسمائه
المخافة ومن شر الحامة والهامة قال ماجئتم موسے بہ السحر ان اللہ لا یصلح
عمل المفسدین بامر سلیمان وامر بسم اللہ الرحمن الرحیم فسیکفیکهم اللہ
وهو السمیع العلیم وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
این طلسم را ابنوبید باشیر وسداب بمالد شفا یابد انشاء اللہ ۱۱۱

۱۱۱۱۱۱۱۱ ۳ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۳ ۱۱۱۱ ھ ۱۱۱ ع ع | ۱۱ الا ع ۱۱ ع ۱۱ الا ۱ الا ۱۱۱ ط ۲۲

الا ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱ ع ۱۱۱ ع ط و دیگر این طلسم را بنویسد در زیر دامن دود
کند شداد لعنت نمرود لعنت فرعون عون لعنت ضحاک
بہ بال لعنت طالع سنبلہ سلیمان ع فرمود باد بر طالع سنبلہ
را او دد فرمود ملعون نام نوچیر ومنزل نود رکجاست گفت نام
من غنم ومنزلم در خرابها وخندقها وراه ها هر کہ بے نام خدا دراز
جا ها ابدا والافد ستانم ونشان من انست کہ معدہ وشکم ونافہ
اعضا بش درد کند وشب لرزہ بروے کاذم وبرا بگیرم چنانکہ خو
از بینی ودهان او بیرون اید وهرجا دست کردنم سنبا کرد دو سرش

درد کند واب از چشم فرو ریزد وزانوها بش را تا ساق بگیرم ودرد
خواب ورا چنگر بہ چنانکہ راحت نبہ باشد وهر شب ونیمہ شب برهنہ
شود نظر کنم استخوانها اورا درهم شکنم وکمرش درد میکند ودهان
تلخ شود وگاهگاه نعرہ زند ونالہ وفریاد کند وطعام کم خورد واگر کودک
باشد چشم زخم وزبان بد رسد کہ روے وے زرد شود وشب بگرید سلیمان
فرمود علاج او چہ باشد گفت ابند تا را بنویسد با خود نگاه دارد شفا یابد
انشاء اللہ تعالی بسم اللہ الرحمن الرحیم قل ادعوا اللہ او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا
فلہ الاسماء الحسنی بحق اهیا شراهیا ادونی صبائوت ال شدائے حی یا قیوم
اللہ لا الہ الا هو انت اللہ لا الہ الا هو انت اللہ فاطر السموات والارض
الرحمن الرحیم علی العرش استوی یا حنان یا منان یا ذا الجلال والاکرام
واین طلسم را بنویسد وبشوید وبخورد وبر اعضا مالد شفا یابد انشاء اللہ

۱۱۱۲ ۲ ۱۱۱ د ۱۱ ۳ لا ۹ ۱۴ ۱ لا ۱۱ ۱۱۱۱۱ ۰ لا ۱ ۹ ھ ۱۱ ۹ ۷ ح ح ع ع لا ۱ ع ۱۱ ھ ۱۱

ھ لا واین طلسم را نوشتہ در زیر دامن دود کند با پوست سیر و
موے کربہ باسیم جوان بسوزانند شفا یابد انشاء اللہ فرعون شداد و
نمرود طالع میزان سلیمان فرمود باد بو طالع میزان را او درد ند
مانند شیر مربع بود وهفت سر داشت وهر سرے زبانے داشت فرمود
نام تو چیست ومنزل تو در کجاست بنے ادم را چگونہ اذیت میکنی دیو گفت
یا نبی اللہ نام من عدوانست ومقامم در خرابہ است ودر کنار ابها ولب
جویها وسر راهها وکند رهاے باشد هر کہ بد ان طالع ابد روز شنبہ

وبرا فت حبر سام سلیمان کفت نشان اف نوحه باشد کفت اکسنکر سر وچشم و
بکیرم وسبعد شعشت شعنت بوی دهان وسیاکم وبر ابد رداوروم وهم چنین معده
وشکم وناف اورا بد رداوروم وکردن او کج کردد ولرزه براندام وی افند و تشنکی
بروی غلبه کرد دودهان وی خشک شود ومزاج غلیظ باشد وخواب راحت نکند
وکاه حال وی بد شود واکر کودک باشد اورا فرو دوم درخواب سلیمان فرمود
علاج او چه باشد کفت بایی الله این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم احفظ صاحب الکتاب قل انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
الا تعلوا علی واتونی مسلمین انا خلقناکم عبثا وانا الینا راجعون طهوس سبوح
انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وننزل من القران ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین یا الله یا محمد قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا
قرانا عجبا یهدی الی الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ
صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططا وانا ظننا ان لن تقول
الانس والجن علی الله کذبا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وابن دعا را بنویسد
بشوید وبخورد شفا یابد انشاء الله وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
برحمتک یا ارحم الراحمین وبترا این طلسم بنویسد در زیر دامن دود کند شفا یابد
دا لعنت نمرود رود لعنت فرعون عون لعنت **طالع عقرب**
سلیمان فرمود تا دیو طالع عقرب را اوردند مثل مناره سرا سپی داشت
ومادی در دست دارد سلیمان فرمود که ای ملعون نام تو چیست ومنزلت کجا
ونبی ادم را چکونه ازیت میکنی دیو کفت نام من خطروش ومنزلم در کنار

ابنجا وجای تیم سنوران وهرکه بی نام خداوند وبی تعویذ انجا ابد وبرا فند
میرسانم واثر این انکه وبر ابکیرم علامت بر او انکی پیدا کردد وحرف بد زند و
کلوی وی درد کند وسرش درد کیرد وچشمش تاریک شود ومعده اش سنکین
کردد وبعد از طعام وشراب کلوی وی درد کند وخشک شود وچون شب شود حال
او بد باشد ودست وپایش سفید مان شود وبدنش لاغر وسست کردد وچون
بچها اکر کودک باشد زبان وی بد رسد مثال مرغ از هوا دادم وبر فرو دهم و
ان باشد که روی وی زرد شود وتب کیرد وتب او را در رهد سلیمان فرمود که
علاج وی چه باشد کفت باید که این دعا را با خود دارد شفا یابد انشاء الله بسم الله
الرحمن الرحیم قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا یهدی
الی الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فا
غشیناهم فهم لا یبصرون ونیز این دعا را بنویسد با چند جوز وکلاب و
شیرینی ومصطکی بشوید وبخورد شفا یابد انشاء الله بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله لا اله الا النافع جل اله یا اله المحمود فی کل فعاله بسم الله الشافی
بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم یا نجیبا را لا تأخذه سنة
ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض یا رب العالمین واین طلسم را در کاغذ
نوشته در زیر دامن دود کند با پوست سیر وموی کربه وبر سپند شفا یابد داد
لعنت نمرود رود لعنت فرعون عون لعنت **طالع قوس سلیمان**
فرمود تا دیو طالع قوس را اوردند که چهل ذرع قد داشت وچهار دست بود

بود و بر فیل سوار بود سلیمان فرمود ای ملعون نام تو چیست و منزل تو در کجاست
گفت یا نبی الله نام من ابخاست و سرا و مرا جای و بعضی ادم را چگونه ضرر میرسانی
در کوهها و زیر درختان باشد هر که بد بطالع اید بی نام خدا در انجاها
در اید و بر ان رسانم سلیمان فرمود اثر افت تو چه باشد گفت که اثر افت من انست
که اندامش درد کند و چشم او تاریک شود و گردنش درد کند گاهی احوالش
خوش و گاهی احوالش بد شود و دل و جگر او را بگیرم چنانچه اتش بد ملاید
و هر ساعت بد حال گیرم که از هیبت من بدن وی مدد بد فی العود بیقرار
گردد و فریاد بر کشد گاه بهوش اید گاه بد حالش بگیرم که نتواند حرکت نماید
و چشم بد رسید و شبها تب گیرد اگر معالجه نکند چهل روز بکشد سلیمان فرمود
معالجه او چیست عرض کرد این تعویذ را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ
أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اعيذ صاحب الكتاب
بكلمات الله التامات كلها من غير لامة وشامة ومن شر الشيطان يا الله
يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام
و لیعد عادا انیز یا بلا نار شیر بن بنویسد و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم
ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على
العرش يغشي الليل يا الخ وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
برحمتك يا ارحم الراحمين وابطلسم او در زیر بالین دود کند و خاکستر او را

در سر چهار راه بریزد شداد داد لعنت نمرود دود لعنت فرعون عون لعنت

طالع جدی سلیمان ع فرمود تا دیو طالع جدی را اوردند دیو بود
بدصورت و بد خلق که بر سر تاج داشت حضرت سلیمان فرمود ای ملعون نام
تو چه و منزل تو در کجاست گفت یا نبی الله نام من ابخانیس و زیر زمین و سر
راهها و زیر درختان و خرابها باشد و هر که اینجاها بی نام خدا اید و او افتد
میرسانم و نشان انست که استخوانها اش را بگیرم و گران کنم و هفت اندام وی درد
کند و چون شب شود تب گیرد و شب و روز ارام نگیرد و گلوی وی را بگیرم که
زرد اخسته کنم و در خواب برا میرسانم و او را بترسانم و رنگ وی زرد گردد
و میان او را بگیرم و گردن و شکم درد کند و خواب پریشان ببیند
اگر کودک باشد بصورت میمون یا سگ بیا خود را بوی نمایم پس مرا ببیند
بترسد بیهوش گردد سلیمان فرمود علاج او چه باشد گفت مشک و عنبر
دود کند و ابجد عادا با خود دارد شفا یابد انشاء بسم الله الرحمن الرحیم
أعوذ بعزة الله أعوذ بقدرة الله وقدرة الله من شر ما خلق بين الارض
والسماء اعيذ صاحب الكتاب من شر الشيطان الرجيم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا لا تنفذون
الا بسلطان يا حنان يا منان برحمتك يا ارحم الراحمين وابطلسم او نویسد
دفن کند دو روز بتا ۱۱۱۱۱ ۹۹۹۲۲۳۳۱۱۱ ۱۰۰۱۰ شداد داد لعنت
نمرود دود لعنت فرعون عون لعنت **طالع دلو** فرمود تا دیو طالع دلو
اوردند شش سر داشت و بر کرکس سوار بود مانند غیر صورت حضرت فرمود

ایلعون نام تو چه و منزل تو در کجاست بو گفت یا نبی الله نام من پادشاه
بطرس است و پادشاه پریانم هر که سید غاوف مغرب دو فرستاد
کنند یا در سر چهار راه در زیر درخت گذر کند و واقف دسانم و اثر
من آن است که تب سرد کند پشت و میان او را بگیرم که درد کند سر و چشم او را
کران گردانم گاه گاه لرزه در دست و اندام او پدید آید حلقوم و بخشک
شود ناله و فریاد کند و چون برخیزد سرش بچرخ آید اگر علاج نکنند
در زحمت افتد باید تصدق دهد زیرا که تصدق بلا را دفع میکند
باید که این دعا را بنویسد با خود دارد تا ایمن کردد بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الملک الحق المبین لا اله الا الله الذی لا اله الا هو العلی العظیم
ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن قل جاء الحق و زهق الباطل ان ا
لباطل کان زهوقا اللهم احفظ صاحب هذا الدعاء من المرض بحق محمد
و علی و این طلسم را بنویسد در زیر دامن دود کند شداد را لعنت نمرود
دود لعنت فرعون عون لعنت **طالع حوت** حضرت سلیمان ع
نادبو طالع حوت را آوردند عرض کرد یا نبی الله صاحب این طالع در
یوم چهار شنبه در طرف مغرب در جای ناساز گار در رفته باد بریان
خورده که هفت اندام وی درد کند و صفرا غالب شود و حرارت زیاد
چون بخواب رود خوابهای پراکنده بیند و از خواب میترسد و باید از
دروغ ترش حذر کند فرمود علاج وی چه باشد گفت نیم مثقال نقره
تصدق کند و این دعا را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک تعلم سری

و جهری فاقبل معذرتی و تقضی حاجتی و ننزل من القران ما هو شفاء
و رحمة للمؤمنین فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم یا تمجبثا یا موشطیشا
یا غفور یا عالم یا حلیم یا عظیم یا رحیم یا ودود اهیا شراهیا ازوبی
صباوت الرشدی من شره تا یکون باللیل و النهار و رب اغفر و ارحم
یا ارحم الراحمین و این دعا را بنویسد با گلاب بشوید و بخورد بسم الله الرحمن الرحیم
یا معشر الجن و الانس و الشیاطین هه هه هه و این طلسم را بنویسد
یا موسیک و کرمه در زیر دامن دود کند مرداد ل ی س فرعون هامان

تمت کتاب دیونامه و طالع نامه

نوع دیگر	هذا دعا	طالع نامه

کتاب طالع نامه برای بجهت هر مرضی و ناخوشیها

از رنجها و دردها و غمان و چشم زخم و غیره که از جانب پری یا کفار
آزار برسد قاعده چنانست که اول اسم مریض و مادر او را بحساب
در آورند و هفت هفت طرح نمایند اگر یک بماند شب یکشنبه نظر
آورده است و از کشش باشد اگر دو و پنج و شش بماند مسلمانان
اگر هفت ماند از پریی جهود است اگر سه بماند نصرانی است ابجد

در بیان حساب ابجد کبیر است

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

از کتاب زنبور اشنکه دی و

پادشاه هند کر یکی پرے موق ودیکر پری غوشکنت دردستیچپ مغرب
میباشد وکشتش در فرص خلیلے باشد ومسلمان درکعبه شریف
میباشد پادشاهیست تخر بان درجزیره هندوستان میباشد
وکشتش اودر ابروان میباشد اسم پادشاه شهبال است باب

اول در رذیک پریان و منزلها و حرف ماندن و فرقبن از

هر طرف مقام کردن بجاها و بدان واگاه باش کران پرے کرد در دو
یکشنبه نفر اورده است ترساست پادشاه ایشان در اسب سرخ
نشنید و درخیمه اش سرخ باشد ودستچپ مغرب در ابند منزل
کنند بجاے انهاے بزرک باشد مثل تنورها یا کلخن حمام وانچه بدانها
باشد چون کسی را برهنه و بیمار خدمتم باشد بزنند و درد مند
کردانند انکه پری ترسا باشد نشان مرض و بیمارے وانکه انکس را درد
انها و پهلو دارد و سرواستخوانها و ساق و پا و زبان بکیرد و دهان
خشک شود و دلش بسوزد و از شکم کیرند چون اشعلا منها ظاهر کردد
باید دانستکه نجات از پری رسیده عزیمت پادشاه نوشته با بر بشیم
وانکروه را ببندند درعزیمت انبیا دشاه ببندد از بازوے او عقد نماید

و دست بردارند کشاده کردد و من بعد بکیرد او نکردد و
از بت پرستانند و عزیمت پادشاهست باب عزیمه پیر کشتش
شهبال است اللهم انی اسألک بعزیاه تیمهول جار و جار و کرد و شرا و
علیم بل جهود باسم خاتم سلیمان بن داود یا ملک سالبن شهبال و
عزیمه و علاضر فخر بان هندے کلام شمیح یا مجوش و صبایجے اسرافیل
بحق خصلت پنج بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله اللهم بادر
بنقش خاتم سلیمان بن داود و بیغیاس سهوے بل میبوست
کرد و ش کر د و ش دوق دوق بکیبته یا ه یا ه مثله برش و کاخا
سلیمان بن داود عم بحق خاتم غائب و حاضر و حاجت فاستبشروا
ببیعکم الذی بایعتم به الی الله تصیر الامور مود واخرجوا عزیمة علیکم
یا ایها الارواح امیر الجن المعاهد بمیفا علی العزیز من العرش وسبعة
الکرسیه وابها القدوس الخلیل و عقبا الطاغیه وسبعة الصفوة من قبل
الدعوات الملکوت الذی عهدتم به سلیمان بن داود عم اللهم جنتم به وانتم
البر من کل حدب تنسلون ومن کل تبنبد لون تدبرون البر وانتم
البر فابرون افعلوا ما تأمرون وما الطاعته تحشرون وما بالعهد
تحضرون باسرع استحباشا نا جب دعوة یا اربع الاجابه مع من خضرک
ومن خضرته ومن اعوانک واولادک وبعزة الاوصیا النور ورزق
المنشور وبالاسم للمقدس وبالفضل القدوس والنور قائم والفتح
المتعالی ورب عثال برزبال و خطبطال اسرع عجل عجل عجاج دبن

وَبَیْنَ زَوْجِكَ وَطَهِّرْ نَعْلَكَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَمِنْ مِثْلِهِ
شمهزلا و هبا من اسرائیل بحق غائب وحاضر اللّهم فقطبطو
مبد هلا ببقش خانم سلیمان بن داود ع و زرع ملك وعزیم كل
نمهول ملك عقد شان عقد بکم وجلسکم بحق سلیمان بن داود
یَا اَیُّهَا الْاَرْوَاحُ الطَّاهِرَةُ دَخَلْتُمْ اِذْ دَخَلُوا فِیْ هٰذِهِ الدَّائِرَةِ عجلوا
عجلوا العجلوا ما فیه الاجابة فخان شهط بش مهط فرقف وشلف
منطنوء و بحق وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ
وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا باب هفدهم در بیان پری
روزان باید دانست که روز دوشنبه و پنج شنبه وادینه از
پری مسلمانان و پادشاه ایشان عبد الرحمن ملك است وایشان بر
دو اسب سفید نشینند وجامه سفید و بر تخت سفید نشینند و
وچون بجای حرب نمایند و منزل کنند بگذارد جا خوش وخرم و ا
چون بد بینند جائی کسی را برهنه ببینند و بی طومار و بی نام خدا نیم
ببینند بزنند و دردمند کردانند چون خطر انظر افکنند وخشم
ودل او وا بچیزها هولناك نمایند و درد حلق و معده و درد سر
وجگر و زیر ناف وکاه کمر کرد و دندانها نیم اید و همه اعضا او درد
کند وسست شود از سر تا بقدم بند کرده باشند چون ابتلاء
ظاهر کردد باید دانست که از پری مسلمانست چون عزیمت عبد الرحمن
پادشاه را نویسد وابریشم سرخ و سفید انراکره بند دو دو عزیمت

بند داز بازوی او عقد نماید عهد کرده با سلیمان عجون ابن
عمل را بجا اورند من بعد با وزحمت ندهند و عزیمة انیت
علیکم یا عبد الرحمن ملك الواحد العابد العاکف البیت المشرك
والمجاور الکعبة والرکن والمقام اه اه دو واذونی احادث هبیرا
هی جرش و وز و فش فرزدوش دخل کان امنا و بحق انا انزلناه و
بحق تو کل والتوابل لا توفی ولا تو بنه فلا فنسفد المحرمة بحرمة ان مع
انفوا الذنبهم محتنون عزیمة علیکم یا ابا الرحمن یا ابا جمال و یا حاکم
و یا فاهول یا مسلم بن یزید الصاحب الصلاح السنورف صبر الجو
و یا مالك صاحب الفلاح المذهب بالله الکثم ثُمَّ اسْتَوٰی اِلَی السَّمَاءِ وَهِیَ
دُخَانٌ مُّبِیْنٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا اَوْ کَرْهًا قَالَتَا اَتَیْنَا طَا
بعلوا الا فا ایتمونی طائعلوا بحق الله و بحق سلیمان بن داود ع قرآن
العظیم و بحق ایات وَالذِّکْرِ الْحَکِیْمِ و یا رب الذی سجد فریة من فی
السموات والارض وانه لقسم لو تعلمون عظیم اجیبوا داعی الله و
اسمعوا واطیعوا فانی اعظم علیکم با قلیص قالوا اما احمری حا موا وا
شهبلشا ساموا و افش اسرح ببسبا رهی ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون
عجلوا ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰی فَکَانَ قَابَ قَوْسَیْنِ اَوْ اَدْنٰی فَاَوْحٰی اِلٰی عَبْدِهٖ
مَا اَوْحٰی فاین کنز و عاقلهم وحرمتم عن الجن والقدیم عن کلام الله و
اسمائه فانی اعظم علیکم بسم الله فقد اذ و مبر فلیصه مسوسر و قسم علیکم
بسم نبینا تلون الا ما عجلتم بالاجابة الساعة اضاد شان فقضبطو

شطان هطش حاطبوش فاطبوش فطرش حجاعبوش شماکطشع
طمشفا طمه ثاکفشال طبفشل ااه عجل یا ضطفوش بہ هذا الاعجل اعجلا
الساعة یا اباء بدالرحمن الملک شمس طش ددحفوش وانطلسم
رام یا خود دارد ۷۱۴۸۱۱۱۲۹۷۹۲۱۳۲۲۱۱۱۹۹

باب

ضرانی دیگر زیر بے موف و بچہ غوشك ضرا هر کس را کہ نظر کند
اورده باشد انها چون حاضر کرده شد بلجاها سبز و بر تخت سبز نشینند
بعد ابت شوخ و بیفرمان باشند و منزل کنند بجائیکه درختان بلند
باشد و جائے بلند و هر روز باد سخت و زدان دو زبقوت باشند
چونکس را پا برهنه یا پی طومار یا پی نام خدا بتع ببینند بزنند و او را
درد مند کرده باشند چون خلق را نظر اندازند خصوصگاز فان را
حبض خشک شود و مرد مانرا از چشم کیرد و از کوش و چشم و شکم و کتفرا
کیرند علت نیم اندام انکس را کرفته شود و بکند سنب و بکیا بلرزه درآید
و دلش بسوزد و درد شکم کیرد چون این علامتها ظاهر کردد باید دانست
کہ زخم از زیر بے موف و پیرے غوشك رسیده است و چون عزیمتهاے پادشا
هان بنویسند یا بر یشم سبز اکر و هراهیند و در عزیمت بند بو بیمار عقد
نمایند عهد کردند با سلیمان پیغمبر علیہ السلام کہ چون بجا آورده شد بعد کرده
وی نکردند و بوے زحمت ندهند بیمار صحت یابد عزیمت **ابنست**
علیکم علی اعوان الشیخ واحضری منهم واعوانی سنبد ولتهد الغراد
وقالنتوق بمن علیه عزیمة لا القوم طا الارض ولا هوا الماء اجنبم علیه عن

نا حبن ولا دیب نت یا سلیمان وانت یا شالخ وانت یا هاشم وانت
هاتف یا عترة صاحب لعرب وانت یا غفور صاحب الهوا وانت
یا عبید سلکم صاحب الساکن والغفران السحاب وانتا النجوم الا
ضبن السبعة وانت یا شرجبیل وانت یا افنابل صاحب البحر الاخضر
الماء اجنبم فی خیلکم وقبائلکم عنی برا فدا سرع من حرب لوناج ونفخ النیران
ولی معان البرهون وبحق هذه الاسماء من سمعها منکم ولم یجیب
حرهقفا بیان فبحق الله الملک الکذ احد یا جبل بن یدے سلیمان
بن داود علیه السلام سرفیون هش هبوش عجلوا عجلوا وانت یا ایها الارواح
الشیخ من قبل ان فظن وحرها فنند دهان سحا ادوها یا فتلعنهم کما
لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا حلشان حالنکم بکیلان
مبکان همکان هند وش بند وش کبکورش خصاصد دا ئمہ بلا
بعزة الله جرع ابند ون و حج صناش مشهوط و مهبط یاسبد وک
بو غوشك و غوشك رلی ورلی ملکان اه اه اهیا شرا هیا ادونی
اصبا و مثال شدی لبلوه بوه هوه دوه اهوا اهوالی هوا فغردشو
بلخ هملوخ خبم یشم همغود وش هفے اظهار شان اللهم بلا زمان
شاخ یزشا هفے نوشا بکے خوشا طے نوشا مشطوا طا طا عطوف مسطر
اطرا طیش اهیا شرا هیا ادونی اصبا وث غائبا حضرا وحاضرا
بیجل الحمد لله رب العالمین **باب چهارم در بے جهود از**
کتاب شوم بدانکه برے جهود هر کس را نظر اندازد در

در خوابهای کهنه و سور اخها را انجه بد بین ماند و پادشاه ایشان از
جمله پادشاهان بزرگتر باشد و هر روز چهار صد هزار پادشاه
باشند چون فرود آیند و بر اسب سیاه نشینند و جامه سیاه پوشند و بخت
سیاه نشینند چونکس را برهنه مبینند و بی طومار و بی نام خدا تعالی
باشد او را بزنند و درد صند کردانند و چون بخلق نظر اندازند
در چشم دل چیز ها طولناک نماید سوزنهان بهم رسانند کاهی کرباشند و
نکون و پشت و از بیم سر واند رون بگیرند و هم اندامهای ایشان در
کنند و از خواب رجهد چون نعلامتها ظاهر گردد باید دانستکه
زحمت ان جهود پری رسیده این عزیمه را در روز شنبه باید نوشت
بر ابریشم هفت رنگ با هفتاد گره ببند دوازده بازوی او عقد نما بند
عهد کرده اند با سلیمان که من بعد بکرد او نکردند و زحمت بوی
ندهند عزیمت جهود انیث بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون عزیمة علیکم یا فحریان
ملک یا طیبان ملک وعلی معاشر الاعوان من جبیقون باسم خاتم
سلیمان بن داود وما فیه العظیمة الاسم عنه بالاجابة عجلته و حلیم
فی هذه خاتم علی حال فرا کول شرا هم برقیاء بنوس طوش طرفولکا
مربغال ثالرفاو انزلوا علی هذه الخاتم بیم الغیب فی کسم الجنة والا
نبیاء ها الوجا الرجا یا طیبان ملک هبطوا شبطلا شبطو

یا هارش طلش طلاش و هوش شهبطاش طوطاش ماطش شطر
هوش خطوطامه طوطه منطه منطیشه جفود جهودش کفودشو
مع لوازم سلطنتک وهو افنیت خظرانک واطباعک واشباعک وبحق
نقش خاتم سلیمان بن داود ع وبحق الجن والشیاطین الوحا الوحا و
العجل العجل العجل تبارک الله یا طیبان الملک بحق نقش خاتم سلیمان وما
فیه وعهد وشفاقه الذین واثقکم به وبحق هذه العزیمة احضار شان
بحق مجلهیش خمیش نجش کوش کموکیش هفش الزوا والزوکیش والزوا
کیثور کال نکال همایش عزیمة علیکم بکواکب السبعة والافلاک والامطار
السحاب المسخر بین السماء والارض والشعاع الشمس ونور القمر
والحفظ والبرق اللهب للسیول والظلمات والنور والحرور واز الجذر
داق دواز رواز الکشت واز الکبراک واصهایم ابیض واشغر وعرب
وعمرد وری بجامه ابراهیم و هشت ززوش وشمروش و مبطوش در
طبوش وزعزعن و هش و فا حشرا خضری وعنکی وافعلوا ما شئتم
الرجاء الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة اجیبونی واطیعونی
سوکند شان یا ایها الارواح المجوسیه و بحق دد دشنه وصفی و بحق
النوریه والناریه و بحق النار والنور والظل والحرور واز روی الکته
واز النار ورک و بحق السماء والارض والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الاله الخلق والامر تبارک الله رب العالمین و تبارک
الله احسن الخالقین و ارد بکر انکه از برای هر کس که عزیمت

هر بادشاه نوشته شود و قسم این چها کتاب میباید نوشت و بر سرنه
دارد بسم الله الرحمن الرحیم علیکم عهد الله بعهد و بحق
الذی نزل لسان موسی بن عمران فکفلک یا بعون بعزة الله و بعزة
الرحمن و بعد وة الرحمن و بعطاء الرحمن و بحق بسون و بحق جبرائیل و
میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حملة العرش و الروحانیین
و بحق الکروبیین و بحق القائمین بحملك عهد الله قسم بضر ابنا علیکم
و عهد الله و عهده و میثاقه و بالله و بحق الحبل عیسی و مریم خاج
و صلیب کشش مستطیعه لا یعرض بین فلان بن فلان من دنیاك و لا
تو ایمنکم لا تخلف المیعاد و النصرانیه و فتلنك شواظ من نار و نحاس
فلا تنتصران و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باب دیگر
افسون حرز یا ابریشم مفید رنك بخواند و گره زند تا تمام شود
بدانکه چهو هفت و کشش سرخ مصر آنی ابریشم سبز مسلمان و
با سمعی چون عزیمه بکنویز نویسد اگر اجابت نماید چهار عزیمت را نما
باید نوشت اجابت میکنند افسون افسیت بسم الله الرحمن الرحیم بسم
در آسمان و بنج زمین آتشی و بادی و خاکی و آبی را بستم رنك خاك و
باد را و هوا را بستم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و علیا ولی الله و
بحق صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که اول ایشان آدم و آخر ایشان
محمد رسول الله صلعم و بحق نقش خاتم سلیمان یا باد یا باسح یا پری ای
چه هستی از هفتاد و دو ملت و سه هزار علت بر غالب و بدان را

و بدان دارفده انیکر وه فلان بن فلان رنج مرسانید اذهبوا او
سیل ان یرسل علیکم شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران فبای الاء
ربکما تکذبان اخرج بدخان مبین الله و بالله علی محمد رسول الله صلعم
بیال جبرئیل و قفل داود و مهر سلیمان و نبوت سید آخر الزمان تما
بلاها و آفت جنیان و پریان ابخره بدین ها ند عقد کردم و بند کردم
بکلام الله و اخسئوا خاسئین انا الاغلال فی اعناقهم والسلاسل یسحبون
باب دیگر اگر کسی را بسته باشند در روز چهارشنبه نوشته
و هفت پارچه کاغذ بی روزی یکی در آب فنداز دانه بشب مضحوده
و ه و السط کسر لسلا کا النکان فلان بنت فلان باب دیگر هر کاه
کسی را دهم حال بسته باشند این اسم را بر هشت پارچه نامخنک
نویسند آخر ماه روز چهارشنبه البته کشاده کردد انشاء بسم الله الرحمن
الرحیم | لا | طس | اموس | واه للر | هب | کا لا لا | کاف | کا | عاد
باب دیگر شرح وزن قران مجید است ابکشند
اول ایستی کند و طهارت بکند باب دیگر اگر کسی را
بسته باشند و خواهند بکشایند این مهر را دو دان اب مجموبان دو
و برطاس کند و بر سر بریزد کشاده کردد انشا یا سطیع النور یا
معلون یا مبتداه یا مولاه یا دیاه هو الحی القیوم یا بانی سبا و ث
هیبا العظیمه لر السلطان الله یا لا اله الا الاهو الرفیع جلاله باب
دیگر اگر کسی را بسته باشند خواهیکه بکشاند آیة الکرسی

وقل یا ایها الکافرون واذا جاء نصر الله وقل هو الله احد وقل
هو الله احد وقل اعوذ برب الناس با مشک وزعفران بنویسد
وبا آب بشوید وازان هر دو خورند در حال کشاده گردد و بسیار مجرب
مجرب است دیگر ابستن زن یکی مرد نگاه دارد یکی زن بمقاربت کنند
البته ابستن گردد بفرمان حق تعالی اگر خواهد امتحان نماید چهل روز
بر درخت که خشک شود او بزد بفرمان خدا تعالی سبز گردد علی علی
علی علی مه مه مه مه مه مه مه مه مه مه مه الا الا الا دسے دسے دسے دسے
دسے دسے دسے اهبا اهبا اهبا اهبا اهباشرا اهباشرا اهباشرا
هباشرا اهبا بهذا الدعوة من الله القدوس القدوس القدوس
القدوس القدوس القدس مه مه مه مه مه مه مه مه الا الا الا الا الا
الا الا دعا جن و پری بسم الله الرحمن الرحیم قل او
حی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی
الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون
الا بسلطان اللهم انی اعوذ بک من همزات الشیاطین ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم روایت است که روزی حضرت
سلیمان ع حکیمان جنیان را طلبید سوال کرد چگونه باشد که
مرد جوان باشد و زن جوان ایشان را فرزند نمی باشد یکی از
حکیمان جنیان که فاضلترین تمام جنیان بود بر خواست شرایط

ادب را بجا آورد وگفت زن را هفت علت است که ابستن نمیشود اول
زنی بود که گوشت زیاد در خانه دارد دوم زنی بود که آب زرد
در خانه دارد سوم باد است چهارم زنی بود که او را پریان
جادو کرده باشند پنجم زنی باشد که آب بگوشت آن رسیده
باشد ششم حیض وی زیاد باشد هفتم آنکه از جا بلند افتاده
باشد حضرت سلیمان فرمودند چه علاج داشتن که کدام
علت را دور کند گفت یا نبی الله یا هر زنیکه مرد مجامعت کند زهار شر درد
کند که باد در خانه دارد چون مجامعت کند تا منی بجای خود رود
شود چون شیر سرد شود از ماست روغن حاصل نشود و آنکه آب سرد
در خانه دارد منی را بزند هم چنین شیر تازه شود از او هیچ حاصل نشود
آنکه پریان او را جادو کرده باشند چون مرد با او نزدیکی کرده دلش درد
کند و آنکه باد دارد نشست زن درد کند و آنکه آب بگوشت او رسیده
باشد پهلو و پستان درد کند و آنکه از جای بلند افتاده باشند
کمر زن درد کند حیض وی بسیار باشد تن زن درد کند سلیمان
فرمود که درمان اینها چیست عرض کرد آنکه در خانه گوشت دارد ز
هره کرک زهره خروس و روغن زیتون و پشم شتر چهار روز با خود
دارد بعد از آن غسل کند با مرد صحبت کند ابستن گردد بفرمان حق
تعالی و آنکه آب در خانه دارد یک دانگ افتیمون زرد و
و روغن گردکان و آب شراب در پشم شتر بند سه روز با خود

کرده بعد زان مرد با وی صحبت کند آبستن گردد و انکس که باد دارد زن
مره روباه با روغن بنفشه و مشک و زعفران در میان پشم شتر شسته
با خود دارد و بعد از ان مرد با او صحبت کند آبستن گردد و انکه
از جا بلند افتاده باشد شیر خشک با یک درم مصطکی و پشم
شتر بطریق مذکور رفتار کند و انکه فرزند مرده آورد
زهره گنجشک و زهره مرغ سیاه و روغن برزک با هم بجوشد کرده
و غسل کند مرد با وی صحبت کند البته آبستن گردد و این طلسم را
با خود دارد دیگر فرزند مرده نیاورد

نوع دیگر انکه در رحم او ۸۴۲۳۷ ...
گوشت رسته چون شوهر نزدیک کند هیبت بد دارد علاجش آن
اسپند مرده سنک با پشم شتر در وقت حیض با خود کرده و مرد
با او صحبت کند آبستن گردد انشاء الله **نوع دیگر انکه باد در شکم**
دارد در رحم او چون شوهر نزدیک کند دمن زن باد شود
زهره روباه با زرده تخم مرغ با دانه سپند با پشم شتر و شیر بجوشد که
دارد در وقت حیض پاک گردد و با شوهر نزدیکی کند آبستن گردد
دیگر انکه زرد آب در رحم دارد چون شوهر نزدیکی کند
او بد دارد علاج انست که سپند با دانه با زهره تازه روباه با پشم
با خود کرده در وقت حیض پاک شود و با شوهر صحبت کند آبستن
گردد انکه زهارش و بازو هایش درد علاج ان روغن جوز آ

ب کنند بجوشاند با پشم شتر شسته با خود کرده آبستن گردد انشاء
وانکس که با وی جادو کرده باشند در وقت صحبت
سر زن بد دارد او را زهره خروس با روغن بادام حل کند با پشم
شسته و بوقت حیض با خود کرده با شوهر صحبت کند آبستن گردد انشاء
وانکس که حیض او در هفته باشد وقت مجامعت پستان
زن درد باید که زهره روباه و گرگ با روغن پاک بهم حل کند با
پشم شتر شسته در وقت حیض با خود کرده آبستن گردد **باب**
دعا برای اینکه طفل سقط کند در بازو بادی ل
کرده بسم الله الرحمن الرحیم خالوس لعس سرابوس او
لوس لوس سرطوس جهولسر وس سبوهانی لبان رهادر اوفا
احسنون و الا ارهلا با ام ٥ ح ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ٥ برحمتک یا ارحم الراحمین

در بیان اذا بکر فتن جن اسب فدا نکه

هر گاه کسی را از جن رسیده باشد باید غار ابرو وی او بدا
رند مدعیان خود را برو وی نبیند از انکه دید دعوت کننده
بپرسد که چند کس است خواهد گفت که ملک باد و با سر با زیاده
بعد از ان دعا را دعوت کننده از نظر صاحب آزار پنهان نماید از او
پرسد که انها را می بینی خالا کجا هستند و چون باطراف نظر کنند در

طرف ببندد و در پیش خود طلب نماید تا نزدیک بیایند بعد از آن
دعوت کنند بعد از آنها بپرسد که ابشقبیر و شماحر کرده است که
او را آزار میکنید خواهد گفت آدم ما را کشته یا سوزانیده یا آزار
رسانیده پس بیاید دعوت کننده اظهار التماس و دعا نماید که
تقصیر او را عفو نمائید و ببخشید و مبالغه نمائید تا ان
ما را گویند بخشیدیم و بعد از آن ابجها کتاب و صد و
چهار هزار پیغمبر قسم دهند که دیگر او را اذیت نکنند تا سر
نعم دعا ایر صاحب آورد دهد باین نوع صلح و قسم دهد بعد
همین دعا را بنویسد و با خود دارد صحت یابد بسم الله الرحمن الرحیم
طبوما الرحمن بطلسوما الرحیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم
النصیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین یملیخا مسکینا مسکینا
دبرنوش وسا ولوش کشططبوش امیر سنخره ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین نوع دیگر
اگر کسی را جن گرفته و بیهوش کرده مرتبه این دعا را ۱۱
بگوش او بخواند ایمن گردد انشاء الله علی امیر المؤمنین
ابن ابی طالب یقول لک یا شاشا محاخا اخرج باذن الله تعالی و

بگوش چپ و بخوانند علی امیر المؤمنین ابن ابی طالب یقول لک محاخا
شاشا اخرج باذن الله تعالی دیگر اگر بیهوش باشد این
عزیمت را بخوانند بر آب بدمد و بنوشاند بیهوش خواهد
عزمت یا موشطشا قازوا و سا الباسا دنبا و ببنا سوعا برحمتک
یا ارحم الراحمین اگر از پری یا جن ترسیده باشد و از نو
۴۷ ۱۲۳ ۵۹ ۲
طلسم را بنویسد این احضار را بخوانند حاضر شوند بدون
تامل و ان طلسم اینست صرصر صر الخط ۴۴ ۳ سا او سر ملسا ما ما ال اخ
هرگاه جن اطاعت نکنند این نام‌ها را نوشته با آب بندازد ما فوق ما فو
ما فوق لا فوق فا فوق سا فوق خا فوق دیگر این عزیمت را بخوانند
حاضر شوند فوق فوق طلطیش مرنش ازلوا بحق طرش
اخضروا بحق هذا البوح ملک مذهب بحق میمون هو الله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له
الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم بجلجلس بجلجس بجلجلس هلبعا سلبعا اضبعا رفبعا الهو
الهوط بکبکره کنکره بجحروق الوحا الوحا الوحا یا ایا یعقوب

شمرد لبناو بحق هذه الاسماء یا میمون فرحے ان تاتینا باکو
کرد کن درست است بل لہ خضوع بن بلك بحق عجم الارعاد
یا غالم طیموا یا طبطغرد و لا لاطف ولی بعز تك یا بخ بخ یا
هابود یا ازو یا اصاوث یا ال یا ابیل یا شداہے بد فغ
الباطل خذها الیك یا مبصطرون عزمت علیکم یا ارواح
المقدسہ الموکلین الروحانیین باسماء الله العظیم ایمن کرد

طریقۂ دیگر از جہت حضار در خانہ کہ روشن بنا شد بروند

بیاورند طاس سفید پاك کہ بران نقش نکندہ باشند
و براواب بخت بر و بطاس این مربع انداز ند مصروع بکو
درمیان طاس آب بو مربع نظر کنند ہر گاہ جن حاضر شوند
التماس کند کہ دست از وے بدارند اگر راضی شدند فبہا
ایشان اقسم دادہ مرخص فرمایند اگر در طاس حاضر نہ
شوند این حضار را بخوانند و ہر مرتبہ کہ عزیمت میخوانند
از مصروع بپرسد کہ حاضر شدند یا نہ اگر حاضر شدند
بپرسند کہ چند نفر بند و ہفت مرتبہ اینعزیمت را جن حاضر
نشوند علت نیست و این مکرر بتجربہ شدہ است بخور صندل
و کندر و تخم کشنیز بسوزانند و عزیمت اینست بسم الله الرحمن

عزمت علیکم یا معشر الجن والانس ان کنتم یہودیا بحق تورات
موسے بن عمران وبتسع ایات بینات والطور وکتاب مسطور اهیا شراهیا
اذونے اصباوث ال شداے وان کنتم نصرانیا بحق الانجیل الا
عظم وبحق عیسے بن مریم وان کنتم مجوسیا بحق من الله صحف الکریم
وبحق ابراهیم وبحق الشمس والقمر والنجوم الماء والنور المنیر والسقف
الکبیر و بین النصرانیہ وسوم القدد الاقدس والبیت المقدس وان
کنتم مسلما بحق القران العظیم تا قید طلسم کہ مصروع نگاہ کند
اینست

طلیف ۱	خنطا ۱۴	طمف ۱۱	والطیف ۸
لقف ۱۲	همف ۲	تلف ۳	سیف ۱۳
دلف	دهو ۹	هیف	اسیف ۳
دلف ۱۵	عف ۴	حمعا ۵	حمف
۱۳۳	۱۹۲	۱۵۴	۷۵۹۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم
طیوما الرحمن
طلسوما الرحیم
حسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر
وصلی الله علی محمد واله
اجمعین تملیخا مشکبا مثلینا مر نوش دبر نوش شادنوش طیوکنز
وقطمر حملوس اروس ماروس مطروس ملوتاس جمیواہ وثاہ
ودشاہ وتبلہ ماہ جماہ سلوس خلوق وصلی الله علی محمد واله الطاہر
نقش طلسم در پیشانی مصروع
حظر کنند ۲ ۳ ۴ ۷ ۲ ۳۰۰۰ ۹۵ ۶ ۴ ۷ ۹ ۹ ۲ ۱۱ ۷ ۳۲۱۱

محکم سلیمان
ابن داود
عقد نامه

عقدت عقدت شد بنا و عقدت بین بك بك وجلبنا فا
حسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون **ایضا**
این عقد نامه را بخوانند و در پیشان را گره زنند مطیع شوند
عقد تکم عقدا صریحا صحیحا محکما منکشر کنا کتبنا وا وفی بعهد الله
وعهد رسوله و بحق نقش سلیمان بن داود ع العجل العجل العجا بعد
از ان باید غار ابخوانند تصرفوه ا ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه یا ایها النمل
ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون
افتح لسانک و فتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فا
التقی الماء علی امر قد قدر **واگر جهر رفتن تاخیر کنند بیه**
کوید وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم
علی اعقابکم بعد از ان اگر علاج شد عزیمت چهار کبش دانا

ظالم جهت

چهار قفل بنویسد و بر بازو بندند **از دیگران نقل شده که**
اگر خواهد دیو را مصروع کند تا جن را بر غلبه باد در شیشه کند که
مصروع را آزار نکند و از ایشان بر هر خطی در برابر مصروع بر دیو
بکشد طاس را پاب پر کرده و شیشه را در میان آب گذارد و مصروع
را گوید که بنگرد نگاه کند سه مرتبه این دعا را بخواند چنانکه دیو
در شیشه رود و عقد که ذکر شد بخواند و سر شیشه را موم
کند و در تنگنای نگاه دارند که هرگز بر هد تا رها نکنند نسبت
بسم الله الرحمن الرحیم اخذتک
وحبستک وربطتک ما ربط سلیمان بن داود ع الجن والشیاطین
بالعذاب والعقول اعزم علیک بحق محمد ان لا تبرح من هذا
المقام وده الا باذنی علم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط
بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا **ایضا چون جن آورند بنه**
مصروع بیرون نرود این را بر سر هر شیشه بخوانند بر آب و بر صاحب
علت بپاشد البته جن را تسوختن شود یوم یحمی علیها فی نار جهنم
فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم
فذوقوا ما کنتم تکنزون فلن نزیدکم الا عذابا **ایضا این**
عزیمت را اگر تا آخر کنند بخوانند از سر قهر عزمت علیکم
شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران چو مصروع بی هوش کردد
این اسما را دو باره کنان بوشته در دماغ مصروع دود کنند بهوش

ظالم جهت

وچوب نار باکل بوده باشد هبز است و بر بدن جن کر فتہ نوند
کہ جن سوختہ شود و این از مجرّبات است وذالنون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیہ فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین و بعد از ان سورہ اذا زلزلت را بنویسند
چشم مصروع را بکبرد صد مرتبہ بخواند اذ ذهبوا بقمیصی هذا
فالقوه علی وجه ابی یأت بصیرا جنیان زبان مصروع را بکیرند
صد بار بخوانند انطقنا الله الذی انطق کل شیء و هو خلقکم اول
مرة و الیه ترجعون **وایضاً ما را بخوانند با طراف**
انداز دامینت حسبی الله و کفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله
منتهی از جهت دفع باد بدن سنک دبو و پری ابن مریم ادعیتنا
فیتلہ کذا شتہ در چراغ بسوزانند و چراغ را بر انطرف روشن کنند
کہ سنک مبانداز ند و در بچراغ نیز با انطرف باشد

۳	۱۱	۸	۱	۴
۲	۱۳	۱	۲	۶
۱	۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱	۵	۴

ایضاً ابجهه احضار جن بخوانند ابنغر بمیثاق حاضر کرد ندا مینت عزمت علیکم بالتی
عزم بها علی ابن ابی طالب علی جن وادی البصرة فاجابوا و اطاعوا

ایضاً اگر کسی خواهد بپشت موسی در وسواس لا ده وانی مسلمین
سر داشتہ باشد ابند واز ده اسم را بنویسند و بر کردن بکنند
ای پیچد و این در هر دو پرده دو د کنند بهوش اید انشاء الله تعالی

ا طبعج اطبعج اطبعج اطبعج اطبعج اطبعج اطبعج
اطبعج اطبعج اطبعج

برای سوختن جن این اسما

بر فدک اب فند بدہ بنویسند و بسوزانند تا تمام
ما فوق تا فوق ما فوق سا فوق لا فوق ف فوق صا فوق
تا فوق در وقت سوزانیدن این عزیمت بخوانند شهبا اهشا عزمت
علیکم یا سمین نعلم انک تخرق الانبیاء ابن لک باذن الله تعالی ایضاً
اگر کسی این طلسم را با سر که و بند ابسا پند ددی فارغ
مصروع بچکانند بهوش اید مجربست ۴۸۲۴۱۲۳۱۸۹۷۴۳۲

۱۴۷۹۸

دعا کرفتن جن و پری بچوب انار باکل بخوانند و بر اندام
کرفتہ زند هر چه دربر اندام او بوده باشد بجز و نرود
علیتو ملہو انت نعلم ما فی قلوبهم ملیتی ایکم بر سر چوب بنویسند

لما اجيب واطعت وخرجت عن باشمهورش اجيب با دنهش بحق
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وانبطلسم دا پیش از ... بنویسد
و دانش اندازند ... ط۸۸۳۳۳م ... ۸۸۱۱ ... ح ... ط

اگر زنان مصروع بسته باشد بشوید بخورد

عزمت عليكم بالواحد الاحد الصمد لما اجللت انطقتك بالله الذى
انطق كل شئ وهو على كل شئ قدير اگر خواهد کرد بود پاره کند ابد علاد
بخوانند و بمصروع دهد بو پاره پاره کردد انما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله ويسعون فى الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا
او تقطع ايديهم وارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزى
فى الحيوة الدنيا وفى الاخرة عذاب اليم السارق والسارقة فاقطعوا
ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله عزيز حكيم اين فامها را حجهة

جن با بنویس تا پری گرفته را رها کند

هر جیمکا سلکفنطوا صالواحنا مسلمينا انفق كل شئ وهو خلقكم اول
مرة واليه ترجعون اگر خواهی زنان جن گرفته را بگشائی بنویس
بر دهان جن گرفته کنار ماسود نکم ما سبيل الكريم انظرنى على جميع الا
عطاء بحق نام خدا بعزوجل بسم الله يا هو يا من هو الا هو ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم ... ا ح سيام اگر کسی را
جن لاگرده باشد بنویسد و بشوید بخورد ۸۸۳ ع ل ا ۱۸ ا ع ۸۸

ع لا ۱۱۱۱م د د ا ه   ۱۱۹۹ ۱۱۱۳ ۱۱۱ ۱۱۱ رماه   لذلك كمبا

باسد ه حعسك عدا ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلى
العظيم   دفع لال جن بنویسد بشوید
بشوید و بخورد   ا ۱۱۱۳ ۱۱۱ ... ۵۱۱۱ ... الحبا
شراهيا اذونى اصناوث ابل سل ادابلوهم

لا لا ه ه ه ه ...

ع ع ع و ه صم بحق لا اله الا هو ۷ ۹ ع م

ایضا دیگر لال کرهر جن با این طلسم را

بنویسد بر در د مصروع دود کند بیرون با بلعجر بسیتا ابنت
ا ۵ ا ۵ ا ۵ ا ۵ ا ه نعاه الا ۱۱ لا ۱۱ لا ۱۱ لا ۱۱ ... الا ۱۱ الا ۱۱ الا ۱۱
الا ع ع ع الا ۱۱
در بند کرده جن با خون خاصر
شود ابند عاد ابخوانند و با مو مصروع دود کند
افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون حسبكم
با و ما نى بعهد سليمان بن داود حسبكم يا الاو و بشدق
و حسبكم بحق توراة موسى والانجيل عيسى م وزبور داود م
وصحف ابراهيم م وفرقان محمد المصطفى صلعم عقدت البنر

والرجلین والعنوق والمساکین والجوارح کلهم اعوذ بالغفور الغفور من الشیطان الغرور وحسبت کلهم لتقعر البدن وبحق کهیعص وبحق حمعسق وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون اللهم صل علی محمد وال محمد ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله الرحمن الرحیم اذا زلزلت الارض زلزالها تا اخر بخواند ایمن کردد انشاء الله تعالی

دعا جهت کشودن زبان کسیکه معطل شده باشد

بخواند وسوره حمد ومعوذتین را بخواند وبگوید فتحت اللبة والرجلین والعنوق والمساکین والجوارح کلهم فتبع انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما وینصرک الله نصرا عزیزا بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله تا اخر

بجهت حاضر کردن پریان و ابنا و بنیاد بر ظرف آب کنند و شروع دعا خواندن کنند

باسنے نابنل یا مخفی کنواتاک جکلا دھے ولکے نما کیا کا لالاکے ادجلہ مالاھے فراے ادجفضا لاکھے مروامکو حباھے املوانزاے جنماہے بخواند عزیمت سلیمان وامر بسم الله الرحمن الرحیم اکر خواهیکه جنیان را

حاضر نمائی هفتم بار سوره قل اوحی را بخوان وبعد از آن این عزیمت را بخواند که ذکر شد اگر خواهیکه بدانی که درد و خشکی وبستگی وجوع یا جنون یا سرسام یا ماک یا سوزاک یا رحم یا علامت معلوم کردد دختر نابالغ را انگشت بزرک او را با مرکب سیاه وچرم کنند وچادر شب در سر او اندازد و بو بخور دراز اثر اندر بسوزد وپاره نبات پیش خود ونقره در طاس ببیند از دو اب پاک بطاس استعمال کنند ودستمال اب ندیده بر روی بطاس اندازد وعزایم بخواند حاضر کردد از طفل بپرسند که بیمار چه خواهد شد هرچه انشا کوید عمل نماید عزایم کبیر اینست بسم الله الرحمن الرحیم او بمثرة فی یا بنة لبشر ابشر یا بنة هلکم هلکم شما کرنا کاتبد وبنکا وشما افزید کار خدا بنعم صبیا اشبید وحاضر بشوید ومستخر من بشوید واطاعت کنید وفرمان بردار من بشوید بعزت وقدرت وحکمت الله وبحق سلیمان وخاتم سلیمان وبحق عظمت سلیمان وحشمت سلیمان ومملکت سلیمان بحق عهد نامه سلیمان بن داود بحق انانیکه در تورات موسی است بحق انانیکه در زبور داود است بحق انانیکه در فرقان محمد صلعم که یکسال راه بیاید واز ده سال راه بیاید واز پانصد سال راه بیاید واز یکروزه راه بیاید وبگوئید که این بنده کنهکار پریشان روزگار چه گناه دارد واز گناه او در گذرید بحق خاتم سلیمان بن داود علیه السلام یا تمتثا یا مطلتا یا ملیحاه یا

یا مالک الرقاب والامم بحق یا قاطشا منطوشا وبحق یا مریس دا
عیا یونس مشطوشا یا مشطہا یا عنوان الجن والانس یا میمنا
یا مطلعا یا ماسوی الله وما یعلم السر والخفیات وما تحمل کل انثی
وعلی امسک نغبض الارحام وتزداد کل شیء وعنده بمقدار الکا
حیی سریع اسرع من لمح البرق والخاطف اسرعوا بحق هذه الا
سماء ثمکا ریش سانوش سطلح تخطوش عیکر وش کشاف اسرعوا
واطیعوا عزمت علیکم بعلم القران بسورة الرحمن یا العرق وطونات
بشدة والعطش بحکم النفس ابن الکرسی بعلو السماء بتضرع الی
الله بتتابع اللیل والنهار بروح الرسل بلیلة القدر بفرائض الکتا
یا ایام الجمعة بکبیرة اسمائک بعدد نعمائک بنهر وض الکتاب بمکنون
عیبک بوفار عهد لک او کو عزمت علیکم
یا جواد الکریم

بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا وائتونی
مسلمین وانتم منکم یا مذهب حجب واعوانک وانت یا اصحاب
الصلوح المذهب للک الجبال بحق هذه الاسماء علیکم
یا عبد الرحمن ویا عبد الرحیم یا معشر الطم ولزم بقلبه و
سورها سعة اعضائها بکل زمان وساعة بکل ارض وبکل
افق واظهر وعلیها عظمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس
واعصمت بک یا الله وبحق حرمت حضرت الیاس وبحرمة

دفع سحر

الحمد لله رب العالمین

الخاس وبحرمة حضرت آدم ونوح وبحق اعتصمت بک من شر الجن
والانس والاهرمنی والشیاطین والاجنات من کل آفة وعاهة و
عصمت بک یا الله بحرمة ابحی وماابح وبحرمة دانیال نور نقی یا ابنیا
شراهیا اصاغوث وبحرمة اعتصمت بک یا الله احفظنی من کل
بلاء وآفة وبحرمة موسی وعیسی وبحرمة زکریا واسماعیل و
یحیی وبحرمة ادریس وشیث ع وبحرمة محمد م توکلت علی الحی
الذی لا یموت واعتصمت بک من شر الجن والانس بقراءة النبی
واستجب لدعاء یا غیاث المستغیثین یا من لیس کمثله شیء و
السمیع العلیم حسبنا الله نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین عزمت علیکم یا معشر الجن والانس والابن
والمجوس والمجوسین والیهود والیهودیة والنصرانی والنصرانیة والمسلم
والمسلمین عزمت بعزیز الله وسلیمان بن داود ع بسم الله الرحمن
الرحیم یا معشر الجن والانس والشیاطین والطیور والوحوش
وبحق اسماء الله التامات من شر ما خلق او زد علیهم وبحق آدم ابو
البشر وبحق شیث وهابیل وادریس ولوط وابراهیم واسحق و
یعقوب کلا هدینا ونوحا هدینا من قبل وذریة وداود
وسلیمان وایوب ویعقوب وموسی وهرون وکذلک نجزی
المحسنین وبحق زکریا ویوسف ویحیی وعیسی وخضر والیاس و
وبحق کل من الصالحین ومن عبادة وسبع وذو الکفل وذو القرنین

دفع سحر

دفع سحر

یا کافی المهمات

و طالوت بحق عزرائیل و میکائیل و اسرافیل و جبرائیل و بحق محمد صلعم و علی نوح فی العالمین عزمت علیکم یا معشر الجن والانس فی تووابیز و بحق کشورة وابیز وجرف و کلمه فی تووابیز و بحق کل امر و نهی فی توابیز احضروا باذن الله ثم الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ارواح الجن والشیاطین والمؤمنین والکافرین والکبریاء والوشاء والامراء والسلاطین والاتباع والشیخ والثاقب باذن الله تعالی القدیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

هذا کتاب قرعه بجهة مهمات و مشکلات مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین **اما بعد بدانکه** اینقرعه ایستکه ساختند بجهة مهمات مسلمانان که از خیر و شر آگاه باشند که چگونه بوده اما باید که پاک بوده و چوبی چهار پهلو بتراشد و بر پهلوی اول بنویسد **الف** و بر پهلوی دوم بنویسد **ب** و بر پهلوی سیم بنویسد **ج** و بر پهلوی چهارم بنویسد **د** و بزمین اسر دفعه بیندازد بعد از آن نظر کنند که سه دفعه چه حرف آمده است آنرا ضبط کنند

مثلا اسر الف استکه نگاه در سر الف کنند که از خیر و شر اینجه معلوم شود ااا انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم ای جوانمرد فال بدان و آگاه باش که درها بخیر و خوشی و دولت و شادی بر تو گشاده بود و هر مرادیکه در دل داری خدایتعالی روزی کند و جمعیت تو زیاده شود و از دوستان وفا و سعادت یابی و دشمنان خودرا مقهور بینی و از ظالمی بسلامت باشی و از نیکان راحت یابی و خبر خوش در اینچند روز بتو میرسد و از جانبی شادمان گردی و از غمها فرح یابی و توکل بر خدایتعالی کن تا کارهای تو راست شود و صدقه بده تا بزودی مرادت حاصل گردد

و از حضرت امام جعفر صادق عم منقولستکه در این نیت که کرده بمراد برسی و بر دشمنان ظفر یابی و اینفال پیغمبر است باید که راز خود را بکسی نگوئی و در دل خود نگاهداری و از بدیها پرهیز کنی بپند عاقلان بشنو تا عاقبت بخیر شود و انچه طلب میکنی بزودی بیابی انشاء الله تعالی **ااب** قوله تعالی یبشرهم ربهم برحمة منه ای جوانمرد فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا ایند رستی و صحت و از زن و فرزندان خوشنودی و موافقت پیدا شود و از خرید و فروخت منفعت ببینی و بمراد دل و مقصود برسی اما شخصی میباشدکه ترا با وی نیکی میکنی و او با تو نیکی نمیکند اما غم خود راست و از خود دشمنی میشود اگر سفر داری برو که ترا امید است اگر غایبی داری بسلامت

بازآید و اینچه از دست رفته باز بدست آید و اگر بیمار دارے
شفا یابد و اگر کسے در بند دارد خلاصے یابد و اینچه در دل داری
بزودی برسد باید که شکر خدا کنی و از کارها باید با حذر باشی و
بکار خیر مشغول شو تا روز بروز کارت نیکو شود و اسایش یابی
دانیال پیغمبر صلعم میفرماید بر دشمنان ظفر یابی و از جهت
که خبر نداری روزی حلال بتو برسد حضرت امام جعفر
صادق رضی میفرماید کار خیر از دست تو برآید که مشهور گردی
و از رنج ایمن یابی انشاء الله تعالی وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا الخ
و فند فال بدان و آگاه باش از این نیت که کرده باز کرده و کارها نا موافق
شرع باشد مکن و از خصومت دست باز دار و پند عاقلان بشنو
و از شخص سرخ رنگ و کبود چشم خود را نگاه دار تا دروغ نگوید
و شخصی را دلش ازرده است باید که خاطر جوئی او کنی هیچ افرادی
را از نجات بی و بکر داینکار مکر تا رنج تو ضایع نگردد باید که رده رو
صبر کنی تا بمراد برسی و پیوسته باید که بخیرات و طاعات بکوشی که تا
بلا از تو بگردانند حضرت امام جعفر صادق رضی میفرماید
که سر خود را نگاه دار و بکسے نگوئی که در بلا بیفتی دانیال پیغمبر
میفرماید که از همه کار باید که جانب خود را نگاه دارے و توکل بر خدا کنی
و از کارها بحرام پرهیز کن که ترا نقصان زند و اگر یک دینار حرام بدست
آید ده دینار از مال حلال تو برود و لیکن بعد از ده روز دیگر

کارت بمراد رسد و بمراد دل برسے انشاء الله تعالی ال ک قوله تعالی تقبل ولا
تخف من الامنین الخ و فند فال بدان و آگاه باش که این نیت که
کرده بهتر بود و نیشی است تو انکه صبر کردی اگر بهتر مند اشک تو آزاد
شوی اگر بهتر خواب نشت بزودی بیابی و هر مقصود که در دل
داری بزودی برآید و قومی هستند که بزبان تو دوست و در
دل دشمن اما غم مخور که محتاج تو اند و اگر عزم سفر داری برو غنیمت
ورے و اگر اسباب خواهی کنی مبارک است حضرت امام
جعفر صادق رضی میفرماید که دلت را با خدا مشغول
دار تا کار درست آید انشاء الله تعالی

اب ا قوله تعالی قل یا عبادی
الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله الخ و فند فال
بدانکه و آگاه باش که فالت نیکو آمد نباید تا امید شناشی از رحمت
خدا تعالی بخواه توکل کن و از کسے یاری مخواه که همه کس تا ریست
کنون نیت را انصاف کن و اعتقادت درست نما تا خدا تعالی همه کار
تو راست و درست گرداند و بمراد دل برسے انشاء الله تعالی و دشمنان تو نابود بود و شفا
بتو رسد و در وکشایش بکارت آید حضرت امام جعفر
صادق میفرماید الخ و فند فال همه امید بکردارے خاصه
شود و اینچه میسر است ایمن باشی دانیال پیغمبر میفرماید که از هم نشین
بد خود را نگاه دار و غیبت مردمان مکن کار خود بکن تا مراد

صل شود انشاء الله تعالى ا ج ج قوله تعالى فصبر کما صبر ابجد
فال بدان واگاه باش که نیت که کرده صبر کن شتاب مکن که شتاب
مکن شتاب کردن فعل شیطان است که خدا تعالی صابران را
دوست میدارد و حق تعالی میفرماید ان الله مع الصابرین و هر کار
که میکنی باز پشیمان میشوی نیت هیچکس را قبول مکن از این نیت
و با هیچ آفریده جنگ و نزاع مکن و راز خود را در دل نگاه دار
و از شخص بلند بالا و گندم گون که بر روی او نشانیست بالحذر

دانیال پیغمبر عم میفرماید که خواب آشفته دیده باید که بکسی آواز نکنی و درد دل نگه داری

داری تا ایمن گردی حضرت امام جعفر صادق عم میفرماید
که بهتر از کارها بخرام و بحلال قناعت کن تا از غم ایمن گردی
انشاء الله تعالى ا د ا یا عباد لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون ابجد
و قد فال بدان واگاه باش بشارت باد ترا از این نیت که داری
اقبال تو روشن گردد و از تاریکی بیرون آئی و سعادت روی
بتو نماید و در هر چه دست زنی فایده بینی و از خرید و فروش
راحت بینی و بمقام برسی و لیکن دلت مشغولست و بسبب غایبی
مشغولست و رنجوری اگر غایب داری بسلامت بیاید و رنجور
صحت یابد حضرت امام جعفر صادق عم که میفرماید بپیوندد

دل داری نیکی کرده مباش کشت و بمقصود برسی انشاء الله تعالى ا ب ج قوله
تعالى فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین ابجد
و قد فال بدانکه خدا تعالی ترا از غم برهاند و هم مقصودیکه داری
بر آورده خواهد شد و شکر خدا تعالی بجا آورد و از مردم بد پرهیز
کن و قومی هستند که در برابر تو دوستی کنند و در عقب تو
دشمنی کنند از ایشان خود را نگه دار تا که عاقبت کار تو بخیر
بکند و دشمنان تو مقهور گردد و این نیت که کرده بسیار
مبارک است باید که جد و جهد نمائی تا حاجت دنیا و آخرت
تو حاصل گردد و باید که هر که را ز بخانه باشی خواطر جوئی کنی

دانیال پیغمبر صلعم میفرماید که کار خیر مردانه و از هیچکس مترس و توکل بر خدا

کن تا نور اصبر شود و آنچه طلب کنی بیابی و بمراد دل برسی انشاء الله تعالی
ا ج ب قوله تعالى ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون
ابجد و قد فال بدان واگاه باش از این نیت که کرده باز گرد و ترک
این اندیشه کن و صبر پیشه کن که پیغمبر عم فرمود که من صبر ظفر هر که
صبر کرد بکام دل رسید و هر که تعجیل کرد در بلا افتاد در نیت
خود را از قیل و قال نگاه دار و از همنشین بد خود را نگاه دار و هم
رضا بخدا ده و باشد در کوشش کن و از دروغ و بهتان پرهیز

نادعلی

کر قومی هستند کر میخواهند زبان بد بتو رسانند و بجهت بد بے تو میکوشند دانیال پیغمبر میفرماید کرد وازده روز صبر کن تا کارت نیکو کردد و صد فرید تا بلا از تو دور کردد حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید کر بر خدا شکر کن از بدے و سختی ورو بیتے بمراد دل برسے انشا اب د قوله تعم سبحان ربك رب العزة عما یصفون الجدا وند فال بدان واکاه باش بشارت باد ترا کر در سعادت بتو روے داد واز بزرگان تو منفعت و راحت بینے واز دوستان وفا بینے واکر عزم سفر دارے برو مبارکست واکر از جهت پیوند است بکن کر مبارکست خدا ترا از آن پیوند فرزند خواهد داد کر قدمش مبارک

دانیال پیغمبر میفرماید کر کار خود را بدست خود بیاد مبدهی زینهار کر در کار خود

کاهلی مکن کر اینجه مراد تست خدا تعم حاصل کرداند حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید کر حرام نستاند واز حرام پرهیز کن تا عاقبت کارت بخیر کردد و بمراد دل برسے انشا ادب قوله تعم وجعلت له مالا ممدودا الجدا وند فال بدان واکاه باش کر فالت بغایت پسندیده است سرانجام کارت چنان باشد کر دولت خواهد واز بیع و شراکت فایده بدست تو اید واز غم

نادعلی

خلاص کردی و ترا حلال موافق حق تعم روز بکند روز بروز ماه بماه کارت نیکو کردد واز غیب فتوح بتو رسد و خوشیها از کار تو بشناسے کر ترا هیچ فریده بجنت نداری و هر کر نیکے کرد عوض بدی ببینی اما غم مخور کر نتوانند ضرری بتو رسانند دا

دانیال پیغمبر فرماید کر عزم سفر داری برو

کر نیکست اکر غایب داری بسلامت بتو برسد و هر بد بکه در طالع تو بود کذشت و در سعادت حق تعم بر وی تو کشود بمراد دل برسے انشا ا ب ج د قوله تعم الله ولی الذین امنوا الجدا وند بدان واکاه باش کر تاریکی از طالعت بدر رفت و روشنے پدید امد کر خواطرت خوش داری و هر حاجتے کر داری از دنیا و اخرت میسر کردد و همے بتو رسیده است فنها والامید شد و مقامے بدست تو جهاید خصمے در پی تست کر میخواهد در حق تو مکر کند اما غم مخور کر نتوانند ضررے بتو رسانند واز بزرگان منفعت ببینے و هر چیز از دست تو رفته باز اید انشاء الله تعم

دانیال پیغمبر میفرماید کر کار را خوار مکن

کرده بکن دو دل مباش کر اینجه در دلت میخواهد ببای و عاقبت کارت بخیر باشد و بمراد دل برسے انشا قوله تعم ولی

صبر کنند لهو خیر للصابرین ابجد او ند فال بدان و آگاه باش
که فالت نیکو آمده از این نیت که کرده باز گردو بپند عاقلان را
بشنو و در کار خود مردانه باش فاما رو زد بکر صبر کن تا کارت
نیکو گردد و از همه بد بیها پرهیز کن و با مردم مدصحبت مکن و
خود را نگاه دار و راز دل خود را با همه کس مکو دانیال پیغمبر ع

میفرماید که از خود با خبر باش و از همنشین بد خود را

نگاه دار که شخصے هست که نان و نمک تو را میخورد و دعوے
دوستے میکند اما دشمن است ولیکن ضررے بتو نتوانند رسانید
و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که صدقه فر
بده تا بلا از تو دور گردد و در نماز کاهلی مکن تا کار تو بسر انجام رسد انشاء الله
گردد و مرادت حاصل گردد انشاء الله تعالی **اب ت** قوله تعالی و ینصرک
الله نصراً عزیزا ابجد او ند فال بدان و آگاه باش باد تو را بشا
رت که در این نیت بسیار راحت ببینے و بجمله مرادها برسے انشاء الله
و خدا بتعالی تو را از غمها نجات داد و بر دشمن ظفر یابے و فال و نعمت
بسیار یابے و اما کسے هست که با تو غم بسیار زد غم مخور که از او شاد
گردے و مرادت حاصل گردد انشاء الله **دانیال پیغمبر ص می**
فرماید که مراد بکر در دل دارے میسر گردد و حضرت
امام جعفر صادق ع میفرماید که بنماز و طاعت مشغول شو و کاهلے

مکن تا کارت نیکو گردد و بمراد دل برسے انشاء الله **ا ج ج قوله**
تعالی یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ابجد او ند فال بدان و آگاه باش که
چیزے حلال بتو خواهد رسید و رزق تمام در کار بد بدا باید اما
کسے از تو رنجیده باشد باید که دلش را بدست آورے تا کارت نیکو
گردد و از غائب فتوحی خواهد رسید و از تنگ دستے خلاصے یابے
و قومی هستند که تو را عیب میکنند و بطرف تو دوستے دشمنے
میکنند ولیکن حق تعالی شر او را از تو باز دارد **و دانیال پیغمبر ع**
میفرماید که در این اندیشه کرده مردانه باش و بر خدا
توکل کن و آنچه که مطلبے میابے و حضرت امام جعفر صادق میفرماید
البته مرادت حاصل گردد انشاء الله تعالی **ا د د قوله تعالی** یوم یخرجون من قبور
عدون ابجد او ند فال بدان و آگاه باش که فالت نیکو آمده
اگر راحت خود مطلبے از این نیت باز گرد و از اینکار با حذر باش
که اگر اینکار کنے پشیمان گردے و از هیچ کس طالع ندارے با هر که
نیکی کنے در عوض بدے بینے و در کارها صبر ندارے و شتابے
میکنے از آنجهت کارت بر نمیاید شخصے هست که تو را دشمنے میکند از
مکر او ایمن مباش و زنے کوتاه بالا و سفید اندام ترک اندک بد میکند
از او ایمن مباش مبادا که تو را در فتنه انداز و دانیال پیغمبر ع میفرماید
که چند گاه صبر کن که تو خود فایده نمیبینے از غرض یاد عوے مشغو
باید که کرد اینکار رها نکردے و حضرت امام جعفر صادق ع نے

خواص

اگر کسی از برای ... بخواند وقت ساختن ... از زبان اعدا ... بخواند ... دشمنان ... و خشم ...

اگر کسی از برای بستن زبان اعدا هر روز ده بار بخواند

می فرماید که عزم سفر داری مرو تا یازده روز دیگر صبر کن
که سختی بد در رود و از غمها ایمن گردی انشاء الله تعالی ق ب ج
قوله تعالی لهم ما یشاؤن فیها ولدینا مزید الخ او ند فال
بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که از این اندیشه که کرده خبر خرم
بتو خواهد رسید و طالع تو نحوست بد دارد و روی در
در جمعیت نهاد باید کرد در همه وقت شکر بجا آوری تا کار تو
گردد و از خرید و فروخت خیر و منفعت ببینی اگر دولت در بند
محبوس است بتو موافق باشد و مراد حاصل گردد و دا
بنال پیغمبر صلعم میفرماید اگر این نیت را بجهت کرده
نکو نیست و اگر انباز مسکنی مبارک
بکن مبارک است و اگر با کسی دعوی با کسی داری مکن که شکست
و خاصی یابی توکل حاصل گردد و حضرت امام جعفر صادق
میفرماید که روشنی در طالع تو پدید آید هیچ اندوهی بخواطر
نکذرانی و از غم ایمن گردی ب ق قوله تعالی انه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن الرحیم الخ او ند فال بدان و آگاه باش بشارت
باد ترا که نفس تو در صحت است و خوانده حالت تو در حرکت است و
فکر دیگر در دل داری ایمن گردد و از بزرگان راحت یابی و آنچه که مراد
تو باشد میسر گردد و جمله غمها مبدل بشادی گردد و سرانجام

اگر کسی از برای محبت ... هفتبار بخواند ...

محمد هم از برای الشفا ... هر روز ... هفتبار بخواند از چشم حاسد ...

و زبان بدگویان ایمن ... نفع ... از برای الکشف ... جمله با انجلی ... بر و ظاهر گردد ... منبسط ...

اگر در وقت خوابیدن بخواند ... حضرت رسول ... از برای انجمن ...

وا ما یات

از برای اصلاح ... از برای افتتاح ... بعد نماز ... بخواند ... مکاشفات ...

کارت بخیر گردد و انبال پیغمبر صلعم میفرماید در این نیت که کرده روزی
حلال بتو رسد و از چهار پایان دلت شاد گردد اگر داری مفروش
اگر نداری بخر که طالع تو نیست و از جانب غایب چیزی بتو رسد
که از آن خبر شاد گردی و کارهای دنیوی و اخروی بر چنانکه در دل
دل تو میخواهد و حضرت امام جعفر صادق عم میفرماید که در
هیچ چیز خواطر خود را مشوش مدار و توکل بر خدا کن تا مرادت
حاصل گردد ب ت ج قوله تعالی انما الخمر والمیسر والانصاب
والازلام رجس من عمل الشیطان الخ او ند فال بدان و آگاه باش
از این نیت که کرده اندیشه باز کن که خیر نیست و ترک این بهتر است که
اگر این کار کنی عاقبت پشیمان گردی و پشیمانی سود ندارد و حضرت

امام جعفر صادق عم میفرماید که

تو بر کن از کار بد و از حرام بحلال قناعت تا کارت نیکو گردد انشاء
و بمراد دل برسی انشاء و امام جعفر صادق عم میفرماید الخ و ند
فال از این نیت که کرده دست باز دار و بنماز مشغول باش تا
بلا از تو دور گردد و از خود را بکسی مکوی و صبر کن تا برادر دل
برسی انشاء تعالی ب ب ی قوله تعالی الحمد لله الذی اذهب عنا
الحزن الخ او ند فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که فال
بغایت نیکو آمد و شکر کن خدا را که از غمها رهایی یابی و مراد برآید

از برای ... هر روز ... بخواند ...

بیت و ... از برای ... هفته ... بخواند ...

از برای محفوظ بودن از دشمنان ... روز ... بخواند ...

سعادت از برای تو و عاقبت کارت بخیر باشد و در کارها
چندانکه میکوشی بنیکی خواهی یافت اما مردم با تو حیله میکنند
غم مخور که بر تو ظفر نیابند دانیال پیغمبر ع میفرماید که با
شخصی سوگند خواهد بود دوران دو دل مباش و توکل بر خدا
کن تا کارت نیکو گردد و حضرت امام جعفر صادق ع
میفرماید که راز خود را بکسی مگوی و در نماز کاهلی مکن تا به
مراد دل برسی ان شاء الله ب ا ب قوله تعالی نَصرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتحٌ قَرِیب
الخداوند فال بشارت باد ترا که تندرستی و شادکامی میسر
گردید و شکر خدا که در سعادت بروی تو گشاده گردید و
از بیماریها صحت یابی و از جوانان بهره‌مند گردی و دا

نیال پیغمبر ع میفرماید که تو عظیم

در کار تو پیدا شد و سعادت یار تو شد عاقبت کارت به
خیر گردد و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی ب ا د قوله تعالی وَجَزاهُم
بِما صَبَروا جَنّةً وَحَریرًا الخداوند فال بدان و آگاه باش که فال تو
نیکو نیست و از این نیت که کرده باز گرد و از این اندیشه کن که
اگر اینکار کنی پشیمان گردی و بر تو غم خواهد بارید و در غم
و اندوه گرفتار خواهی شد زینهار بگرد اینکار مگرد اما اگر
شخصی سیاه رو و دراز بالا باشد حذر باش دانیال پیغمبر ع میفرماید

ای صاحب طالع از هیچ آفریده کار بخت ندارد با هر که نیکوئی
کنی او با تو دشمنی کند امام جعفر صادق ع میفرماید که حالت
دوستان سنگ کارت خوب نیست باید صبر کنی تا طالع سیم اد
تو شود ان شاء الله تعالی ب ا ه قوله تعالی وَمَن یَتَوَکَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُه
الخداوند فال بدانکه نیکوئی یابی و بمراد دل برسی ان شاء الله که اقبال
دولت روی بتو نمود و از جانب بزرگان و اهل قلم فایده بسیار
بینی و از کار خود بهره‌مند گردی و از دوستان وفا شادکامی
بینی و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که
در این نیت که کرده مردانه باش تا کارت نیکو گردد و اگر
بنا عمارت داری بکن که بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی ب ا ج
قوله تعالی وَأُزلِفَتِ الجَنّةُ لِلمُتَّقینَ غَیرَ بَعید الخداوند فال
بدان و آگاه باش که خدا در روزی بروی تو گشاده کرده
و ترا از خویشان خود چیزی روزی گردد و خویشتن بلند نباید
تواضع کنی تا کارت بالا گیرد و سرکشی و خودنمائی را ترک کن

دانیال ع میفرماید که این نیت که

کرده خوبست و از اینکار بر خود داری یابی و در اینجا چند روز
چیزی خبر بتو رسد غم مخور که اینکار که طلب میکنی چنانچه میشود
گرد دلخواه تو باشد امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر عزم

دارے بروکہ شکست وازبرا یحیرے دل مشغول دارے باید کہ فارغ
شوی وہیچ اندیشہ نکنے کہ کار تو چنان شود کہ مراد دل تو خواھد
ب د د قولہ تعم حتے فرحوا بما توعدون الجدا وند فال
بدان واگاہ باش کہ این نیت تو کردہ دوست و دشمن بسیار دارے
وطالع تو چنانست کہ اگر عسل بدھان ایشان ریزے تلخ میگردد
واو ترا بفتنہ اندازد و ترا از ایشان روزی نیست اگر کسے
نصیحت کند باید کہ قبول نمائے **دانیال پیغمبر عم میفرماید**
کہ بگو دانیکار مکر دار دشمنان پرھیز کن تا زحمتے بتو نرسد و شخصے
ترا چنان تورا فریب دھد کہ ابلیس لعین آدم عم را داد و از بهشت
بدر کرد زنہار کہ قول او را عمل نکنے و زیان میکنے وحضرت امام
جعفر صادق عم میفرماید کہ چند روز صبر کن و بکرد این کار
مکر زیرا کارت ضایع نگردد و مراد دل بر سے انشاء ب ج ج د
قولہ تعم فان ذلک فی الجنۃ الجدا وند فال بدان واگاہ باش کہ وعدہ
خلاف نکنے اگر کسے را وعدہ کردہ باشے بجا بیار و اگر بکسے وعدہ کردہ
باشے دران دو دل مباش توکل بر خدا کن و یکدل باش اینچہ طلب
میکنے میابے و دانیال عم میفرماید کہ در راحت رسانیدن مردم
تقصیر مکن کہ بسبب آن بسیار زحمات از تو بگذرد حضرت امام
جعفر صادق عم میفرماید کہ از این اندیشہ مترس و دل فارغ
دار کہ سعادت بتو روا ورد زنہار کہ بیخبر دم فریب مخور ودر

نماز و عبادت کاھلی مکن تا بمراد دل برسے انشاء ب د ب قولہ
تعم یبشرھم ربھم الجدا وند فال بدان واگاہ باش بشارت باد
ترا از غمھا برھانید وچیزے از دست تو رفتہ باز خواھے یافت
و بسیا کس از تو راحت ببینند و ترا از ھیچ کس طالع نباشد

دانیال پیغمبر عم میفرماید کہ چند
روز صبر کن تا کار بستہ تو کشادہ گردد دل

خوشدار مترس کہ کارت بالا گیرد انشاء و بمراد دل برسے انشاء تعم
ب ج د قولہ تعم واخرے تحبونھا الجدا وند فال بشارت
باد ترا اگر درامروز خرم شوے و رزق و روزی بتو رسیدہ
و بر دشمن ظفر یابے کہ کارھا مشکل بتو آسان گردد و دانیال پیغمبر عم
میفرماید کہ عاقبت کار تو چنان گردد کہ دل تو میخواھد انچہ حاجت
در دل دارے بزودے بر آید و از بزرگان راحت بتو رسد حضرت

امام جعفر صادق عم میفرماید
کہ عاقبت کار نیکو باشد دولت و سعادت

روے بتو آورد باید کہ دل را شاد دارے و خوشدل باش و
اندیشہ مکن و کار تو نیکو گردد و طالع تو سعد است و فرزند
بسیار در طالع دارے ھمہ بدولت حضرت محمد مصطفے است

ب ج قوله تعالی مثلهم کمثل الذی استوقد نارا الخداوند فال بدان و آگاه باش که این نیت که کرده نور انشویش میباید و تو را سرکردان میکند این اندیشه را از دل بدر کن و این مطلب را از دل واگذار که مردم بسیار بتو بد میخواهند و تو از ایشان بسیار دلتنگی و تو نیز خاموش باش که ایشان با تو مکر کنند و تو خود را نگاه دار از بدی همه ایشان تا بازگردد و کار تو نیکو شود و دانیال

پیغمبر ص میفرماید که اگر غایب بسلامت باز آید و مراد دل بر آید ان شاء الله و حضرت

زینهار در طاعت و عبادت کاهلی مکن که حق تعالی ناصر و حافظ تست و مراد دل حاصل گردد ان شاء الله ب ج د قوله تعالی و بشر المؤمنین الخداوند فال بدان و آگاه باش بشارت باد تو را که همه کارها بعد از این تراست و در خیر بروی تو گشاده گردد ان شاء الله که این نیت با خدا راست باید و در نماز کاهلی مکن تا شر حسود از تو دور گردد دانیال پیغمبر ص میفرماید که این قرعه ۲۲۳ دلیل میکند که دشمن میخواهد کار تو تبه کرد اما غم مخور که تو بر ایشان ظفر یابی و ایشان ذلیل و خوار تو گردد حضرت

امام جعفر صادق ع میفرماید که از کار خود با کسی مگو تا کار تو نیکو گردد ان شاء الله ب ب ج ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا الخداوند فال بدان و آگاه باش بشارت باد تو را که دولت و سعادت روی بتو آورد منتظر باش که از جایی خبر خوش بشنوی که از آن شاد گردی و دانیال پیغمبر ص میفرماید که اگر با کسی دوستی خواهی کرد بکن که بسیار خوبست و توکل بر خدا کن تا مراد دل بر آید ان شاء الله و حضرت امام جعفر صادق میفرماید اگر کسی تو را نصیحت کند بشنو تا از بلایی نرسد و امسال از همه سالها بهتر خواهد بود خدا را شکر کن که راحت بتو و کار تو نیکو گردد ان شاء الله ج ج ج ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر الخداوند فال بدان و آگاه باش که حق تعالی نعمت تو باز داده و مراد دل بر آید و کار تو نیکو گردد و دانیال ع میفرماید که دشمن تو مقهور گردد و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر حاجت بکسی داری روا گردد و مراد دل بر آید ان شاء الله ج ج ا هو قوله تعالی هو الذی انزل من السماء ماء الخداوند فال بدان و آگاه باش که این مطلب بیابی و عاقبت کار تو بالا گیرد و در دل هر چه داری تو را میسر گردد غم مخور و بهر مراد که داری برسی خدا را شکر کنی و روزی تو زیاده گردد قدم مولود بر تو مبارک است امام جعفر صادق میفرماید که

بابد سخن همه کس را بشنوی تا بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی ج ج ب
قوله تعالی ای خداوند فال بدان و آگاه باش که خدای تعالی ترا از دشمن
ظفر دهد و چیزی که از دست تو رفته باز آید دانیال ع پیغمبر فرما
ید که کسی ترا طعنه زند دل را خوش دار و هیچ غم مخور دیگر هیچ بدی
با تو نتوانند کرد و حضرت امام جعفر صادق ع پیغمبر فرماید که توکل
بر خدا کن که کار بسته تو گشاده گردد و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی
ج ج د قوله تعالی سبحان ربک رب العزة عما یصفون الآیه
خداوند فال بدان و آگاه باش که ابر رحمت در روزی و روزی
بر تو گشاده گردد و از جایی که امید نداری چیزی بتو رسد دا
نیال پیغمبر ع میفرماید که طالع تو روشن و سعادت دارد و بمراد دل
برسی و این نیت که کرده بصلاح باز آید و در رنج بدر و فرح و بخت
منفعت بینی و حضرت امام جعفر صادق که کار تو
نیکو گردد و بر دشمنان ظفر یابی و باید که ده
کارها خدا را شکر کنی تا نعمت ترا زیاده گرداند و این نیت که کرده
بمراد دل خواهی رسید ان شاء الله تعالی ج د ا قوله تعالی اعلموا ان الله ما
انفسکم ای خداوند فال بدان و آگاه باش که ترا دو دشمن است پیدا
و خواهند بر تو مکر کنند بزبان اند ... از شر ایشان ایمن و خلاص
یابی باید که بود دشمن خود را بشناسی و از ایشان در حذر باشی

دانیال ع پیغمبر فرماید که از جهت چیزی دل تو مشغول است از آن
تشویش داری و میدانی که اگر چه میکنی سر خود را بکسی مگو
دل خوش دار و چند روزی صبر کن تا کار تو نیکو گردد ان شاء الله

و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که طالع از نحوست بیرون آید و دری از رحمت بر روی تو گشاده گردد ان شاء الله تعالی

ج ب ب قوله تعالی فلما ذهب عن ابراهیم الروع وجاءته
البشری یجادلنا ای خداوند فال بدان و آگاه باش بشارت باد
ترا که دل تو ایمن گردد و برکت یابی و از غم و اندوه بیرون آیی دانیال
ع پیغمبر فرماید که اندیشه در دل داری و میدانی که عاقبت چون
خواهد بود بشارت باد ترا که عاقبت کار تو بخیر است و بمراد دل
برسی و در دل خلق شیرین شوی و در پیش بزرگان حرمت یابی
و از ایشان براحت رسی امام جعفر صادق ع میفرماید که
در حوالی تو کسی است که غیبت تو میکند و تو گوش مکن و بکار خود
باش تا کار تو نیکو گردد ان شاء الله د خ ج قوله تعالی الیوم اکملت
لکم دینکم ای خداوند فال بدان و آگاه باش که حق تعالی نعمت و توانگری
بتو ارزانی نمود و در سعادت بر روی تو گشاده گردد و دانیال ع

صبر نماید که کام رانی بتو رسد و چند روزی باید که صبر کنی تا کارت نیکو گردد و مراد دل برسی انشاء الله و دانا بشر زبانی میکنی توکل بر خدا کن که کار دشوار بتو آسان گردد امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر کسی از تو غایب شده است یا چیزی گم کرده باز میابی باید که صبر کنی تا مراد دل برسی اِ دٰ قوله

لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ

ابجد و فد فال بدان و آگاه باش که مراد دل برسی و کار خیر بروی تو گشاده گردد اما باید که چند روز صبر کنی از اینکار رخو بداری دانیال ع میفرماید که از دشمن حذر کن که دشمن در میان خانه تست و میخواهد که تو را بر طرف کند و سرگردان سازد باید که خود را از وی نگاه داری و توکل بر خدا کن تا مراد دل برسی انشاء الله ج دٰ قوله تعالی یقبل منها شفاعة ولا یؤخذ منها عدل ولا هم ینصرون ابجد و فد فال بدان و آگاه باش که ترا چیزی مبهم که خصومت میکنی و فتنه می انگیزی زنهار گوش بحرف او فتنه و شر مکن و با کسی گفتگو مکنی تا رنج بتو نرسد دانیال ع

میفرماید که توکل بر خدا کنی

وحضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که در طاعت جهد کن تا

تا خدا تعالی دولت و سعادت بتو ارزانی دارد در پی شکر نعمت باش و در اینچند روز از جانب یاران غایب خبر خوش بتو رسد که از آن خبر خوشحال گردی و در پیش بزرگان عزیز شوی و به مراد دل برسی انشاء الله دا ج قوله تعالی ولا تمدن عینیک الی

ابجد وفد فال بدان

و آگاه باش که این نیت که کرده رنج کراهت رسد و گروهی بر تو حسد برند و شب و روز در پی آن تو اند تو از ایشان خبر نداری باید که غافل نباشی دانیال ع میفرماید در صدقه دادن و نماز گذاردن کاهلی مکن تا کارت نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق ع میفرماید که

توکل بر خدا کن و دوست و دشمن را بشناس اما کار تو بموجب دلخواه تو شود انشاء الله تعالی ج د ی قوله تعالی سبحانه ان یکون له

ابجد وفد فال بدان و آگاه این اندیشه در دل داری خوب نیست و باید از این اندیشه دور باشی و بگذار اینکار مکروه تا سلامت باشی و اگر نشنوی زیانی بتو رسد دانیال ع میفرماید که کسی در کار تو طعنه میزند و او را از خود دور کن و نصیحت قبول کن و اگر بروی او دشمنی کنی ظفر یابی و مراد باز یابی و حضرت امام جعفر صادق میفرماید

دعا

کر راز خود را بکسے نگوے و در همه حال توکل با خدا کن تا بمراد
دل برسی انشاء ج ا ب قوله تعالی تستغفر لهم او لا تستغفر لهم
ابجد اوند فال بدان و آگاه باش که این فالیکه کرده مکن که اگر
کنی پشیمان میشوی و ترا در اینکار خیر نیست دانیال ع
پیغمبر فرماید که اگر دوستی که برے آخر دشمن تو شوند با تو راست
نگویند همان بهتر که از این نیت باز گردے و حضرت امام جعفر
صادق ع میفرماید که در همه عمر از خدا بترس تا کارت نیکو
گردد انشاء تعالی ج ا ب ابجد اوند فال بدان و آگاه
باش نا امید مباش که فضل خدا تعالی بسیار است و از اینجهت
کار دل خود را مشغول میدارے و اندیشه میکنی که با این چون
باشد باید که راز خود را بکسے نگوئی و چند روز صبر کنی تا کار

اسان گردد و دانیال پیغمبر ع میفرماید که از

برای زیانی اندیشه میکنی توکل بر خدا کن تا کارت نیکو گردد انشاء
و حضرت امام جعفر صادق میفرماید که اگر غایبت داری با خبر
کم کرده باز یابی و خورسند گردی باید که چند روزی صبر
کنی تا بمراد دل برسی ج ب د قوله تعالی ففتحنا ابواب السماء
بماءٍ منهمر ابجد فال بدان و آگاه باش که خدا تعالی

تو را اگر انتها و شادیها روز بگرده و در نعمت بر روی تو گشاده
شود و خدا را شکر کن دانیال پیغمبر ع میفرماید که این نیت
که کرده بغایت خوبست و کار امسال تو نیکوتر از همه سالها
و دولت روی بتو آورده و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید
که این فالیکه کرده نیکست و از جائی خبر خوش بتو رسد و کار
های دو جهانی تو ساخته شود انشاء تعالی ج د ب قوله
ان الله مع الذین اتقوا والذینهم محسنون ابجد اوند فال
بدان و آگاه باش که گروهی زمردمان بر تو حسد میبرند و مکر
و حیله مینمایند و با تو دشمنی میکنند اندیشه مکن که خدا تعالی
شر ایشان را از تو بگرداند و ترا نصرت داد و بمراد دل برسی انشاء
و دانیال ع پیغمبر فرماید که کار تو نیکو گردد و دولت بتو رو دهد
و شادی و خرمی بتو میرسد و کار تو بالا گیرد و رزق و
روزی بتو فراخ گردد هر کار که کنی نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق میفرماید که

تو با هر که نیکی کنی او با تو بد بکند و از او هیچ مضرت بتو رسد
و اگر ترا نصیحت کنند و تو قبول نکنی باز پشیمانی و هر کار که میکنی
بدنما تو شود و کارت نیکو گردد و خدا را شکر کن که کار تو
ساخته شود انشاء ج ج ا قوله تعالی فاصبر کما صبر اولوا

العزم من الرسل ابجد اوند فال بدان و اگاه باش که این اندیشه
که کرده صبر کن تا در همه کارها فرج یابی و در هر کار که هست
صبر باید کرد چنانکه ایوب ع از آن محنت صبر کرد تا خدا تعالی او را
از بلا نجات داد دانیال ع میفرماید که کار تو بدانکه ای غیب کی تو
دشمن را نمیشناسی و هر چه بید میبد هستند و اندیشه میکنی که
عاقبت کار من چه خواهد بود اگر صبر کنی نیکو گردد و حضرت امام

جعفر صادق میفرماید که از خویشان کسی میکو

اگر هوس کاری داری بکن که بمراد دل میرسی انشاءالله ج ح
قوله تعالی انزلنا من السماء ماء ابجد اوند فال بدان و اگاه باش
که این اندیشه که کرده خرم شوی و دانیال ع میفرماید که اگر
معامله یا نکاح داری و در دل داری بکن که سعادت روی نمو
اورد باید که دل خوش داری و همه بمراد تو خواهد بود امام

جعفر صادق ع میفرماید که خدا را شکر کن تا

نعمت بر تو زیاده گردد انشاءالله د د د قوله تعالی مخلصین له الدین
ابجد اوند فال بدان و اگاه باش بنفر عمر که نیت کرده نیست
و در دولت و سعادت نبود و اورد و دانیال ع میفرماید که
خدا تعالی رزق و روزی تو خواهد داد و کار تو گشاده گردد

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که میفرماید باید این طلسم را
با مشک و زعفران بنویسد با خود نگه
دارد تا کارت

جبرئیل	ا	الله	محمد	علی	[illegible]
فا	طه	حسن	و	حسین	
١٧	٣	٩٩	٤	٩	[illegible]
[illegible]	٥	٩	ه	ك	[illegible]
	١	١	١		

نیکو گردد انشاءالله

واز همه اند وه بیرون آیی وشکر کنی نعمت خدا را و مراد تو حاصل
کردد و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که اگر نیت
سفر داری و معامله و ابنا زبی داری برو و بکن چنانچه
کار تو بمراد خواهد بود ددا ینصرکم فلا غالب لکم ای
خداوند فال بدان و آگاه باش که خدا تعالی ترا نصرت داده
و بر دشمن ظفر یابی و دانیال پیغمبر ع میفرماید که دولت و
سعادت روی بتو آورد کسب را خدا تعالی برکت دهد و از
چه مطلبی بیابی و مراد تو حاصل کردد و حضرت امام جعفر
صادق میفرماید که خبر خوش بتو رسد که بدان خبر خوشحال
کردی باید که در خیرات تقصیر نکنی

وعقد و معامله ترا نیکو بود اما ترا با زنان کفتکویی در میان
هست اما تو بروی ظفر یابی و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی ددب
قوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ای خداوند فال
بدان و آگاه باش و شکر نعمت بکن اگر در این نیت صبر کنی بمراد دل برسی ان شاء الله
و دانیال میفرماید که تو دشمن
بسیار داری همه چشم در کار تو اند میخواهند که
ترا در عقوبت اندازند اما حضرت امام جعفر صادق میفرماید
که اگر نیت سفر داری برو خوب است باید که در خیرات کنی تقصیر نکنی تا کار

نیکو کردد ان شاء الله تعالی دبج قوله تعالی وعلمتنی من تاویل الاحادیث
ای خداوند فال بدان و آگاه باش حاجتی که در دل داری بزودی
بر آید دانیال میفرماید که مال و دولت بسیار یابی هر مرادیکه
در دل داری بزودی بر آید و هر کاری که شروع کنی مراد یابی امام
جعفر صادق میفرماید که در امر خدا تعالی
تقصیر مکن تا کارت نیکو کردد و بمراد دل برسی ان شاء الله ددج
قوله تعالی یومئذ یفرح المؤمنون ای خداوند فال بدان و آگاه باش
که این نیت که کرده نیک است و کار ها بمراد دلت شود و
دانیال ع میفرماید که تا چهل روز دیگر کارت بالا کیرد و در دولت
بروی تو کشاده کردد و حضرت امام جعفر
صادق ع میفرماید که بمراد دل برسی و از غمها نجات
یابی و کار تو بتدبیر و اختیار و تدبیرات نیکو کردد و بمراد دل برسی ان شاء الله
دب قوله تعالی ولا تمدن عینیک ای خداوند فال بدان و
آگاه باش که از رنج و مضرت هر چه بتو رسیده است از چشم
زخم است و این نیت که کرده صواب نیست خیر نمی بینی و دانیال
پیغمبر فرماید که رنج بسیار بری و فایده نخواهد بود

واند رانبکار صبر کردن تا کارت نیکو گردد و بمراد دل برسی انشاء
و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که هر چند اشارت خواهد
بود اما صبر باید کردن تا میسر گردد و زنهار باید که با هیچ کس
مشورت نکنی که مدعیان میخواهند که کار تو بالا گیرد و از خصومت
ایشان حذر کن تا بمراد دل برسی انشاء داج الخداوند فال بدان
و آگاه باش که ابر دی غم تو را از غم نجات داده کارت بکام دوستان
خواهد بود و دانیال ع میفرماید که در این نیت که نشسته
اگر غایبی داری خبر خوش بشنوی و حضرت امام
جعفر صادق ع میفرماید که
از وجهی دست و زبان تو مشغول است خاطر را جمع دار که
تا کارت بالا گیرد اما اگر کسی دل در کار تو بسته باشد باید
که نگاه داری که دوست نیست و راحت تو میجویند و بمراد دل
برسی انشاء دجا قوله تعالی الخداوند فال بدان و آگاه باش که
این نیت که کرده مبارک نیست زنده کانی تو تلخ خواهد گشت و
دانیال پیغمبر ع میفرماید که تو سرگردان
میجوی در دل خود اندیشه میکنی گاه میگویی که اینکار را بکنم
گاه میگویی که نکنم تو کار بر خدا کن و چند روزی صبر کن تا کا

نیکو گردد انشاء و حضرت امام جعفر صادق میفرماید که از خود را
بکسی نگویی تا کار تو آسان گردد و کار دو جهان تو ساخته شود انشاء تعالی
دبج ونجیناهما وقومهما من الکرب العظیم الخداوند
فال بدان و آگاه باش که دولت رو بتو آورد و تو نمیدانی که آخر
آن کار چه خواهد شد و دل تشویش مدار که کارهای تو بمراد
تو خواهد شد اگر چیزی میطلبی بدست تو آید معامله کنی نیکو
و اگر نیت سفر داری برو و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید
که دولت و سعادت بتو رو آورده باید که در عبادت کاهلی نکنی
تا کارت نیکو گردد انشاء تعالی
دجب تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل الخداوند
فال بدان و آگاه باش که کار مرده را زنده خواهی کرد و از جایی
خبر خوش بتو رسد خدا را شکر کن و دانیال ع میفرماید که در
اینچند روزه از غمها نجات یابی و حضرت امام جعفر صادق ع
میفرماید که دل خوش دار که کارت بالا گیرد و بمراد دل برسی انشاء تعالی
داد الذین یحشرون علی ربهم الخداوند فال بدان و آگاه باش
که این نیت که کرده نیکست روزی منفعت بتو رسد دانیال
میفرماید که از مردم بیگانه احتیاط کن ایمن باش در همه حال
حفظ پیش که هر کار که میکنی با دوستان مشورت تا کارت
نیکو گردد و حضرت امام جعفر صادق ع میفرماید که از

حق تعالی بیرون مرو تا کار تو نیکو گردد انشاء الله تعالی **د ب ی**

الجنة التی کنتم به توعدون ابجد او فد فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا هم مراد دیگر داری باسانی بیابی دانیال علیه السلام میفرماید که از همه جادو و بحلال تو رسد باید که قدر شر اندیشه ای از چشم بد و زبان بد با حذر باش **و حضرت امام جعفر**

صادق میفرماید که طالع تو چنانکه

اگر یک درم با کسی خیانت کنی عوض آن زحمت و زیان بتو رسد باید که سفر دراز نکنی زنهار زحمت بتو رسد معامله کن تا سود یابی انشاء الله **د ج د** ابجد او فد فال بدان و آگاه باش که این نیت که کرده خوبست دولت و سعادت بتو رو آورد باید که هیچ غم مخوری تا همه کار تو بکام دل تو باشد **و دانیال**

پیغمبر میفرماید که اگر چه از دست تو

بار بار ای از بهر سود او زیان او میکنی دل خوش دار که راحت و منفعت یابی و خبر خوش بتو میرسد که بدان خورسند گردی امام

جعفر صادق میفرماید که در طاعت و نماز

و عبادت کاهلی مکن تا کار تو نیکو گردد و مراد دل بری انشاء الله تعالی

(هذا هو الله)

بتستعین هذا کتاب تسهیل الدعاء والدوا

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین **اما بعد** بدانکه این رساله ایست که مداوای جمیع علل و امراض و اوجاع و درد او چند فصل است **فصل اول** در دفع علتهای مشهور مستکرهه و دفع آن و مشتمل بر چند باب است **باب**

اول در دفع درد شرو

و بلیاتست باب دویم در دفع اقسام است باب چهارم در دفع درد هاء اعضا **باب پنجم** در دفع ضرر و ترسها **باب ششم** در دفع هموم و غموم **باب هفتم**

در دفع ضرر هوام و دواب **باب هشتم** در دفع امراض اطفال و زنان **خاتمه** در ذکر تجارت بعضی از حکماء در

وزعفران بنویسند و
در حریر بپیچد و در موم
سفید گرفته و در زیر بالین نهد و
جمیع ارواح ... اینها و
دو وقت نوشته ...
اسم ... خواند ...
باز کی ...

معرفت دانستن احوال مریض **مقدمه در دانستن**
مداوا و ایجمیع امراض و اوجاع و ملال و درد اینمقدمه چند
فصل است **فصل اول در بیان ادعیه** و تعویذ
در دفع هر علت و مرض در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق منقولستکه چون بر سر بیمار روی مقنعه بر سر بگوید
اُعِیذُکَ بِاللهِ العَظِیمِ رَبِّ العَرْشِ العَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ
وَمِنْ کُلِّ حَرِّ النَّارِ **و در حدیث وارد است** که
بعضی که از فرزندان حضرت بیمار شد فرمود که این دعا
بخوانند اللّٰهُمَّ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ وَدَاوِنِی بِدَوَائِکَ وَعَافِنِی مِنْ
بَلَائِکَ فَإِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ

و از ائمه روایت کرده اند بوسایط علما که حضرت پیغمبر صلی
که هر که را مرضی یا زحمتی واقع شده باشد باید علاج مخصوص
شفا دانسته اند و بعضی بتر تیب مقدس کتاب میکرده اند و مجاب کرده
میخورده اند و امر ضی شفا یافته اند وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ
بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِیعًا وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا فَاللَّهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ منقولستکه

ایند نام آبرو نیسه مقدس نوشته در ظرف چینی شسته بآب
بمریض دهند بیاشامد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین **و از حضرت امام**
محمد باقر روایت کرده اند که هر کس درد بر نفس
خود علتی یابد سوره انعام را بر آن بخوانند تا از آن شفا یابد
و مکروهی بتو نرسد **فصل دوم در بیان مداوا**
امراض با ادعیه مجرب درد بکه در عضوی از اعضا بهم
رسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولستکه هر که درد داشته باشد دست در موضع
درد بگذارد و سه مرتبه بگوید الله الله الله ربی حقا و لا اشرک
به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی
بروایت دیگر فرمود که دست بموضع درد
و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله ص و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و در کتاب فردوس شیخ شهید ره آورده اند که
اگر کسی را درد داشته باشد بر قدحی آب سوره حمد را بخواند
و آن آب را بر مریض بپاشند و سنگ ریزه از گندم بستجو دهد بد
خود و امر کند تا دعا کند عاقبت یابد **نوع دیگر این**

اسید غار ابوسه تا مریض ببند و بر وابے بر قدح چینے بنویسد
و بشوید و بخورد مریض دهد شفا یابد انشاء الله بمن یزل و لا
یزال برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل سیم در مداوا**
امراض بترتیب واب نیسان مشهور است که اسید غار ابو ترتیب بنفعه
بخواند بیمار ازان ببند ر کمتر از نخودے بخورد شفا یابد انشاء الله تعا
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بحق هذه الرسالة المبارکة الطا
المطهر و بحق الملک الذی هو خازنها والملئکة المقربین علیها
و بحق الوصی الذی وارثها اجعل فی هذه الرسالة لی رزقا واسعا و
علما نافعا و عقلا کاملا و فهما وادراکا و ذهنا فی العلم
و شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و خصم و امانا من کل ظالم
و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علیه محمد و آله

اما طریقه استشفای آب نیسان

بآب نیسان باران قبل از رسیدن بزمین گرفته باشند هر یک
از فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و اخلاص و معوذتین را هفتاد مرتبه
بخواند و بر وابے بگر سوره قدر را و تکبیر و تهلیل و صلوات بر پیغمبر
و آل او نیز همان عدد بخواند و هفت روز متوالی صبح و شام
ازان آب بیاشامد شفا یابد و هر درد یکه در بدن او بوده باشد و هر
بد یکه در او بوده باشد اگر عنین باشد عنینت او زایل گردد و اگر

و اگر فرزند خواهد تولد نماید و همچنین اگر پسر خواهد باو عطا
شود و درد چشم و سر را نافع بود و بیخ دندانها را محکم کند و
دهن را خوشبو کند لعاب دهن و بلغم و بادها و فالج و زکام
و درد پشت و شکم و فساد معده و کرم امعا و قولنج و ناسور و
حکه و ابله و جنون و جذام و برص و رعاف و قی و کوری و کری
و کندی آب چشم فرود آمدن و دردها و فساد صوم و صلوات و
وسوسه جن و شیاطین و خیانت و غش و غیبت و خسران
و بخل و کبر و حرص و عداوت و افتادن بر زبان مردمان و
غیر آنرا نافع بود **نوع دیگر** آب باران بگیرد و حمد و توحید
و معوذتین هر یکرا هفتاد مرتبه بخواند و هر صبح و شام قدحی

از آن آب بیاشامد و حضرت رسول صلعم

فرمود بحق آن خدائی که مرا مبعوث کرد بنبوت براهم علیه و مرضی
که بیاشامد از آن آب بگذرد از بدن و عروق و استخوان او بیرون
فصل چهارم در بیان امراض و علل و صدقه دادن و
قربانی کردن و غیر آن بدانکه صدقه دادن بلاها را دفع میکند
و علتها و مرضها را زایل گرداند و در عمر و روزی میافزاید و دعا
سایل در حق عطا کننده مستجاب میگرداند و احادیث بر طبق اینها
زیاده از حد و احصا است ... در کتاب دعوات گفته اند هر

کاه اتفاق فتد حضور هفت نفر بر سر بیمار بخوانند سوره
انعام را وچون برسند بما بین الجلالتین یعنی قوله نعم ارسل الله
اعلم بر لفظ جلاله اول بایستند وابتدا غا بخوانند خدا تعالی
این مریض را شفا کرامت فرماید واگر هفت نفر میسر نشود یکی
باید هفت سوره را مکرر بخواند تا هفت مرتبه شود وچون بموضع
مذکور برسند ابتد غا را بخوانند اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی
الدقیق من شده الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله الاعظم فلا تاکلی
اللحم ولا تشربی الدم ولا تصدعی الراس وتحولی عنه الی من اتخذ
مع الله الها آخر وکفنر افند کر

اینعمل بسیار مجربست واما دستور دعا کردن در حین دعا
تصدق واز برای بیما باید بیمار چنانکه اول ابتد دعا را بخ
وبعد از آن مقدار یک دینار شرعی که چهار دانگ ونیم مثقال
از طلا تصدق نماید بر پنج نفر که علوی نباشند مگر اینکه
علوی باشد که در اینصورت ضرری ندارد ودعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا ذکرت به سجدت له الملائکة و
سبحت وبالاسم القدوس السلام الفکیم وبالاسم المخزون
المکنون وبالاسم الذی سمیت به نفسک وبالاسم الذی
هو المکتوب علی سرادق البهاء وبالاسم الذی هو مکتوب علی

سرادق البهاء وبالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق
الجلال وبالاسم الاکبر الاکبر الاعظم الاعظم المحیط
بملکوت السموات والارض وبالاسم الذی مشی به الخضر
علی الماء فلم تبتل قدماه وبالاسم الذی کشفت به الضر
ودر بعضی از کتب است که از برای شفای بیمار چهل یک پول
سیاه که هر یک عبارت از یکغاز سیاه است بر سر بیمار بچینند تا پای
بیمار چهل ویکبار سوره اقرا بخوانند ودر هر بار که خوانند
یکپول سیاه از روی بیمار بردارند وبعد از آن پولها را بچهل نفر
مسکین دهند که مجربست انشاء الله مریض بکند ودر
حدیث معتبر از داود رقی روایت شده که گفت بیمار شدم
در مدینه بیمار شدیدی وچون این خبر بحضرت صادق ع
رسید بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر وبر پشت بخواب وآن
گندم را بر سینه خود بریز ونثار کن وبگو اللهم انی اسئلک
باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و
مکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک ان تصلی علی محمد وعلی
اهل بیته وعن تعافینی من علتی پس درست بنشین و
گندم را جمع کن وباز این دعا را بخوان واز آن چهار قسمت
کن وهر قسمتی را بفقیری بده وباز این دعا را بخوان داود
مذکور گوید چنان کردم گویا از بند خلاص شدم وبسیار

حرف ف

خواص

کسانکه فرزند شفا یافتند **و اما طریقه قربانی کردن** بکیرد کوسفند برا بنیت قربانی فدای بیمار و سه نوبت اینده عارا بخواند و بر دهان کوسفند بدمد و در حین ذبح بخواند اِنَّ هٰذِهِ الشَّاةَ لَکَ وَمِنْ فَضْلِکَ وَکَرَمِکَ وَصِلَةً اِلَیَّ وَاَنَا فَدَیْتُهَا بِعَبْدِکَ فلان بن فلان بعد از ان سه مرتبه بکوید الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم کفته و ذبح نماید در مکانی که مسقف باشد و خون او را در کودالی کنند در موضعیکه مردم پا بر او ننهند و در خاک کنند سر کبن او را و دست و پای او را جدا نمایند چنانکه پوست و دست یکپارچه باشد و از هم جدا نشده باشد و کوشت او را پنجاه هفت پاره کنند و در میان پوست نهند و هر پارچه را به نیت یکی از فقرا و مساکین بیرون آورده و پنهان کس دهد که نبیند او و بیرون اورد تا تمام شود **بدانکه در اخبار** تاکید و تحریص شدید وارد شده بجهت تصدق کردن در دفع بیماریها و منقولست که تصدق بلاهای اسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم ابرطرف میکند و حضرت امام رضا ع فرمود که بهتر دهید بیمار را چیزی مکر تصدق و دعا و اب سرد و ذکر منتهای حمیه یعنی پرهیز و امساک چهارده روزاست و پرهیز نه انستکه چیزی نخورد و از حضرت رسول ص منقولست که بیماران خود را دوا کنید بتصدق و منقولست که

شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم عرض کرد که من ده نفر بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بر تصدق دادن که هیچ چیز زودتر دفع نمیکند **و اما توسل بحضرت امام موسی کاظم** بجهت شفا بجمیع دردهای اعضا خصوصا درد چشم و بحجر مبرسیده و ان بدین طریقست که بکوید اللهم بحق ولیک موسی بن جعفر الکاظم ان تسلمنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها وما بطن یا جواد یا کریم **اما دعا مادر بجهت** فرزند بیمار **و ان بدو طریقست** اول چنانستکه مادر دو رکعت نماز بکذارد و در سجود بکوید اللهم انک وهبته لی ولم یکن شیئا فهبه لی هبة جدیدة **راوی کوید** که بیماری صعبی داشتم حضرت امام جعفر صادق ع بعیادت من می امد چون بینای مادرم را دید بعد با بنظر یوق تعلیم او فرمودند چون صباح شد صحت یافته بودم که هر بیماری که بخته بودند من با ایشان شراکت کردم **نوع دیکر** انستکه مادر بیمار بر بام خوانه رود و مقنعه از سر بردارد و موی سر باسمان کشاده بکوید اللهم انت اعطیتنیه وانت وهبته فاجعل الهبتک الیوم جدیدة انک قادر مقتدر هنوز سر بزیر نکرده باشد که فرزندش شفا یابد **فصل پنجم در ادعیه** درد مفاصل جهت ضربان از درد و درد مفاصل

ابن اشکالوا بر پارچه کاغذے نوشته و بر موضع درد نهند هرگاه درد بعضوے دیگر نقل کند نوشته را بآن موضع نهند فورا درد زایل گردد وان این است ق ث ث ن ت
درکتاب بحر المنافع اورده که از تالیف بنده خواجگی هندیست اورده که اگر کسے را درد کند دیگرے را گوید که موضع درد را دست بگیرد و با کارد بر زمین خط کشد بنکو کرده
و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اسکن یا ریح بحق الباری و هم چنین گفته است که در زمین هفت خط بکشد باین طریق

غ ٥ ٤ ٦ ٢ ٣ ٧ غ

و در وقت کشیدن بگوید اسکن یا ریح بحق الباری و بعد ازان کارد را بجانب چپ خط فرو برد و محکم بگیرد و هفت بار بگوید فعم بخواند اسکن یا ریح بحق الباری و بعد از فراغ مریض را بگوید برود به شود

باب ششم در علاج مشوهه و رفع ان و در ان ابواب چند

فصل فصل اول در دفع ابله در کتاب مکارم الاخلاق ابن اشکال را برای دفع ابله و سرخچه طفلان و کم بیرون آوردن نقل کرده است که هر انسان که بر ترتیب نویسد و در نسخه دیگر بجهت دفع ابله این شکل ابو مرگیرو و دور کردن طفل بسته

امنیت

نو	سو	ج	ح	ب
ط	و	بب	د	ذ
د	مر	ا	مهر	٩
ه	ے	ح	ما	و
ں	ف	ق	ل	ن

نوع دیگر اورده اند که اینها بعرا این ترتیب نوشته در گردن طفل بندد از هفت ابله بیشتر بیرون نیاید و ورد این اشکال امنیت

١٢	٣	٢	٣	١
٥	١٠	١١	٨	٢
٤	٤	٧	٢	١
٤	٥	١	٤	١

و دیگر انکه در خواص آیات

قرانی مذکور است که چون ابله چشم مجربست بجهت دفع آنکه کودک را نشسته باشد که هنوز دندان و نشفناده باشد هفت کند و سورهٔ الم نشرح را بخواند و هر کاف که رسد یک گره بزند تا هفت گره بعد ازان هفت بار سورهٔ مذکوره را بر وی از چشم کسیکه ابله داشته باشد از پیش چشم بیاورد ابله زایل گردد و گفته اند که اگر با اسماے مجید و در الحان بند ند ابله در چشم او بر نیاید ابن عمید در خواص خود اورده که ابن ترخان را و دواز بام تر و شربت کاوے که کاوے اسم هندیست و عربے کدج نامند و او درختیست در حوالی عمان و کثیر الفوائد است و شربت کاوے السنکر او را کوبیده و بجوشانند و با شکر بقوام اورند منع ابله و حصبه میکند منتر اما اگر ابله در چشم افتد این افسون و آیات را بر گندم پانزده خوانده بر اندازد نحی و نمیته و وارهی و وارهینه فانما هی زجرة واحدة

فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید اولیٰ لک فاولیٰ
ثم اولیٰ لک فاولیٰ ایحسب الانسان ان یترک سدی الم یک
نطفة من منی یمنی بقدرت حق تعالیٰ برطرف گردد فصل

دوم در مداوای دفع دمل و قرحه و جراحت

وبثور و خراج و ناسور از حضرت امام جعفر صادق در
حدیث صحیح منقول است که هیچ کس از بنی آدم نیست مگر آنکه او را
دو رگ میباشد یکی رگ در سر که خوره را در حرکت می‌آورد
و دیگری در بدنش که مرض را در حرکت می‌آورد و خود زکام
مسلط میگرداند که دردهای سر را میکشد و اگر رگ بدن بحرکت
می‌آید حق تعالیٰ دمل را بر آن میگمارد پس چون زکام بهم رساند
خدا را شکر کنند و در روایت دیگر فرمود که این دملها
وبثورها اکثر آن از خون فاسد است که در وقت طغیان آن از بدن
بیرون نمیکرد میباید پس اگر کسی آنها عارض گردد بر تخت خواب رود
بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر و لا فاجر من شر کل ذی شر تا آخر آنها و سایر آنچه در دعا ثبت
عافیت یابد

ایضاً جهت دفع خیارک و خنازیر

وجراح و غیره که از بدن انسان بیرون میباید کرد اگر دار را لخط

بکشد و این شکل را بقلم خشک نویسد یا بر کاغذ نویسد این شکل را
و بر آن بچسباند و این است

بجهت دفع لکیکه

لا اله الا الله محمد رسول الله	یا ملیخا یا ملیخا بسم الله الرحمن الرحیم

در بدن پیدا شود و بهم میرسد مانند خشکی و جوشش و درون
گرد دارد از آن تراو خط بر دور آن بکشد و در وسط آن بنویسد
یوما یوم ما امرنا ان اعما اصوا ادا و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن
کل شئ انه خبیر بما تفعلون ایضاً بتجربه رسیده که بر قطعه
چوب بید این اشکال را بنویسد و بجای بیاویزد چون چوب خشک شود
اثر آن هم برطرف شود اول خلقه بلقه خلق خالق بالغ بر جو از الله دوم
ثلوق ملعه خلوق خالق بالغ سیم گشته از دیو بر باسم فلان بن فلان

وجه خواص ثالث

فرائی آورد آورده اند که هر که ابر و بشلوند
غراب لجیا اقفل بسفهار بی تا آخر برطرف
سیاهی بنویسد و بروغن بنفشه محو نماید و بر دمل و جراحت
... که در بدن باشد بمالد شفا یابد انشاء الله اما معالجه عرق
مدنی که آن را رشته گویند بفارسی و در هندوی نارو نامند و از
اهویه کثیفه و از میاه غلیظه بهم میرسد خصوص در بلاد فارس
و اکثر از مفاصل مانند خیاط بیرون میباید باید بیچوبی وقتیکه
آن هر روز بپیچد بر وقتی تا تمام شود و بیرون آید و پاره نشود که

هرگاه قطع شود از جای بکر بروز میکند و در کتاب مکارم الا
خلاق مذکور است که بجهة عرق مدنی پشم شتر را بسوزانند
و بکارد و مقراض و مباید هفتگره بر آن زنند و بهر گره یکی سه
مرتبه سوره حمد را بخوانند پس سه مرتبه دیگر بر او انشخص اینه خاوا
بخواند بسم الله الابد الابد المحصی العدد العزیز لما بعد الظا
هر من ولد العالی عن بولد المنجز لما و عد که العزیز بلا عدد بلا فقد
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد ایضاً هنوز برف
برون نیامده باشد چو کنند بخار بر آن بنویسه
ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا ایضاً بجهة عرق
مدنی ابن معجون را اطبا نافع دانسته اند و خوراک دو مثقال
فرموده اند پوست هلیله و پوست بلیله و امله مقشر و زنجبیل
و زنجبیل و فلفل با سوسن با عسل بوزن ادویه سرشته و هر
حمیکه بروز انزال اسان کرداند هرگاه عرق پاره شده باشد موضع
بطول بشکافند و انیم حمل را باید استعمال نمایند موم مرداسنگ
خاکستر اهلیلج موم را با روغن کداخته ادویه را مخلوط کنند و هر
التهاب بزر قطونا با روغن بنفشه مخلوط کرده استعمال
نماید نسبتاً مجرب است و بتجربه رسیده است الخ

اما معالجه ناسور که آن زخمی است که بعد از نحو بزرگتر
و کوچکتر که بر حوالی مقعد و گوشه چشم بیرون میاید و بینی و
سایر جاها بیرون میاید و بسیار خارش کند و چون سکافته
کردد زرداب و کف بیرون اید و باید که استخوان ادمی را سوخته
با لعاب صبر سحق و طلا کنند اگرچه کهنه شده باشد دفع شود
و در کتاب تحفة المؤمنین ابن حرم را بجهة ناسور و قاصور
ضربانی و غیر ضربانی ذکر کرده اند زرد چوبه و مرداسنگ از
هر یک ده درم نرم سائیده اگر با چهار مثقال روغن گل و دو
درم موم و آب خالص خفید بگذارد و تیر را بپوشید با آتش نرم
چندانکه بجوشانند تا جرم شود ضماد نماید که استعمال شده و
بتجربه نموده اند بجهة ناسور و تریاق یک دانگ و زعفران یک
دانگ و جوهر یک مثقال کوبیده با مخ البیض یعنی زرده تخم مرغ با رو
غن گل یا روغن کنجد منضم نموده طلا نمایند فصل بیستم
دفع ثالول و سلعه و خراز و مداوا انها از عدد نعمان
منقول است که بخدمت امام رضا ع عرض کردم که ثالول بسیار که
او را اعتبار سی کند مرکوبند که در بدن بهم رسد و باین سبب غمگینم
حضرت فرموده که از برای هر ثالول هفت جو بر کیرد و بر هر جو هفت بار
این را اول اذا وقعت تا هبا منبثا و هفت بار و یسئلونک عن الجبال

تا امتناس مرجو با یکبار بر ثالول بمال مجموع اربع بار جمیع نوبت بنبند
و سنگی دران بسته در چاه کشف بیندازد و چاه امتحان خواهم
و بهتر انستکه ابتمله ادر بخت لشغاع بکنی داو ییکو ئید چنانچه
کردم بیک هفته تمام بر طرف شد **ایضاً** سوره توحید را بر
عدد ثالول برکندم بخواند و بران بمالد و در زمین نمناک دفن
کند دفع شود **در بحر المنافع** آورده اند که بعدد ثالول
در شب یکشنبه دانه ماش شماره کند و در لته بندد و در بامداد
و شبانگاه هر ماش را هفت بار بر ثالول بمالد و هیچکس سلام نکند
و جواب ندهد و سخن نگوید در میرزبا بچاه اندازد و چون ماش
گندیده شود ثالول زایل گردد **و در بعضے** از نسخ اطبا
وارد شده که اگر روز غرا در وقتے که از آب بیرون میآید گرفته
بر ثالول مسح نماید و بعد ازان از ابخره قرنبند و در زیر سنگے نهد
ثالول بر طرف و زایل گردد **اما معالجه سلعه** که انگوشت
زاید استکه در زیر بدن آدم حادث میشود مانند غده و حرکت
در گوشت بدن و از علاقے باشد که ان از عضو خارج میشود
و مقدار او از نخودے تا بطیخ میباشد **و در حدیث**
مذکور استکه شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که کنند
و ماده در بدنم پیدا شده انحضرت فرمود که سه روز روزه بدار
و در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا بلندے برو

و چهار رکعت نماز بگذار و هر سوره که خواهے بخوان و تا توانے سعی کن
در تضرع و زارے و باید با حضور قلب باشے و چون از نماز فارغ
شوے جامها خود را بکند از و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ
بر خود ببند و بر خاک بسجده برو و پهلوے راستخود را بر زمین
بگذار و بزاری این دعا را بخوان و در آخر فرمود وقتیکه تاثیر
میکند خواطرت مطمئن باشد و برو بصحا یقین باشے الشخص
چنین کرد عافیت یافت **دعا اینست** یا واحد یا احد یا احد یا صمد
یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین **ایضاً**
معالجه کلی اینست مفید اسرار اشبه با روغن
کنجد چوب کتیت خشک سوخته و پشم سوخته و جو سوخته را
بالسویه بپاشند **ایضاً** از مجربات است زرد چوبه و برگ حنا
و هلیله زرد و عفص و قشره تازه و مردار سنگ و امله مقشر
و سرکه هر یک جزوے و روغن گاو سرخ چهار جزوے و ضماد نمایند
تا مست **فصل چهارم** در دفع خنازیر و سرطان و حمره و
اثلک و فالج و لقوه و کلف و جذام و داء الثعلب و غیران اما
دفع خنازیر باید در زوال یاریک چهل گره بزنند و بر هر گره که
زنند این دعا را بخواند و بر گلوے او بندد شفا یابد انشاءالله
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله

وعظمة الله وبرهان الله وسلطان الله وكنف الله وجود الله
وأمان الله وحرز الله وبطش الله وبهاء الله وجلال الله ی کا
لله وبلا اله الا الله محمد رسول الله من شر ما اجد برحمتك
یا ارحم الراحمین **ایضاً** **اینشکل را بنویسند بموضع**
خنزیر بندد بهتر شود مجرب است بحق والوی اعظم
اطبا بتجربه نموده اند که چون سر شیر را با آب گاو سفید بسایند
تا غلیظ گردد و روغن گل یا روغن بادام بالسویه بر سرطان
منفرح و جرب خارا و حکه خارا و اورام حاره ضماد کنند
بحال خود گردد اگر ماه کشنیز یا آب بار هنگ بسایند بد سنور سابق
نافع باشد **ایضاً معالجه باد سرخ** و سایر ورم حار
هر بامداد بلعاب دهن بخواند و بدمد وانرا بموضع درد طلا
نمایند دفع گردد بسم الله الرحمن الرحیم الحا
رفو والمنار فوافم بافنا بحرمة لعاب دهن مصطفی صلی الله
ایضاً باد سرخ وانشک بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
رفتن نوفل هو الله رفتنی بر کوه شد آب در دم خشک
شد بی پروای درد خوش شو تو بحق لا اله الا الله ازابجمله
بر کوزه سفال بی نقش بنویسد و محو نموده بخوراند جهة
جمیع بادها خصوصاً حمره را نافعست بسم الله الرحمن الرحیم

علیقا طبقا انت تعلم ما فی قلوبهم **ایضاً باد سرخ** واورام
حاره مجرب است کچ را از یافته بجهند با آب خنزیر بسیار قبول بر شد
نمدار کر بسبکی کچ بر طرف شود و مکرر طلا نمایند **و در کتاب**
خزانة الاسرار از حضرت صادق ع روایت کرده که سوره غاشیه را
بیست و یکبار بخواند بجهه باد ها یک در اقدام باشد خاصه برای
باد سرخ بخواند زایل گردد **اما معالجه فالج** وان درد یست که
دست و پا راست میکند بعضی میگویند بجهت که صاحب
ان تصور کند که ان عضوا از ان افتاده است بر پای آن بنویسد و
با خود دارد و بران بخواند که نافعست بسم الله الرحمن الرحیم یمحو
ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات
والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث
ورباع باسم فلان بن فلان **اما معالجه لقوه مرد** بیست
که شخصی خدمت امام جعفر صادق ع عرض کرد که باد به سر ما
مرا فرو گرفته فرمود که عنبر و روغن زنبق بما شنا بد ماغ
بچکاند و در روایت دیگر که سوره اذا زلزلت را بنویسد و در
ان نظر کند شفا یابد **و در نسخه دیگر** بنظر رسیده
که انسوره را در انیه بولاد بنویسد و در خانه بدارد و نظر
کند و مردیستکه اگر سه نوبت بنویسد انسوره و صباح شود
بیاشامد شفا یابد و در روایت دیگر مردیستکه صباح بن

خارث بحضرت امام موسے کاظم ع عرضکرد کہ شخصے را لغوہ
ہم رسیدہ وہر دو چشمش افرو کرفتہ فرمود کہ پنج مثقال
قرنفل بگیرد در شیشہ کند و سر شرا محکم کند وگل مالد
و در آب نداز دو بقدر یکروز و در تابستان و دو روز در زمستان
در آب بگذارد پس از شیشہ را بیرون آورد و نرم بکوبد و در آب
اب باران مخلوط کند و بر پشت بخوابد و بہ بدنش مالد پس
طریقیکہ گذشت و بدانحال خوابیدہ باشد تا آنکہ قرنفل
خشک شود چون چنین کند آن مرض از او برطرف شود اما معالجہ
جذرہ شدن تا عضا در خبر است کہ چونکسے را دوست
نداردو نام بر زبان راند جذرہ برطرف شود اما معالجہ
کلف وبہق وداء الثعلب کلف لکہ ایست کہ برو وبہم رسد
و رنگش ما بین سرخ وسیاہی است وشبیہ
بکنجد است در بحر المنافع آوردہ اند کہ خون خرگوش
تازہ وگرم بر کلف مالیدن کلف را زایل گردانند ایضا
جہت دفع قرح وکلف بنویسد و برو بکلف تا
لد زایل گردد. واما باید آب برزمین بنوید
بسم اللہ الرحمن الرحیم قل اوحی الی انہ استمع نفر
من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا اما معالجہ داء
الثعلب در بحر المنافع آوردہ اند کہ از بختن موی

سبل است بروغن بخواند بمالد و یرسل الصواعق فیصیب
بہا من یشاء وہم یجادلون فی اللہ وہو شدید المحال
واطبا گفتہ اند کہ پیاز را با نمک صلایہ کنے و در آنجا کہ دارد
موی بر آورد و جہت ریختن موی ریش بدستور سابق
معمول دارد بسم اللہ الرحمن الرحیم فاستغفروا لذنوبہم
ومن یغفر الذنوب الا اللہ ولم یصروا علی ما فعلوا و
ہم یعلمون اطبا بجہت کلف فرمودہ اند کہ انزروت
در زہرہ گاو حل کند بمالد و بدستور مذکور بجہت کلف
وبہق وامثال ان بتجربہ رسیدہ کہ بیخ سوسن وسرگین
کنجشک وقنطہ یاب سرکہ طلا کنند و روز دیگر باب
سبوس گندم بشوید و بجہت داء الثعلب کندش وشیطرج
ہر یک جزوے وزرنیخ سرخ دو جزوے باروغن زیتون
طلا کنند کہ بعد ملیشنا از دو پسر رضوی کرد در طب
الائمہ اسنادان حضرت روایت کردہ اند کہ بجہت فالج
ولقوہ وغیرہ از کوفتہا را استعمال باید نمود و فرمودند
کہ بجہت فالج ولقوہ بکجب نرا باب مرزنجوش در دیگچہ
بپزند تا مغیث اوقرموکہ اکر بجہت سیر نکجب انرا
باب سرد و سرکہ بخورد نیکو گردد وار حضرت امام علی

النفع عم مرویستکه یک حب نوا باب حلبنت بر کسے بخوراند کر او را
عقرب و مار گزیده باشد و بیم هلاکت داشته باشد در ساعت
ساعت شفا یابد وان انیسون سنبل و زعفران و عاقرقرحا و
عاقاقیا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید همه مساوی
بکیرند و چندان هر یک را اجزا انرا کوبند واز حریر گذرا
بعده با عسل کف گرفته و اکر فته باشند خمیر کرده حبها سازند و در
وقت احتیاج بکار برند واز امام محمد تقی عم مرویستکه ابتدا
بجهت سردی معده و خفقان قلب یک حب نوا باب بره پخته بخورد
شفا یابد و فرمودند که بجهت شش جمه کراو و دمی یا با دسنت کم
در پرده ضلع و عضو پیدا میشود یک حب انرا باز عفران بر حوالی
او بمالند شفا یابد واکر حب نوا باب سید بخورد بجهت اسهال نافع
است واز حضرت امام رضا عم منقولستکه یک حبش را با ابهو ورد
پخته کرده بخورد نافع است از برای درد پهلو و اسپ با حبش
با ب زیره کرده پخته باشند از برای درد پهلو بخیب با آب بنفشه کرم کم
پخته باشند بخورد و خواص دوا او را احادیث معتبر مفصل باشد
بنا بر اختصار بمکان اختصار نا شد والله اعلم دبر معالجه طوق
در جمع المنافع آورده اند که آب عنب الثعلب مالند دفع شود و اکیشاده
دفع جذام و اکله این آیات را بخواند و بنویسد و با خود دارد بسم الله
الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب حمد لله

فاطر السموات والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی
وثلاث و رباع باسم فلان بن فلان واز حضرت امام جعفر صادق
عم مرویستکه خوردن شلغم خوره را میکذارد خواه پخته خواه خام
واز حضرت امیر المؤمنین عم مرویستکه شارب کرفتن در روز جمعه
امانست از خوره اطبا از جهت اکله و تخفیف قروح ان کفته اند
مجربست موی سوخته دو جزو پوست پیاز سوخته یک جزو تخم
بادنجان بو داده نیم جزو کافور قیصوری ذرور نمایند از انجمله انرا
ذرور بجهت قروح و اکله ساخته و بواسیر الانف و نواسیر مجربست
استخوان سوخته رحیم با سوخته صبر زرد بالسویه ذرور نمایند و هم
چنین برای عذاب خشکرا ذرور نمایند بجهت اکله بی بدل است و
ضماد برای ذرور دافع اینها صندل زرد ایضا اشامیدن سلاحه که
بول بز کوهی است که در سنکلاخها بهم میرسد هر روز با سکنجبین
تا چهل روز شفا بجذام نیکو دانسته اند اکرچه بجد ریختن اطراف
رسیده باشد اما معالجه جرب و حکه و قوبا و نقرس فاما قوبا علتیست که
پوست را منقشر نماید و منبسط شود و [illegible] و مجروح دارد و اما
نقرس علتیست که سوراخهای خورد در اندام پیدا شود و اکر کوشت
بران بندد بخورد و در فصل دمل دطای این کذشت و در ذکر معالجه
سرطان نیز بعضی از ادویه مذکور شد و اطبا ضماد شیر انجیر را با
جوچا جرب مفرح و قوبا و کلف و بهق دانسته اند و کفته اند جعل را با

بعد از آن سائیده برثالول و ثوبا بمالند در دا و زایل کرد دو طلاے
کنیرا با بوره وکوکرد جهت جرب حکه وبا سرکه جهت بهق و برص العا بنا
جهت شق شدن موی مجرب دانسته اند وطلا نمودن مغز تخم کدو و هنه
وانیز با شیر دختران جهت حکه که با حرارت باشد از مجربات است و قبل
از این کذشت که صبر را با آب کاسنی یا آب کشنیز یا آب انار شاسائیده
تا غلیظ کردد با روغن گل و بادام بالسویه بر سرطان منفرح و جرب
خار وحکه واورام ضماد نماید نافع و نیکو دانسته اند و مدسنو رخشخاش
مسحوق با سرکه وهم چنین صبر زرد و نشاسته وآب کاسنی جهت دفع حکه
که با حرارت باشد موثراست واز حضرت امام علی النقی ع مرویست
که هرکه خرمای برنیرا بخورد کند دهانش بر طرف شود واز حضرت
امام رضا ع مرویست که بخورید انجیر را که برای دفع قولنج نافعست و
فرمود کند دهان را بر طرف میکند واستخوان را محکم میکند وموی را در
بدن می رویاند و درد دهان را می برد ومضمضه کردن جزو با سرکه
جهت بد بوی زیر بغل دهان واستحکام لثه واسنان وقلاع موثر
دانسته اند وجهت بد بوی زیر بغل اطبا گفته اند که اول موی زیر
بغل خدشها نمود وا بید وادا المالید تا قدری خون دفع شود وبعد
از یکشبانه روز موضع را بشویید و نصریح نموده اند که دیگر منبت
و مجربست راس خسک محرق وزراوند طویل محرق وزجاج فرعونی
وزعفران از هر یک جزئی با آب مورد تازه بسرشند و قرص سازند و بجهت

بد بوی عرق بغایت مجربست مرارسنج وبونیک مغفول خاکستر
سوسن زرد وصبر زرد گل سرخ بالسویه با گلاب وامثال آن طلا کنند
بجهت بد بوی انگشتان پای بستن برک تازه سوسن از مجربات است و
بجهت بد بوی زیر بغل کنج دان سلیخه صندل سنبل الطیب ع صاف
مثلا از هر یک سه جزو کافور نیم جزو با گلاب حل ساز در استعمال
نماید بجهت ورم از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که
هر ورمیکه در بدن بهم رسد و ترسیکه بجای بد برسد در آن وقت
وضو بساز دازبرای نماز واجب پیش از نماز بران ورم ابر لوانزلنا تا آخر
سوره حشر بخوان و بران بدم چون چنین کنے بزودے نیکو کردد
ودر خواص آیات قرآنی آورده اند که سه روز متوالی هر روز
هفتم شبانه این آیه را بخوان وبعد از روز سیم بر جام انگبینه زعفران
بنویسد وبآب باران بشوید وبخورد زایل کردد واز خواص ابو
حروف ستنویسد و بر صاحب ورم ببندد یا بورم بنویسند فرونشیند
وج ادوه ی طح ورم حادشد بگو از حضرت امام محمد
باقر ع مرویست که بر هر ورمی سه بار آیات آخر سوره حشر را بران
بخوان و در هر مرتبه آب دهان را بر آن موضع بیندازند ساکن کردد و
در فصل دفع دمل و قرحه نیز افسونے بجهت ورم نیز مذکور شد
فصل شتم معالجه ضیق و سرفه وزکام از حضرت امام جعفر
صادق ع وارد شده که در معالجه زکام بینی را بروغن بنفشه

الوده کنند در وقت خواب بر مقعد نهد زکام دفع شود و در
چند روایت وارد شده که زکام را معالجه نکنند و در روایت دیگر
فرموده اند که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند
و در دماغ بدمند زکام برطرف گردد و اطبا بجهة زکام آب سیاه دانه
را بر روی سنگ تافته بریزند و دود آنرا استشمام کنند نافعست
و ایضا سیاه دانه را نیم کوبیده قطره آب نمک پاشند نیم گرم روی
بستن بدون کوبیدن بطریق مذکور استعمال نمودن بسیار
نافعست و اگر زکام بسته شده باشد و خواهد کشوده شود
اما معالجه ضیق النفس در روایت آمده که مفضل بن جعفر به
حضرت صادق عرض کرد که تنگی نفس دارم که اندک راهی میروم
نفسم تنگ میشود و مینشینم فرمود که بول شتر بخورد تا ساکن شود
ایضا معالجه سرفه در حدیث حسن مرویست که شخصی بخدمة
الشخص عرض کرد از سرفه فرمود که قدری انجدان رومی را با همانقدر
قند و نبات سفوف کن و یکی دو روز بخور آن شخص گفت یک
دفعه خوردم برطرف شد و بروایت دیگر مرویست که شخصی بخدمت
حضرت امام رضا عرض کرد از سرفه کهنه و جدید هر دو شکوه
کرد حضرت فرمود که بگیر از فلفل سفید و خربق سفید و سنبل
و فاقله از هر یک جزوی و از فرفیون دو جزو بکوب و نخ بریز
کن با عسل کف گرفته سرشته کن و از برای سرفه تازه و کهنه

بکیب ازان با آب نیم گرم در وقت خواب بخورد و در خزائن الاسرار مذ
کور است که حضرت صادق فرمود که هر که سوره زخرف را بنویسد و
باب باران بشوید و کسیکه سرفه کند ازان بیاشامد شفا یابد
در بحر المنافع آورده اند که هر که سوره طارق را بر چیزی بنویسد
و بخورد دیگر او را آفتی عارض نشود **فصل ششم در دفع شقاق**
و ترکیدن دست و پا دفع ثولات و بادها تضمید ضماد فرعون عنب
الثعلب بر شقاق دست و پا بسیار مفید است و طلای کبر بجهة
شقاق لب مجرب است و بجهة شقاق آزموده است که زاج و صبر را
بالسویه با نفت سیاه بمالد و دست از نزدیک آتش بدارد بجهة شقاق
پاشنه پا و کف پا پنج مثقال مرداسنگ با بیست مثقال روغن زیتون
بجوشانند تا بقوام رسد بعد ازان پا را در آب گرم کنند تا شقاق نرم
شود ضماد نمایند و قدری از اطبا آزموده در شقاق نیز گفته اند
و بید سنو رسیه برکه اخته و پنج مثقال عفص سائیده مانند غبار
نمایند و با پیه مخلوط کرده در شقاق بریزند نافعست **اما دفع**
ثولول و بادها بسیار و غیره بسیار مجرب نموده اند که هر گاه سوره
قدر را بر رشته که تا بالغ رشته باشد هفت لا کرده هفتم مرتبه
بران بخوانند و بران بدمند و گره زده بگویند عقدت ثولول فلان
بن فلان بقوله و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و
صاحب ثولول ان رشته را با خود دارد دفع شود انشاء الله و در نسخه دیگر نظر

بسبیکه مثل مستور مذکور بران رشته هفت بار این آیات را بر
خواند و در هر نوبت گره محکم بزند و بران دمد و چون تمام کند آن رشته را
بر انگشت وسطی و خنصر ببندد و بعد از شفا یافتن آن را باز کند و آیات این است
مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمت ربک عبده
زکریا اذ نادی ربه ندآء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل
الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا فمن کان منکم مریضا
او به اذی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین و بجهة نزله این شکل را بنویسد
رو بقبله و میخ را در چشم میم زند و اگر زایل نشود در چشم فا
و الا در چشم طا و الا در چشم صین تا زایل گردد و هم در بحر المنا
فع آورده اند که از جهة نزله و سایر بادها که در بدن هم میرسد
سنگدان خروس را بنا و رد و همراه خود نگه دارد هر باد فاسدی
که در بدن او باشد تمام رفع نماید باذن الله تعالی جهة باد نزله و درد
دندان این شکل را بنویسد و میخ آهن کوچکی در میان حرف اول بزند و او
رو بقبله بکوبد و اگر برطرف نشود در میان حروف دوم و هم چنین تا آخر
برطرف شود لطیفه تن مبتلا در معالجه درد ضربه و کوفته شدن
اعضا مجرب رسیده که موی سر با شاخ بز آتش گرفته و پخته در موضع
درد ببندد و در بحر المنافع آورده اند که اگر کسی را زخم و ضربه رسیده
با پنجوم رسیده باشد ... با اهلیله و درد روغن انداخته بر موضع

اگر کسی را سبب مانند آن استخوان شکسته باشد و از درد آن بیقرار باشد
جا صبر را در آب ترکند بر موضع درد ببندد و از اول افتاب زود زود
بر بالای آن موضع بریزد درد ساکن گردد **فصل یازدهم** در دفع
خیالات فاسده و وسواس و آرزوها در خواص قرآنی مذکور
است که چون کسی را خیالات فاسد و تشویش روی دهد این
آیات را بخوانند زایل گردد و اگر بر قطعه صوف کبود یا ورق آهو
نویسد و بر کسیکه او از جن و پری زحمت رسیده باشد ببندد البته
رفع گردد و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم
وقرا و اذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم
نفورا فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم و در تحفه ثبت است دیگر وارد شده که شخصی با حضرت
عرض کرد که از آرزوهای بسیار کردن و وسواسهای سینه از آن
بتنگ آمدم آنحضرت فرمودند که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله الرحمن
الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد
پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را بخوان آن شخص چنین
کرد آن خیالات او زایل گردید معالجه برای افتادن در کتاب
مکارم الاخلاق آورده اند که هر گاه را عضوی از آنها بجوید افکنده
یکی ابهام را بخوان و میان انگشتان انگشتان خود را بکند که باو از آن

باسم فلان بن فلان نیکو گردد الم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی
افلا یؤمنون **در معالجه درد ضربت و کوفتگی**
اعضا بتجربه رسیده که سوسن را با شاخ و برگ کوفته و پخته
بر موضع درد ببندد دایم آورده اند که اگر کسیرا زخم و ضربت
خشت یا چوب رسیده باشد زرد چوبه را با هلیله سیاه
و در روغن اندازد و با آتش گرم کرده طلا نماید نیکو گردد
ایضا در دفع زیاد بول کردن و سلسل بول و
تقطیر البول و سیلان منی و غیره
از عبد الله عباس مرویست که هر که را بول بسیار آید درق اصفیا
ابن ابیه را بنا شنا هفتم شنبه بخوان تا شفا یابی در حدیث دیگر
منقول است که شخصی در خدمت امام محمد باقر عرض کرد از انکه بول او
قطع نمیشد همیشه قطره بول از او میآمد فرمود که اسپند را
مکرر شش مرتبه با آب سرد و یک مرتبه با آب گرم بشوید و در
سایه خشک کن پس با روغن گاو چرب کن و سفوف نموده بخورد
و در کتاب مکارم الاخلاق آورده که بجهة بول
کردن اطفال در شب و دفع آن این شکل ابروزف اهو نو نیه
و بر انگشت او بریز هف هف هد هد هف هات هات ی الم کف

کف هف فهم معز لم قل هو الله احد الغالب من حدیث
بسخر العدا ملیس شیخ لبنی ادم کالتی سجد لادم الملائکة باذن الله
اثر کر بنیه بنت و ولد فلان بن فلان ه ه ه ه ه سد دف سد دف
بسورة صفر صفر خمت بخاتم سلیمان بن داود و الحمد لله رب العالمین
جهة قطع سیلان منی و غیره انیستو فراطبا مجرب
دانسته اند تخم کاهو و تخم کاسنی و بیخ پنج انگشت سه درم سعد
و شاه دانج و دو درم گلنار بکدرم که هر شربتی از آن دو درم با آب
سرد نوشیدن و هم چنین خوردن یوسف تا یج کردگان را هر روز
دو مثقال بخورد جهة تقطیر البول نافعست و هم چنین زهره خفدرا
با خاکستر چوب کرز با عسل آمیخته بخورد بجهة سلسل بول نافع است
و هم چنین خوردن تخم کاهو را جهة نزله و زکام و تقطیر البول و
سیلان منی نافع یافته اند معجون فاسلن البول و تقطیر البول و
سلسل البول نافعست بلوط معشر صمغ عربی و سداب هر یک یک
درم کندر و حب الاس جوز بوا بسباسه قرنفل هلیله از هر یک
دو درم سعد شونیز از هر یک سه درم انجیر خشک پنج درم با
عسل بسرشند و قدر شربتی از سه مثقال تا پنج مثقال در بعضی کتب
آورده اند که یوسف تا بج مر غرا بریان کرده خوردن بجهة تقطیر
البول نافعست و از خواص آیات است که بنویسد و بخورد و دیگری
بنویسد بر کریبند بول و منی و ودی زایل شود و الله اعلم

قدره والارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون فصل دوازدهم در دفع بیخوابی و
غلبهٔ خواب و احتلام و دیدن مطالب در خواب در جواهر القرآن
وارده اند که هر که در خواب بی‌نا مر را بخواند و از حد یتعم در خواب
که هر وقت معین بخواهد از شب بیدار گردد قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا
صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا ابطم او ورده اند که هر که آیه
وذا النون را انا من الظالمین بر پوست آهو نویسد در میان بند
و بخواب رود بیدار شود تا ابند غا جدا نشود و ابند غا بیماران
و بیخوابان را مناسب است و در روایتی دیگر از آن حضرت مروی است
هر که خواهد که در آخر شب بیدار شود بر خیزد چون خواهد بخواب
رود ابند غا را بخواند اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا
تجعلنی من الغافلین ایقظنی ساعة کذا و کذا حق تعالی موکل گرداند براو
ملکی که او را از خواب بیدار کند و اگر خواهد که در شب بیدار باشد
این حروف را بنویسد و با خود نگه دارد و بر بازو بندد خواب نیاید با مر حکیم
دارد و حروف اینست کطاع ک ٥ ٥٥ ٥
از مشایخ ما منقولست که اگر خواهد کسی که یکی از انبیا را در خواب
ببیند با سایر مردم را ابند غا را بخواند تا آنجا که ان تصلی علیهم
وآل محمد است پس بگوید ان ترینی فلانا و بعد از آن سورهٔ والشمس

والليل وقدر واخلاص را بخواند و بعد از آن صد مرتبه
سوره یونس را بخواند هر کس را که خواهد در خواب ببیند و سؤال
و جواب دینی با ایشان میشود در روایت دیگر آمده که این
عمل را هفت شب عمل باید کرد و در کتاب بلد الامین کفعمی
و از مشایخ دیگر که در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی یا
مهمی داشته باشد و مشکلی پیش آید و راه نبرد او با طهارت در وقت
و لحاف پاک بخوابد و زیر سر خواب او نباشد در وقت خواب
هر یک از سورهٔ والشمس و والليل بخواند و بعد از آن بگوید
اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا در شب او ل یا علیم یا
مفهم یا منجم شخصی در خواب واید و برشد ان مهم را بیان
نماید و از حضرت امام جعفر صادق ع وارد شده که اگر کسی را در
بطرف نگران باشد و خواهد که از آنجا خبردار باشد و این
حروف را بر کف دست نویسد و بخوابد یکی از ارواح نزد او آید و هر چه
از او سؤال کند جواب گوید بسم الله هبت هر هبت ه هه هه
هه ه ع ع ع ع ع ع ه ص م هت الا ط ۱۱۱ ف
دم و و دمهه ٥ ۱۱۱م م ط ۱۱۱ ه ف و و و و و
اف ٩ ع ع ع ع ع ع ع ع ۱۱۱ ث ٥ ح ح ع ط ۱۱۱۱
ط ٥ ۱۱۱۱ ٥ ط ٥ ۱۱۱۱ الا ۷ لماه ط ۱۱ سه ٥ ع ۷
و و و و ۷ ط ٥ ٥ ٥ ع ٠ ٠ ۱۱۱ ۲۱۹ ۱۷۲۳

تحفة الغرائب

ده مرتبه بخواند ... از کشف کیمیا و معنیات و هندسه و ... از واح و ظهور عجایب از بر باطن جلوه کند و از جهت کشف ... مشکلات بنویسد ...

ابطح بتجربه رسیده که هر که پیش او بد و در ان سر باشد با مرادی داشته باشد و خواهد که بران مطلع باشد که مراد او روا میشود یا نه سوره اذا زلزلت را در وقت خواب هفت مرتبه بخواند و بعد ازان بگوید یا ملائکه ربی بحق هذه السورة انزلها و بحق من انزلت علیه و بحق اسم الله علیکم وانا مر النام ... کلها الی الا خبر بموئی بخبر کذا و کذا و ذکر حاجت ذکر نماید بدرستیکه اینچه طلب نماید باو در خواب بنمایند ایضا گفته اند که اگر کسے خواهد که بداند مهم و حاجتے که دارد روا میشود یا نه اینکه برناخنها ید سنبچ بنویسد بخواید اگر شیرینی در خواب بیند حاجت برابد اگر ترش ببیند بنیاید افیسث بر انگشت بزرگ هو انگشت سبابه هوه انگشت وسطے ببیو هو انگشت خنصر فو اهن انگشت بنصر افتاد بن جهت دفع احتلام هر کس که ترسد در خواب محتلم شود چون بر تخت خواب رود باید غارا بخواند دفع شود اللهم انی اعوذ بک من الاحلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و در خواص سوره والطارق مذکور است که در وقت خواب بخواند ایمن باشد باب دوم در دفع شرور و بلیات و دران چند فصل است ف ۱ بجهت هر بلیه که در شب و روز وافع شوند بعد اکر وقف موافق عدد ...

تحفة الغرائب

مفید بود تا در این باب ... بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

بسمله است بر ترتیب عدد و مطر بعضے از ارباب علوم گفته اند با اشکالی که در حوالے ان نوشته شده و مظهر او مظهر اسما الله سبحانه و برهان کرد درین باب بیان نموده اند که بسمله نوزده حرف است بعدد زبانیه دوزخ هر که ملازم او شود ازانها ایمن باشد از شرور ایشان کنایه از قواے او باشد نوزده که انسان شمرده میشود نجات یابد و مراد از قواے حواس خمسه ظاهره که ان باصره و سامعه و ذائقه و لامسه است و حواس خمسه باطنه که ان حس مشترک و متخیله و متوهمه و حافظه و خیال است پنج باطنه تمام شد و قوه شهویه و غضبیه و هفت دیگر که طبیعیه است که غاذیه و نامیه و مولده و محرکه و مصوره و عاقله و علمیه است و گفته اند که از نتیجه الله تم زبانیه دوزخ نوزده کانه مقرر فرمود از لے هر قوتے خزینه بنابر انکه این قواها منبع شرور و منبع ضرر باشد قوله تعالی ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم اشاره این قواها است همچنین هر شبانه روزی بیست و چهار ساعت است پنج ساعت از اے پنج وقت نماز است و نوزده ساعت دیگر باقی می ماند بسمله از مت و مواظبت بسمله از شرور آفات و بلیات که در ان ساعات میشود نجات خاص شود زیرا که حروفات بعدد ساعات مناسبت العاقل یکفیه الاشاره و از برای اینقدر خواص بسمله است اکتفا نشد

١٩ ١٧١	٩٩١	٢٢	٨١
٢١٠	١٠٩	٩٠٥	٧ج
١٩٧	١٩٣	٢٩٧	٤٩

بسم الله
بسم الله ٥
بسم الله
بسم الله
بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم جهت درد دهان و قلاع

اگر قلاع و جوشش و درد کام و گلو و غیره مر و بسیکه شخصی
بخدمت حضرت صادق ع عرضه کرد و شکایت کرد از درد
دهان آنجناب فرمود که دست بر دهان بگذارد و بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء و اعوذ بکلمات الله الذی
لا یضر معها شیء قدوسا اللهم اسئلک باسمک الطاهر المقدس
المبارک الذی من سئلک به اعطیته و من دعاک به اجبته اسئلک یا
الله یا الله ان تصلی علی محمد و اله و من تعافینی مما اجد فی
فمی و فی راسی و فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی
رجلی و فی جوارحی و در بحر المنافع آورده اند که بجهت درد دهان
از اول سوره طه تا قوله العرش استوی مذکور ساخته اگر تعویذ
نماید و بجهت سفیدی و جوشش که در دهان بهم رسد این کلمات را سه
روز بنا شتا بخواند هر روز سه بار و پنبه در دهان صاحب
علت نهد و بخواند تا تمام شود و بعد پنبه را بر زمین نهد

پنبه دیگر بردارد و باز دعا را بخواند هم چنین سه بار پس پنبه
روز اول و دوم را در آب اندازد و پنبه روز سیم را در آتش اندازد
و بسوزاند یا بغوثا یا بلبثوثا اربشا ربشا برون رو از دهان این
بنده خدا بنام جبرائیل و بنام میکائیل و بنام اسرافیل و بنام
عزرائیل من تریر تو کرد نکنم بکبریت پنبه سفید اگر نمیرود بنام خدا
هذا شافی هذا کافی هذا معافی و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا **جهت اماس** لیث که از
زکیدن بهم رسد بر و غنی خوانند و بران مالد بسم الله الرحمن الرحیم
قل الله شهید بینی و بینکم انه کان بعباده خبیرا بصیرا فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم و حسبی الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم **جهت کلیه** و هر زخمیکه در بدن باشد
بعد از زخم پنبه بردارد و بر زخم گذارد و این دعا را بخواند سه مرتبه
و بعد از آن این سه پنبه را در آب نداز و روز دوم نیز بهمین طریق
بخواند و در آب نداز و روز سیم نیز سه مرتبه این دعا را بخواند
بطریق سابق و در آتش اندازد بسم الله الرحمن الرحیم بنام آنخدائی
که نور انبیا و دنیا خواند او زبور شراهیا و بنام صد بیست و چهار
هزار پیغمبر اول آدم و آخر محمد ص علیهم این درد نو چه درد ی بنو
اید و ن کوچکی و بفعل اید و ن بزرگی گوشتش بخور دی و استخوان
بگداختی انا الراقی و الله الشافی اخرج ایملعون اگر یکی و اگر دوئی و اگر

تنك واسبه وسر كرد راو عدس وخبازیہ وشاخها تازہ
تاك وارد جوشانیدہ باشند ومضمضہ كردن وبدستور كزمازو
وگلنار وكشنیز خشك وپوست انار وعفص جوشانیدہ مضمضہ
نمایند وبجهہ قلاع بلغم زنجاسف یعنی بوتیمار دران وبرگ زیتون
وپوست انار وعفص را با سوسن جوشانیدہ نمایند نافعست
وزرد وبرگ عناب نیز سحق یا امد معها **بجهت درد گلو**
درد گلو اول سورہ بنی اسرائیل تا ابہ واز سورہ الرحمن بنویسد
وباخود دارد بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری
بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا
حولہ لنریہ من ایاتنا انہ ھو السمیع البصیر بسم الله الرحمن الرحیم
الرحمن علم القران اما بجهت دفع درد گلو وناے وگرفتن کام
بنویسد وباخود دارد فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون
ایضا **بجهت گلو واماس** کردن ودرد دندان بخواند الم
تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین **معالجہ ز الوکہ**
بگلو چسبیدہ باشد اینکلمات را بر آب یا نان خواند بخورد زالو
بیرون اید فتحا فتحا نصرا نصرا یاذا الجلال والاکرام اے زالو از
گلوے فلان بیرون اے یا فروشو بحق النبی علیہ السلام **اطبا**
مجرب دانستہ اند بجهت اخراج زالوکہ بحلق چسبیدہ باشد بلع
طحلب یعنی جامہ وزغ در دنا عذاب کرم از پے انا شامید کہ

نرمے واگر مادہ خواهم کرد بن پنیر یعوذ بالله محمد رسول الله علیہا
ولی الله **اطبا گفتہ اند** کہ لب ترکیدن بلعاب کتیرا وبدانہ
بہی طلا کنند واطبا روغن بنفشہ وسپیدہ طلا کنند وشاخ
گاو کوهی سوختہ بدان بیامیزند طلا کنند وپوست تنکی کہ بر
بیضہ کشیدہ بران نهند نافع است وهمچنین شببہ بچہ خرزہ
کہ در میانے میباشد نزد یک لب نیز بران چسبید نافع است
علاج درد کام در بحر المنافع اوردہ اند کہ این ایات را
بنویسد وبشوید وبا بان مضمضہ کند قال من یحیی العظام
وهی رمیم الی قولہ وهو الخلاق العلیم ولہ ما سکن فی اللیل وا
لنهار وهو السمیع العلیم **واطبا گفتہ اند** کہ غرغرہ کردن بطبیخ
برگ اجاص وبیخ او جهت ورم لهات ومنع نزلات دماغ و
ورم نورین وتقویت بن دندان مجرب دانستہ اند کہ خوردن انجیر
درد دهان را میبرد ومضمضہ جلنار باسر کہ لثہ واسنان وقلاع
نافع است وذرور دوبوت سبب عشك جهت جوشش دهان و
اسنان زاج هندیہ ازرق شفاف ظاهر بوتیا هندی عبارت
ازان باشد وبانوفل جهت درد دندان وحرکتان وتقویت لثہ
وخاکستر بیخ کرنب جهت قلاع وغرغرہ جهت لثہ وورم ولهات
نافع است وهمچنین بدل دابل ظهور وقلا مضمضہ باب برگ
علیق کہ دبلے بنوش کوبند وبرگ بکور بنکان کوبند یابند

تحفة الغرائب

تحفة الغرائب

باعث فی میشود واو را بیرون میاورد و فرزند کور است کر
هر گبر زالو بحلق رفته باشد آب گشنیز را مضمضه کند شفا یابد
و اگر زالو بدماغ کسی برود خاک تنباکو را استنشاق کند فرود
اید معالجهٔ درد دندان از حضرت امیر المؤمنین ع
بیچهد درد دندان دست بر موضع سجود بمال و بر موضعیکه درد
میکند بمال و بگو بسم الله الشافی ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم و دیگر شخصی نجد من حضرت صادق ع شکایت
کرد از درد دندان و گفت از بیماری درد دندان شبها نمی‌خوابم
فرمود هر گاه اثرش ظاهر گردد دست بر آن موضع نهد و سوره
حمد و توحید را بخواند و بعد از آن این آیه را بخوان و تری
الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء
انه خبیر بما تفعلون طریقهٔ دیگر از حضرت امام موسی کاظم ع
مرویست که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارد و فرمود که سرکه
از شراب بعمل امده باشد بن دندان را محکم کند جهة دندان
طفل که آسان برآید مغز گوسفند بردهن و بر دندانهای طفل بمالد
باسانی برآید و درد نبیند معالجهٔ صریر الاسنان یعنی دندان
بهم زدن طفل این شکل را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم صعصع
همیجادم دن و اطفئا معالجهٔ صریر الاسنان و امتحن کرده اند اما
مشایخ کهنه اند که اگر عارض شود علاج آن چرب کردن تشبیر

زنبق و چیزی تناول نمودن کلقند را ز با نج و شراب بالنکو و
تنقیه بحب یارج و فوفا با نیز نافع است و علاج شمرده اند و
از جمله اسرار است که بیچهد صریر الاسنان اطفال تعلیق سنگی که
در چینه دان خروس است و آسیان کون در معالجهٔ کرم
دندان و خون بن دندان مرویست که جبرئیل ع این تعوید را برای
امام حسین ع آورد بیچهد درد دندان کرم خورده چوبی را باید بران دندان
بگذارد و هفت مرتبه این دعا را بخواند العجب کل العجب دودة تکون
فی الفم تاکل العظم و تذر اللحم انا الراقی والله الشافی الکافی لا اله
الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفساً فادارأتم فیها والله مخرج
ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم
آیاته لعلکم تعقلون مد سنور دیگر میخ بگیرد و سوره حمد را و توحید
هر یک سه بار بخواند و بگوید من یحیی العظام وهی رمیم با ضرس
فلان بن فلان کشته باشد فوراً یک حنظل که تازه رسیده باشد و
زرد شده باشد بگیرد بکارد تا مثل سر شیشه سوراخ کند و کارد
او را خکند و مغزش را بیرون اشند بجوا به که سوراخ نشود پس سرکه
تند بگیر از شراب بعمل امده باشد در سوراخ بریزد و بر روی آتش گذارد
که بسیار بجوشد پس بردارد و هر وقت که محتاج گردد بقدر فاخسی
بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر
خواهد بخورد در مبدا خطر است برشیشه یا ظرف دیگر خالی کند هر چند

ابش خالی شود و بر طرف شود سر که بر و بش بر زند و هر چند گفته
شود نقش بشبز شود **معالجۀ دیگر دفع لکنت زبان** و
حصول فصاحت و رفع سلاطت این ابانو بنوشته بچه کودکی که
سخن نکند و باد بر بسخن آید و بر او برد بسخن آید انشاء الله ما لکم لا تنطقون
اقرأ باسم ربك الذي خلق خلق الانسان من علق اقرأ وربك الاكرم
الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن
وقال صوابا **نوع دیگر** در خزائن الاسرار وارد شده که اگر طفل دیر
بسخن آید یا در سخن گفتن زبان او گرفته شود سوره بنی اسرائیل را
بمشک و زعفران بنویسد و بشوید و بیاشامد زبان وی کشاده
گردد باذن الله تعالی **معالجۀ حدت زبان** در خزائن الاسرار
آورده که هر که این آیه لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و
كان الله سميعا بصيرا را بنویسد و بر کسی بندد که بسیار گو و معجب
باشد خاموش و کم سخن گردد و اگر زن سلیطه و بد زبان باشد
این آیه را بر قطعه جامه سفید نویسد که از کرباس پیراهن گرفته باشند
و آن پیراهن را در روز جمعه بریده باشند در استان سر او دفن
کنند زبان او کوتاه گردد و هم چنین از حضرت صادق روایت کرده
اند که هر که سوره زخرف را بنویسد و با آب باران حل کرده بزن سلیطه
بخوراند خوش زبان گردد **لقطع الرعاف** یعنی خون دماغ
منقول است که بر پیشانی او بنویسد یا ارض ابلعی تا آخر آیه و در کتاب

مکارم الاخلاق آورده که از لهان خون با زعفران این مذکور
بر پیشانی نویسد و اما نوشتن این که بعض بخون میسر نمی شود و نامشروع
نا واضح باشد و همچنین آورده اند که بنویسد و بر بینی انگشت کرد
بجهت قطع خون یا من حمل الفيل من بيتك الحرام اسكن دم فلان
بن فلان **معالجۀ حبس خون** از هر جا که باشد چه
رعاف و چه غیر آن بخواند و بر آن موضع دمد بسم الله
الرحمن الرحيم ما قطعتم من لينة او تركتموها قائمة على اصولها
فباذن الله وليخزي **نوع دیگر** از کتاب بحر المنافع بجهت
دفع رعاف و احتباس خون آن ذکر کرده اند که از آن خون خروج
بینی کرا از خون صاحب بر پیشانی نویسد بسته گردد طب طب
مطب مطب طب طب مطب ابطم فنبله که بسفید بیضه مرغ
آلوده و با ملک مغسول آغشته در بینی گذاشتن مجرب دانسته
اند ابطم سرگین کاو را سوخته و خاکستر او را در بینی دمند و
اگر تار عنکبوت را بجراحت تازه که در بدن باشد بگذارند
بدون ورم خونش بند گردد **دفع درد شانه** در
بحر المنافع آورده که از جهت درد بازو بنویسد و بر بازو بندد
و قیل یا ارض ابلعی تا آخر که در سابق ذکر شد سنشد عضدك
باخيك ونجعل لكما سلطانا درد بازوی راست ان الذين يبا
يعونك انما يبايعون الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث

علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیماً جهت
بازو بچپ بسمله و اصحاب الشمال تا علی الحنث العظیم و سوره واقعه
در درمرفق چپ و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبلنا و
لنصبرن علی ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل المؤمنون اینجا
باخروش و حاشیه آیت او بزید بخو بکیر مجاذی پیشان باشد الی

بجهت درد پستان و درد دندان و باد شد شیر پستان

زنان ارد باقلا ده مثقال تخم بادروج پنج مثقال با آب باد
روج و آب بیجان سرشته ضماد نماید نافع دانسته اند ابطه
ضماد کردن ارد باقلا با سکنجبین بر پستان جهت ورم و درد
دندان مجربست اگر بجهت بسته شدن شیر باشد علامت آن
و انتفاخ و صلابت و درد آن پستان حرفه را با سرکه ترکنند
و بران بندد و اگر حرارت آن عظیم باشد ارد باقلا و جو و ماش
با آب کشنیز و آب خرفه و سفیده تخم مرغ طلا نمایند و ضماد ارد
عدس با آب برگ کرفس جهت ورم پستان و انجماد شیر بی نیز
نافع است **دفع درد طپیدن دل** و دفع و دلتنگی
ان در کتاب مکارم الاخلاق اورده درد دل اثر و اذا قرأت
القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم را با معوذتین بر
خوانند و بنویسند و بوی بخورانند نیکو گردد **نوع دیگر**
این ابا را بر آب خوانند و بیاشامند بنویسد و بو کردن و نیز بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا و حسن المآب از سوره آل عمران و اینه فلئن انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین **دفع درد معده و رفع بلغم و سودا**
و رطوبت و صفرا و یبوست مزاج در خزانة الاسرار اورده که اینه

از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که هفت خرمای عجوه را
در وقت خواب بخورد کرمهای معده را میکشد و از حضرت امام
جعفر صادق ع وارد است که بخورید سرکه را که از شیر است اساخته
باشند که کرمهای معده را میکشد و اطبا خوردن دو مثقال
تخم امرود را جهت کشتن کرم معده مجربست و همچنین قشب
یعنی شهد انج و گذاشتن ضماد از خارج کشنده کرم معده
انراحب الفرج میگویند و هم چنین ضماد برگ الو را با سرکه جهت
کرم معده مجرب دانسته اند جهت **درد شکم** اینه الکرسی را به
مشک و زعفران بر طبقی بنویسید و بشوید و بخورد در ساعت
شفا یابد و اگر این اینه را هفت بار بخواند و دست بر شکم مالد
شفا یابد وله ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم وله
من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه ترجعون در
مجمع النافع اورده اند که جهت قراقر شکم و درد ناف و کرم
حب الفرج بسه پارچه شکر بخواند هر روز یکبار بخورد تا
روز یکند رد و درد و زهمفیه چیزی تلخ بخورد و صحت یابد نوع
ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم **علاج بلغم و صفرا**
و سودا و رطوبت در خزانة الاسرار اورده که برای دفع صفرا
سوره قدر را بر روغن گل خواند قدری شیر زنان بر ان اضافه
و بدن را بان چرب کنند تا صحت و از برای ازاله بلغم و دفع رطوبت

از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را بنا شتا بخور بعد
آب بخور چنان کرد مزاج او مستقیم شد تو هم بکرد رد ز مکنون
آورده که هر که بسیار اشتکیه را بکوبد حدث رطوبات از جمله آنکه در
وقت خواب از دهان سیلان میکند جذب کرده شود و بعد نرا
قوه دهد و قوا بظاهری و باطنی را تقویت دهد و اطبا جواب آنند
سفر بجهة جذب بلغم دماغی و تحصیل رطوبت معده و تنقیه حلق
از اخلاط لزجه نیکو دانسته اند **دفع درد پشت و کمر**
در خواص آیات قرانی مذکور است که هر که از سوره انبیاء ابه
إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا
يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ را بر ظرف پاکی بسیار
بنویسد و بپیاله آب گرم خدید باشد بشوید و بمریض دهد
که بسر جرعه از آن آب بیاشامد و قدری از آن بر پشت او بپاشند
و درد و قبکه در او بشدت رسیده سه روز باین دستور
عمل نماید شفا یابد و اگر اثر و غن یا بومیز از اطرف محو نماید و
اثر و غن بر پشت مالد درد زائل کند و در حدیث آمده که اسمعیل
فرزند امام جعفر صادق عم بخدمت پدر خود از درد پشت شکایت
نمود حضرت فرمود تا بر پشت خوانید این آیه را و خواند بسم الله
و بالله و صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها

جهة درد دل دست بر آن نهد مکرر بخواند میرجی با غرم
دلندی وارد شده که سوره الرحمن را نوشتن و شستن و خوردن باعث شفا ست و النشرح را بر درد دل بخواند نیکو
گردد و باز وارد است که از برای درد دل نوشته با طالندو
آن را بخورد بسم الله الرحمن الرحیم ولئن انجینا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع و یولون الدبر بل الساعة
موعدهم والساعة ادهی وامر ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا و از خواص این اشکال است که بر ناخن دست بنویسد
و بلیسد بجهة درد شکم مجرب است **دفع درد ناف** مروی است
که شخصی بخدمت حضرت صادق از درد ناف شکایت کرد فر
مود که دست بر موضع درد گذار و سه مرتبه این آیه لکتاب عزیز
لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید
معالجه سپرز از حضرت امام زین العابدین عم مروی
است که برای درد سپرز این آیات را با زعفران بنویسد و با آب
زمزم بشوید و بخورد شفا یابد از آخر سوره بنی اسرائیل قل
ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی الی قوله
و کبره تکبیرا **دفع قولنج** و قراقر شکم حمد و معوذتین را
بر فالج و قولنج و باد مفاصل بخواند و بعد از این آیه عاد

شکایت کرد فرمود چه مانع است ترا از خوردن سپاداننه
با عسل اما معالجه نفخ شکم اینکه مار ابخوانند و دست
بر شکم مالد بسم الله اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و
بعث محمد ابالحق نبیا پس سه مرتبه بگوید یا ریح اخرج حتی یاذن
الله تعالی انظر بحر پر رسیده که بعد از خوردن طعام دست بجای
معده و شکم هفت مرتبه بمالد و در هر مرتبه بگوید صلی الله
علی محمد و ال محمد البشر نیکو کرد داطبا از بیش مراق شکم بر وغن
بید انجیر و سفوف دو سه دانک را از بادنه مسحوق و بجرع کل
از عقب با عرق بر نجاسف بادنه را نافع دانسته علاج استسقا
که باصطلاح خراسان رک ابو خوانند قطعه کم قطعا برابر بپوش و در
بالای ان رک که در حوالی ناف باشد کذارد و سوره مبارکه تبارک
بخواند بر هفت مبین که سر سیل بنوک کارد خطی بکشد مشروط
برانکه چهار خط را در طول بکشد و سه خط را در عرض بنوعی که
خطوطی که عرض خطوط طولانی را انقطاع نماید و بعد از ان
کلو ابر را اشته در سایه بر کذارد که افتاب بران نتابد تا خشک شود
کل خشک شود ابو نیز را یا شود بحول و قوة الله

دفع زحیر و پیچش شکم و درد روده و اسهال

مروبست که شیخ محمد من حضرت صادق علیه السلام عرض کرد فرمود بگیر

وار حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که بجهت پیچش ناف یعنی
درد بستنکه در معده بسبب سوء هضم و چیز ثقیل خوردن بهم
رسد این ایات را بر اب خواند و بخورد و دست بشکم مالد نافع باشد
یرید الله بکم الیسر و یرید بکم العسر ولتکملوا العدة اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض فلا یؤمنون معالجه
اسهال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که بجهت دفع اسهال
قدری برنج بگیرد و بشوید در سایه بخشکانند و در روی اتش
بود هد و نرم بکوبد و هر بامداد یک کف از ان بخورد و در روایت
دیکر فرمود که بجهت اسهال برنج را درد یک کن و اب بجوشانند
و چهار و پنج پارچه سنگ در زیر اتش بکذار تا سرخ شود و پیه
قلوه تازه بگیرد با ان سنگها در میان کاسه بیندازد و سر کاسه را
بپوشانند تا بخارش بیرون نرود چون برنج پخته شود ان برنج را
بر روغن نیز بخورد تا دفع شود و در کتاب کفعمی مذکور است
که حضرت امام رضا علیه السلام بصاحب اسهال فرمود که این دعا را
بخوان اللهم انی اسالک بوجهک الکریم واسمائک العظیم وبعزتک
التی لاترام بقدرتک التی لایمتنع منها شیء ان تفعل بی کذا وکذا انظم
سوره ... علیه السلام را بنویسد و بشوید و بخورد کو فتش زایل شود بجهت
خون شکم هر روز بر نان بنویسد تا یک هفته بهار بخورد و ابتدا
از روز یکشنبه بسم الله الرحمن الرحیم لکیلا یعلم من بعد علم شیئا

خام با عسل بخورد
چهار و سه انکشت بخورد
تا فحشت انظم حلبه نیم
بر شسته را ایمان قدر
خام در دیک جا کنند و
بخورد درد دفع شود و جکر
بهلو و بهنگاه و

خصیر درد

ورم کرده و درد نستکه
محمد من حضرت امام
باقر علیه السلام شکایت کرد ...
هنگاه فرمود که ...
بر موضع درد کذارد ...
بخوان ...

در بحر المنافع اورده که بجهة درد کرده این ایات بنویسد و بشوید
و بخورد و با خود دارد لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه
و من اصدق من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو فاعبدوه
وهو علی کل شیء قدیر **معالجه درد جگر** وارد شده که این
وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث ودم
لبنا خالصا سائغا للشاربین بنویسد و بشوید و بخورد و نیز
وارد شده که آب مورد را با آب انار و ترنج و مغز جوز و بادام و عدس
با آب دیگر ضم کند و بدان ضماد نماید که بسیار نافع است و
از حضرت امام محمد باقر مرویست که شخصی نزد آن حضرت از درد جگر شکایت
دعا کرد که حق تعالی وحی فرستاد که شیره انجیر را بگیر و در سینه
خود از بیرون بمال چنان کرد خوب شد **دفع استسقا** و
یرقان و ذات الصدر و ذات الجنب و غیره و در بحر المنافع اورده
که بجهة استسقا که رو با ماس نهد و اثر پیدا شود و فرو نشینه
اماس کردن وان در وقت نگشتن نهادن اینها را بنویسد
بر صاحب مرض بندد بسم الله الرحمن الرحیم ولو تقول علینا
بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین
فما منکم من احد عنه حاجزین که از سوره الحاقه است ولا یتمنونه
ابدا بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین قل ان الموت الذی
تفرون منه فانه ملاقیکم ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة

فینبئکم

بما کنتم لئن لم تنتهوا لنرجمنکم ولیمسنکم منا عذاب الیم ابن اشکالوا

٨	٤	٧
٤	٧	٨
٧	[illegible]	٤

بنویسد و در نظر دارند و بسیار نظر کنند یرقان
زایل شود **دفع سنگ مثانه** و درد ران و ورم خصیه
و ادرار و حکه و قروح ذکر و خصیه و عسر بول از امام جعفر صادق
منقولست که بجهة درد مثانه این ایات را سه مرتبه بخوانند
و بعد از بیدار شدن یکبار بخوانند الم تعلم ان الله له ملک السموات
والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر **دیگر دوائی**
دیگر جهة سنگ مثانه منقولست که هلیله و بلیله و فلفل و
دار فلفل و دارچینی و شقاقل و زنجبیل و انیسون و خولنجان
اجزا را مساوی بگیرند و کوبیده و بیزند و با روغن گاو تازه ممزوج
کنند و در برابر تمام آن عسل صاف با شکر داخل کنند و
هر مرتبه بقدر یک فندق بخورند و **بجهة دفع سنگ** و درد
دروراه بول و فالج بعد از نماز شب بایستد و ابخوانند اللهم انی
اعوذ بک دعاء الذی للبلاد دعوک دعاء من اشتدت فاقته
و قلت حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء بجهة سنگ مثانه
سوره الم نشرح را بنویسد و بآب بشوید و بخورد زایل شود **معالجه
ادره** یعنی خصیه باد باشد طلای زهره ماهی بغایت نافع
است و ضماد جهة ورم انثیین یعنی خایها تخم کشف با ربع ان
وارد
را زیانه سائیده با گلاب و سرکه ضماد نمایند بدستور کلاخطمی

ششنه مرهم وضماد و ذرور بکار داده وابچه کهنه باشد کند و کاغذ
سوخته و پوست چوب سرو سوخته برآو استعمال نمایند معالجه
حکه و خارش قضیب و خصیه بعضو را باب گرم بشویند و سفیده
تخم مرغ طلا کنند و اگر ساکن نشود زالو بچسپانند و ادویه حاره استعمال
نمایند و تنقیه و اسهال نمایند و اگر کسی را بول بی اختیار از قضیب
رود کندر رومی و شکر دو درم سه روز ناشتا بخورد جهه حبس
البول ابند و کلمه رابر ناخن پا مریض بنویسد واگر جوان باشد برسم
او بنویسد اهکه مهکه مجرب در معالجه عسر البول در خواص الابیات
آورده که هر که این ثم قست قلو بکم نا تعلمون را جهة عسر البول و قولنج
وغیره بخوانند و بر صاحب درد بدمند نیکو گردد طریقه دیگر
حمران گوید که بخدمت امام علی النقی ع نوشتم که جانم فدای تو باد
نزد ما یکی از دوستان شما نقیبی نام حبس البول دارد والتماس دعا
از شما دارد که ببرکت آن شفا یابد آنحضرت در جواب نوشتند که
خدا تعالی دفع مضرت بکند و مکروهات دنیا را از او بردارد تا
جهة حبس البول این اشکال را بنویسد و در زیر ناف بندد دفعتی
بسم الله الرحمن الرحیم یا سکیملها یا مکتفنا یا دنیا سنا انواره
بلاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ایضا بنویسد و بشوید و
بخورد بول گشاده گردد از اول سوره طه با بسمله تا تحت الثری
ایضا جهة احتباس بول سپش زنده را در احلیل داخل کنند گشاده

دفع بواسیر
بسم الله و بالله بلی من اسلم وجهه وهو محسن فله اجره

سوره یس با عسل بنویسد و بشویند و بخورد شفا یابد و بواسیر
نافع است و در بحر المنافع آورده که بجهة بواسیر این افسون را بر درد
راست خوانند بعد از قضاء حاجت بر آن محل بمالد بسم الله الرحمن الرحیم
اقارغی یا اقارغی اذهب بامر الله ایضا در وقت استنجا آب بکف
استنجب بردارد و بر آن بخوانند و استنجا کند چند روز دراین باب
باید بر دستور عمل کند فقط شودا بلا بیلا ابیلا ابلا ابیلا جو طهنبی
بچم تو ی واز حضرت امام رضا ع مروی است که ابند وابجهة درد بواسیر
نافع است هلیله سیاه و بلیله و املج اجزاء مساوی بکوبند و از حریر بگذرانند
و قند برابر مثل ارزن گرفته در آب کنند و از آن بقدر عدس حب کنند
و در سایه بخشکانند و اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند
و در ایام دوا خوردن از خوردن ماهی و سرکه اجتناب نمایند و اطبا این
طماد را بجهة بواسیر و شقاق مقعد و فرج آن واسهال بواسیر و
نزف و حیض نافع دانسته اند سفیداب موم سفید حنص هر یک
جزوی کل خطمی مثل هر یک دو جزو و پیه بز سه جزو و روغن گل چهار
جزو باز زرده تخم مرغ طلا نمایند و نیز بخور ملح بجهة بواسیر و حبس
البول نافع دانسته اند بجهة درد پشت و پا و زانو و زیر قد
وغیره مروی است که شخصی خدمت امیر المؤمنین از درد آن شکایت
کرد فرمود که آب گرمی در طشتی کن و در میان بنشین و دست بر درد
گذارد و ابند فاتحه بخوان او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا

المومنین والمومنات عرضت علیکم یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ه ه ه ه ه ہ ہ ٧ ٧ ٧ ء ء ء ء ء ء ء
ء ص ۲ بار منیب **مداوا حجمه کهنکو و درد زانو** بتخم
جرجیر و تخم شلغم و زنجبیل و پوست حنظل و سر بنجان مساوی بکوبد
دیگر کوفته و بیخته در عسل سرشته هر روز صبح و شام بخورد به
قدر دو مثقال تیم نفع یابد در حدیث هر و بینکه شخصے خدمت
حضرت امام حسین عم عرض کرد که درد پا دارم آنحضرت فرمود که از
اول سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بخوان و در حدیث دیگر هم
و بینکه سالم محمد بحضرت صادق عم شکایت کرد از درد ساق
کفت مرا عاجز کرده از کار حضرت فرمود که این آیه را هفت بار بخوان
اتل ما اوحی الیک من ربک و لا مبدل لکلماته ملتحدا **مداوا**
جهت درد پا بنویسد و با خود دارد از اول سوره انا امر الله
تا غفور شکور **جهت درد انگشت** فان علی النبی تا قدرا
مقدورا و اذا رأیت الذین تا آخر آیه **مداوای درد پهلو** و ساق
پا و هر دردی و زخمیکه بوده باشد این آیه را بر صدف و سنا
بنویسد و دران خوشبوی کرده محو نماید و بآتش گرم کرده
و بر موضع درد بندد درد ساکن گردد و اذا مس الانسان ضر
تا یعملون از سوره یونس **جهت درد پی** مروی بینکه بخدمت

خود داشته باشی و خطاب جلال کن و بگو یا بود احد کوران بکو
رجنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من
کل الثمرات و اصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار
فیه نار فاحترقت کذا پس کلمه فاحترقت اشاره کن بسوی آنکه
کرمنبر بوی و بنور انبیا و از ار منبکند و سه بگو اللهم طمه بالبلاء و عمه
بالآلاء غما و ارمه بحجارة من سجیل و طیرا ابابیل یا علی یا عظیم
پس در شب دوم و سیم نیز این عمل را بجا آورد و اگر در ماه اول مراد
حاصل نشود در ماه دوم و سیم نیز عمل آورد در ماه چهارم باز
عمل نخواهد ماند **و هر که هر روز** چهل و هفت مرتبه سوره
اخلاص را بخواند دشمن او فانی گردد و اگر نام یا حلفا علیے را
بر هفت پاره کاغذ بنویسد بر منکا روانه یا او بزد هر کس را که خواهد
حاضر شود و اگر این اسم را بخواند و بر خود دمد و قتیکه بدست
ظالمی گرفتار باشد نجات یابد یا مغوث ثو و هر که این اسم بنویسد
و بر پوستها هو و یا خود دارد از راه رفتن مانده نشود یا عینو ثو
دیر دفع هول و خوف مروی بینکه شخصے بخدمت حضرت
صادق عم عرض کرد که من خوف بسیار میکنم و در منزل هولناک
بسر میبرم چیزی بمن تعلیم کن که نترسم حضرت فرمود که چون داخل چنین
جائی و افغشوی دست بر سر بگذارد و بآواز بلند بگو افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها والیه

دفع دشمن

کمتسنیم بود سلانستا دوستا عنیم ازدود رمضان المبارک تخمتیم
کنتسنیم بود وازدیم تمتحی روز نازعید فطروز
ستر ابینایل نفضر دوت ابن الیو نبد ددد
اقتدر ابن اعب

قدر بے بخواند تا بخواب رود در خواب ببیند کسے را کہ او را شاد کند
کند او را وازان خلاصے یابد ولئن سئلتہم من خلق السموات
والارض تا المنقلبون دفع زبان بگو در روز کہ مکنون اوزده
کہ ہر کہ را بنید عار آیا خود دارد زبان مردم و بد برو بے بستہ
کردد کل متکلم من البشر من انثے و ذکر من بنے آدم و بنات حوا
عن حامل ہذہ الاسما فہم لا یتکلمون بحق سوسم سوسم بجو
بجوسم دوسم ہذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن
لہم فیعتذرون و بحق قولہ لا یتکلمون بسم اللہ اسکتنا
بسم اللہ اخرسنا بسم اللہ اعمینا بسم اللہ عقدنا السنتہم سوٓ
الم طس طسم فہم لا یتکلمون طس طسم انہم الا کا
لانعام بل ہم اضل سبیلا شاہت الوجوہ شاہت الوجوہ
شاہت الوجوہ وجعلنا من بین ایدیہم سدا ومن خلفہم
سدا فاغشیناہم فہم لا یبصرون کہیعص حمعسق
بل ہو قرآن مجید فی لوح محفوظ دفع ملخ و کرم خوابہ
از کشت یا باغ دفعشود ابن اشکال را بر سر پارچہ کاغذ یا
سفال آب ندیدہ نویسد و در جانب چہار باغ دفن کند

٢	٤	٤
٧	٤	
١	٤	

٣	٩	٧
	ب	د
	٧	

٢ ٧ ا
الحہ ہسے فرکش ہسہ ٢٠ ٩
مسکہ جہت زنک کرد زرا عشہم ہسد ابا

ذرع کند او رد و وانبت
انقوان بنور عرش الرحیم
بسم اللہ الرحمن الرحیم الفیعد
لا الہ الا ہو الحی القیوم
لا الہ الا انت سبحنک
لا الہ الا اللہ
العلی العظیم بدیع السموات
والارض ذو الجلال و
الاکرام اللہم انی اسئلک باسمائک

الانفعلوا علی وبعزتک
عمن یسلب ان ینبت الزرع ومن بنی
وفعلک تبرکت بعزتک ربنا
وتبرک الرحمن الرحیم
تبارک الذی
اللہ ملک السموات

العرش العظیم واسئلک بنور وجہک الکریم وشدۃ سلطانک
القدیم وشدۃ جبروتک لک الحمد لا الہ الا انت المنان
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال وادفع کل افۃ وبلاء
من ہذا الزرع والمقام بحولک وقوتک وقدرتک وجلالک
وسلطانک من اولہا واخرہا وحسبنا اللہ ونعم الوکیل
ونعم النصیر دعا بغنچہ و کرم درختان کہ بہم
میرسد و بلا بدے آید بر تختہ نویسد و بدان او بزدد
کردد بان اللہ تعم ال تعمش تا کھیع اھیا اشراھیا ااا اا اب
اا اج اا اد اا اہ اا او اا ز اا اح اا اط اااا
ے اا اک اا ال اا ام اا ان اا اس اا اع اا اف
اا اص اا اق اا ار اا اش اا ت اا اث
اا اخ اا ذ اا اض اا اظ اا اغ اااا ل اا اا

نوعد بکر جہت حفظ زرع از خوک وموش وہمہ
خور غلہ کان وہمہ جانوران مفسد بنویسد و بر سر چوب بندد
و در گوشہ زمین فرو برد بسم اللہ الرحمن الرحیم ہو ہو
ہو بہر بجو بنہص بکجیسے کفت تفتکا کون ہن ہن کسے بر
اہامر بسم رم شبشہر و غنجر و کرہر و مور چہ کہ محصولات
ہذہ الارض اقرمن سلیمان وانہ بسم اللہ الرحمن الرحیم الا

لینا بس ان الصابرین
منہا انک تذروا ومامذ
فاخرج منہا فانک رجیم
حورا من قبل ان اتیکم
العذاب بغتۃ وانتم لا
تشعرون تغفر لمن یشاء ان اللہ
ویعذب من یشاء
علی کل شئ قدیر
دفع امراض اطفال مریض
ابنید عاد ابرا ابشان بخوانند
بسم اللہ الرحمن الرحیم اعوذ
من کل عین حاسد اعیذ
ایضا اعیذ بکلمات اللہ
التامۃ من کل شیطان
ہامۃ ومن کل عین لامۃ
خواہ زادہ امام جعفر

الم
غلبت الروم

بر و و سر را بر هنه ن بیں بکورب الی اعطنیه وانت وهب لی و
اجعل هبتك البوم جدیدة انك قادر معقند رین بجد برو کر هنو
سراز سجده بر ندا شته باشے کہ بیرون عافیت میابد بپرا زما درم
شنیدم کہ اینند عا را خواند شفا یافتم و باتفاق حا خود در هنم
بسجد در روایت دیگر که عا درم میکنند در معقد مرکذشت
تو جلد دیگر از حضرت امام محمد باقر ع مرویست کہ بخط مبارک او
یافتند کہ بجهة طفلی نوشته بودند بسم الله و بالله و الی الله و
کما شاء الله و بعزة الله و جبروت الله و قدرة الله و ملکوت الله
هذا الکتاب اجعله یا الله شفاء لفلان بن فلان عبدك و ابن
عبدك و ابن امتك بمحمد بن عبد الله ص علی رسول الله و آله و سلم
در بحر المنافع آورده که اگر این را بر کاغذ نویسد و نام
طفل بکه در شکم مادر باشد نیز بنویسد و در آب اندازد اگر غرق شود و فرو
نشیند بدانکه آنکودك زحمت بسیار کشد و صحت یابد و اگر در رو
بماند بعد از زحمت بسیار نیکو گردد و اگر در بالای آب بماند زود
صحت یابد پس این دعا را بر دارد و بشوید و بخورد شفا یابد بسم الله
الرحمن الرحیم ولو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها من دابة
ولکن یؤخرهم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة
ولا یستقدمون **ام الصبیان و دافع جن** در حدیث آمده که
شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که مرا پسری است که امراض با

و اگر از شیر باز داشتن رنجور شده باشد و بسیار گرید بر نخ خام
مسلوخ بنویسد با و بخوراند ترك شیر خوردن نماید و تأکلون
التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما ام ابرموا امرا فانا مبرمون
فائدة اگر طفلی در براه ایستادن بماند باشد این ظرف سفالی بنویسد و
بشوید و قدری بخورد و قدری بر بدن بمالد و یکی دیگر نوشته
بر او بندد براه افتد ارکض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب
و الله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی رجلین و منهم من یمشی
علی اربع یخلق الله ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر **سوراخ کردن
گوش طفل** آورده که این افسون را بخواند و سوزن را بلعاب
دهن تر میکند و بعد از آن بسوزن خود باد بکرے گوش را سوراخ
میکنند و دران بیخ و خون نمیشود و بن حاجت نیست و
سو یا ایها مفتنیا بر سوزن بخواند و هر جا را که خواهد سوراخ
خون بیرون نیاید و بیخ نکند و در وقت سوراخ کردن نیز بخوا
کهر دکر و مستنکا سنے **از فواید جماع موافق** اخبار
در شب جمعه بعد از خفتن فرزند از جمله اعاظم و اکابر دین شود و
و روز جمعه بعد از عصر فرزند از جمله مشاهیر علما شود و شب
دوشنبه فرزند حافظ قرآن شود و راضی بقسمت خود باشد
و شب سه شنبه مؤمن و رحم دل شود زبانش از غیبت و بهتان
پاك باشد و شب پنجشنبه فرزند از جمله علما گردد و روز پنجشنبه

دفع حمل زنان مرویست که سوره لم یکن را بنویسد و بشوید بزن حامله دهند از سقوط و آفات حملش سالم ماند و چون این آیه از سوره انبیا بر پوست آهو بنویسد و بر زن حامله بندد از وقت ابتدا حمل تا چهل روز با او باشد و بعد از آن بگشاید و دوا نماهیکه و قت زائیدنست با خود دارد فرزندش از آفات محفوظ ماند و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر واتینا اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکری للعالمین **جهة عقم زنان** تا از غالب فرزند زاده یک و یکی را با آب کمی مزد وان بخورد و این آیات را بر ظرفی بنویسد و شوید و بخورد در وقتیکه اراده مقاربت زوج کند آیت نیست سوره فاتحة الکتاب تا آخر و صلوات بر محمد و آل او و تفریشد ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ قال انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا قال ربک هو علی هین ولنجعله آیة للناس ورحمة منا وکان امرا مقضیا فحملت بعون الله فحملت بلطفه ثم فحملت بحول الله ولا قوة فحملته فانتبذت به مکانا قصیا انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شئ والیه ترجعون **فائدة** اگر خواهد که بداند زن حامله پسر آبستن است یا دختر سپش را در کف بگذارد و شیر بدان بدوشد اگر حرکت کند در میان شیر آبستن بپسر باشد اگر حرکت نکند آبستن بدختر

و در روایت دیگر منقولست که چون حمل زن خوب ظاهر شد عزم و جزم و آن ولد را علی نام کن که ببرکت اسم علی پسر خواهد بود و نیز از برکت اسم علی هر ولد بکه اسم او علی باشد عمرش زیاد گردد و بنج بار سبلهٔ تر را واداشتن این ابر شکم زن بنویسد و صحت دارد پسر زاید اللهم انی اسالک ما فی بطنها باسم نبیک محمد صلی الله علیه و آله فتمم انت محمدا **جهة عسر ولادت** مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بنویسید از برای زنیکه عسر ولادت براو دشوار باشد بر ورق کاغذ اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و رحمن الدنیا والآخرة و رحیمهما ارحم فلانة بنت فلانة رحمة تغنیها بها عن جمیع خلقک فافرج لها کربها و تکشف بها غمها و تیسر بها ولادتها و تقضی بینهم بالحق وقیل الحمد لله رب العالمین **در معرفت احوال بیمار** از ایام سبوع بد و طریق بنظر رسیده که اول نام بیمار و نام مادرش بحساب جمل گرفته سه سه طرح کند که چه ماند و چه روز بیمار شده پس اگر در روز دوشنبه بیمار شده یکی بماند بمیرد و دو بماند بیماریش طول کشد سه بماند به شود و اگر یکشنبه بیمار شده باشد یکی بماند به شود دو بماند دراز کشد سه بماند بمیرد و اگر سه شنبه بیمار شده باشد یکی بماند به شود دو بماند دراز کشد سه بماند بمیرد و اگر پنج شنبه بیمار شده باشد یکی

شب تا پانزده روز بکشد و در اخر شب تا دوازده بکشد و شب
سه شنبه اول شب بهم بود و در میان شب تا بیست روز
بکشد و اخر شب تا سه روز بکشد و شب چهارشنبه اول
شب تا چهارده روز میان شب تا نوزده روز در اخر شب مخاطره
بود شب پنجشنبه اول روز شفا یابد میان شب تا بیست روز
اخر شب تا شش روز بکشد شب جمعه اول شب زود شفا
یابد و میان شب تا هجده روز در اخر شب تا سه روز بکشد

جدول شهور الایام فی احکام و بقیة الشهور ما حکم

ا هر که بیمار شود بزود بی شفا یابد ب هر که بیمار شود بیم
مارش سبک باشد بخلاف اخر روز ج هر که در این
روز بیمار گردد در مشقت افتد د هر که در این روز بیمار شود
بزود بی نکو گردد ه روز ساقط و هر که در این روز بیمار
گردد تعب و رنج بسیار کشد ط هر که در این روز بیمار شود
سزاوار است صدقت کند و بروایتی شفا یابد یا هر که
در این روز بیمار شود بزودی نیکو گردد یب هر که در
این روز بیمار گردد در تعب افتد ید هر که در این روز بیمار شود
صحت یابد یه هر که در این روز بیمار گردد نیکو گردد یو
هر که در این روز بیمار شود شفا یابد یز ساقط یح هر که

الخاتم در احوال حیات و ممات مریض است که حکما بتجربه

رسانیده و هر گاه کسی بیمار گردد و خواهند که بر ایشان گردد
که از ان بیمار بهره یابد نام بیمار بحساب جمل کبیر بگیرند و انچه از ماه
گذشته باشد که بیمار بر او عارض شده باشد ان را نیز حساب نموده
بیست عدد بهم باو بیفزایند و بعد از ان سی سی طرح کنند انچه باقی ماند
بدانند و جدول که در مقابل یک دیگر در حاشیه مرقوم میشود
و یکی لوح حیات و یکی لوح ممات گویند نظر نمایند و به بینند که
عدد در کدام یک از اینها و میباشد و اگر در لوح حیات باشد
امید واری بیست و اگر در لوح ممات باشد در خطر بود و از موده

جدول حیات و ممات

لوح حیات

۱	۳
۹	۱۰
۱۱	۱۲
۱۳	۱۴
۱۵	۱۶
۱۷	۱۹
۲۲	۲۳
۲۷	۱۸

لوح	ممات
۲	۴
۵	۶
۷	۸
۱۸	۲۰
۲۱	۲۴
۲۵	۲۶
۲۹	۳۰

قدرے چیزی بیرازو بیخید و ابن اشکالرا با نام مریض نقش
کنند و شب در زیر بالین مریض بگذارد و بامداد باز بردارند و
بسجند اگر سبک آمد بیمار بمیرد و اگر مساوی او باشد طول کشد و
اگر زیاد باید برود بے رفع شود و بنکو گردد منہ ایضا
گفته اند که ابن اشکالرا بر کف دست بنویسد و برابر بیمار نگہ
دارد چون نظر کند اگر خندان شد بنکو گردد و اگر حزین شد به
میرد والعلم عند الله عصاله احکا به دو و در کتاب
فردوس مذکور است که ابن اشکالرا نوشته بر سینه مریض گذارند
اگر بخندد از آن خلاص شود و اگر بگرید بمیرد الله بفکاک مط
مم کل هی تمت کتاب تسهیل الشفاء بعون الله تعالی

در کتاب الحیوان ابو دجانه گوید

که من از جن و شیاطین در آزار بودم و برسول خدا عرض کردم
و آنجناب بامیر المؤمنین ع فرمود که ابن حرز را نوشت و
با خود داشتم چون خوابیدم در زیر سر گذاشتم پس بیدار شدم
شنیدم که یکی میگوید که اے ابو دجانه ما را سوختے باین حرز
برادر دیگر ما بنجا نه نمیآیم و بر سر این بنجانه نمیکردیم و هر که
ابن نام را با خود دارد دیگر نزدیک او حرمت نمیکنیم روییم و شتی
ابند عا ببیا است و در ابن رسالہ اکتفا ما ختصا نمودیم بسم الله

و من شر ما خلق و ذرو برو من شر الجن والانس و من شر جنود
ابلیس اجمعین و من شر ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر
طوارق النهار واللیل الا طارقا یطرق و من شر کل دابة انت آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم تو عد مکر از برای ایمن
شدن از جن و انس از پیغمبر خدا ص روایت شده که بنویسد و با خود
دارد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله توکلت علیه و هو رب العرش
العظیم و ما لم یشأ لم یکن اشهد ان الله علی کل شئ قدیر دعاء
کشش هر کس را مضرت رسیده باشد بنویسد و با خود دارد
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ذا السلطان العظیم و ذو المن القدیم وا
الجود الکریم والکلمات التامات والدعوات المستجابات عن
صاحب الکتاب من النفس الجن والانس یا رب العالمین و
نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین برحمتک یا ارحم
دعاے بیم از جهة جن زده و بیهوش شده باشد احوالش
تغیر یابد بنویسد و با خود دارد و هر مطلبے که خواهد بنویسد
درد کمر و درد چشم و درد هفت اندام و شر شیاطین و زنند
کان و درنده بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا ایتخ
سبطشون اللهم یا ذا نوا ملحو ثور بمون اللهم یا رخیشوا میمون و
اعلیشون اللهم و همبتا و هلیلون مضطرون اللهم یا رغشط
اخلا خریز یا رخشط رخیم رخیم رخیمون یا همبتا شراهیا

شده محرم الحرام سوره انا فتحنا و باب و سبزه و زر و نقره و
فیروزج نکاح کند صفر المظفر سوره حمعسق بخواند با آب و ابنیر
با کف دست نکاح کند و سوره حمد را بخواند ربیع الاول سوره
قد سمع الله بخواند با آب روان با بروی زن جوان با جمال نکاح
کند ربیع الاخر سوره تبارک بخواند بجواهر با اسپ با کوسفند
نکاح کند جمادی الاولی و جمادی الاول سوره مدثر و المزمل
بخواند و در روی فرزند نکاح کند رجب المرجب سوره یس بکل
و ریاحین نکاح کند شعبان سوره انعام و بکل نکاح کند رمضان
سوره محمد ص و به پیران محتشم و با اصل و عبا نکاح کند شوال سوره
فتح و بکف دست فیروزه نکاح کند ذیقعده سوره نون با آب و ابنیر نکاح
کند ذیحجه سوره اخلاص و بر و بچوب نکاح کند نقش اعظم
که بر کف مبارک رسول خدا است هر که با خود دارد مظفر و منصور
گردد

محاصر امضا کنی ما نور نظر بتان ببنید سمانا انما ابھرا
بجویی و خوشی بکنند اند نقش مبارک
اند نست محمد علی فاطمه الحسن
الحسین علی محمد جعفر موسی علی
محمد علی الحسن القائم صلوات الله علیه و علیهم

جمعه دعا مسافر چونکه خواهد بسفر رود
و سلامت باز اید سوره قل هو الله را باز خواند

تا فصت و چوبکه در چشم او چشمه تریاق کاوکوهی کویند
در دفع زهر خوب از تریاق فاروق میباشد و هرگاه طفل را
شیر نداده باشند یک ذره از این تریاق در شیر مادر ممزوج
و در کام بچه بریزد از گزیدن مار و عقرب ایمن بوده باشد و از
روئیت نظفل مار رسته شده حرکت نتوان نماید و انسکه
در میان شیر دان کاوکوهی بی باشد یا تر در ملن خصیه با شراب
باشد که در قوه باه بی نظیر میباشد و انفاس سقنقور را لازم
جمعة الاسماء بسم الله الرحمن الرحیم و لغات نامتعارف بود
که ابتداعی قدیمی بعبارات فارسی خالی از تکلفات رسمی و صنا
عات بدیعی شرح مذکور را ترجمه نماید که موجب دفع مغلطات
شرح و متن مذکور نگردد انشاء الله تعالی و خلد العز را امتثالا لامر الا
اشرف ان ترجمه مذکور مع هذا علاوه مقدمه لازم بود و بالله
التوفیق مقدمه مخفی نماند که شرح مذکور مشتمل بر شش باب است
و هر باب خاصیتی از خواص دایره شریفه مذکور است و دایره
مشتمل بر چهار جدول است چنانچه تفصیل این خواهد آمد پس بدان
که اسعدک الله فی الدارین که حجة الاسلام زین الانام ابو حامد
محمد بن محمد الغزالی رحمه الله در شرح مذکور فرموده اند که از سر کار
خلیفه بغداد رساله منظومه شرح کردم تا معلوم شود بجهت
امیر المؤمنین ع بر رسم خط کوفی ظاهر شد بدست اقتادی ... انوا

طاعون اسان تر خواهد بود وان نوزده حرف اند ودر جدول
دوم حرف بسم الله الرحمن الرحیم نوشته وانهم نوزده حرفند ودر
جدول سیم حروف فرد حی قیوم حکم عدل قدوس نوشته اند و
در جدول چهارم او من کان میتا فاحییناه وتمام انها نوزده
اند که جنة الاسما گویند وشرطش انستکه با مشك وزعفران
باشد وبا گلاب محو کنند صباح طاعون سه روز بامداد ودو زیبا
شامد ونیکو گردد دفع طاعون با خود دارد واز برای
هر درد والم بنویسد بشرطانکه در وقت کتابت تا آن المرا برند
وکوچك وبزرك بردارد وبشرطانکه پاك داشتن در همه وقت
گرویده اطفال وعسر ولادت وصرع وجنون وخماو هر درد
جهة اطفال دیگر خدا تعالی فرید باشد بردارند بشرط بلوغ
صحیح وصادق وناجا است کبیر اگر داخل بشود این اسما درخانه
نر آتش نفر بکند بذبح گوسفند بجهة تعظیم اسماء مذکور وندا
ان اسمارا صحیح ومریض بکبیر وصغیر مکر این با وضو واز برای
تاثیرش عظیم باشد بجهة نخود طلا که یکمثقال شرعی باشد البته
بکاتب داده شود وازا مخفی دارند از چشم مردم وننویسند انهارا
مگر انکه پاك باشند در بدن ولباس ومکانا احتراز کنند در کتابت
انها از زیاده ونقصان وهرگاه مریض آب انهارا بیاشامد لابد که
ثقل ورق را در چاه دور اندازد وبنحوی که یك قطره از آن ترشح نکند

بنویس از برای او این دایره را بمشك وزعفران وبران بیاویزد
واگر بنویسی در شفای او افتاد کتابت باب صاف محو کند
بعد از آن بر ابیاشامد وثقل را در بهر دور اندازد وصبا ازان
قطره بیرون اید وسرایت کند نگاه داشتن از برای اعظم در
ضمن این دایره است ازترس اینکه مبادا ازان چیزی واقع شود
وزیر پا افتد واگر دایره را نقش کند بر انگشتری ودر آب اندازد روان
ابرای مطعون بیاشامد شفا یابد ان شاء الله تعالی واین باب عظیم وجلیل القدر
واجب استکه نگاه دارنده منع نکند از فواید ومنافع ان **باب دوم**
از برای دفع سحر وجادو چنانستکه اگر کسی را سحر کرده باشند بنو
یسد این دایره را از زر یا نقره یا معادن غیر از رصاص وفولاد باشد
زهر هیز وبر انشخص بیاویزد پس اگر شفا یافت فبها والا ان لوح
در ظرف پاك تر وانقدر آب بران بریزد که بتواند بیاشامد وپیش از
ان چیزی نخورده وان آب را بیاشامد ومدت هفت روز صبح وشام
بنهار امکرر نماید که انشاء الله نیکو گردد واگر بنویسد بر ورق چنان
که از برای طاعون ذکر شد وبا آب صاف محو نماید واب بسبحو بیا
شامد بهتر واگر بر ظرف پاك با چینی مثل جام آبگینه بنویسد ومحو
کند وبیاشامد وان جایز است واین باب نیز عظیم وجلیل ا
لقدر است ودایره همان دایره که وضع کردیم در باب اول بدون
زیاد وکم **باب سیم** از برای مقاتله ومقابله دشمن واین چنانستکه

دشمن مؤلف شرح منظومه گفته است که از معتبر اراده نمان
کرده که بس من امام ع در خواب دیدم فرمود اضفف من امر من سوده
پس تعیین زیاده کن مثل ابر ده ابتدا بره از سوره پس مسمی بجنة الا
شما و بگذار این ابر را بجا بگو سوره انعام است و بنویس این ابر را
بر بجا ابیض و بر سر بگذار چنانچه حایل در میان نباشد بدرستیکه
نور انتهوا منند دید باذن الله تعم پس گفتم ان کدام ابر است گفت
ان ابر است که حضرت رسول صلعم از انبیا قرائت میکردند و هی قوله
فاغشیناهم فهم لا یبصرون بدرستیکه حرفهای این ابر نوزده
حرفند و از برای الحروف سر عظیمت پس هر گاه نوشتی ان حرفها
بخوان بر سر انتهی بگو تالیف کردم از حروف شما کردا ابتدا بره هفت
مرتبه و بخور کن در وقت خواندن نسبه بخور بخور مشک و عنبر
و عود بعد از ان روزه دار و از ابتدای ان روز بگیر نوشتن حرفها
تا روز هفتم و اگر هفت روز نباشد سه روز دیگر لازم است
و بخوری ده از روز چهار که از خوان بیرون امده باشد با جواد
از وی امده باشد بعد از ان بر سر بکه ار چنانکه در سابق گذشت
و مذکور شد بدرستیکه چشم کور شود و البته نه بیند تو را پس
لف بیدار شدم و چنان کردم که حضرت امیرالمومنین ع فر
مو گفت مونه بود و گذر کردم در میان انجماعت بجمیع شر ایشان
حمد و شکر الهی را بجا آوردم در مقابل ان نعمت باب ششم

زمستان خوش گذرد و باران بسیار بارد و بعضی از درختان
آفت برسد و مرض مختلف و مرضهای ناگهان پیدا گردد و در
هوا اثر طاعون ظاهر گردد و در آخر سال پادشاه را غلبه دهد
اول محرم اگر روز دوشنبه باشد زمستان نیکو گردد و
تابستان گرم بود و باران بسیار بارد گاو و گوسفند بسیار گردد
و سایر ماکولات دراز آذربایجان و عراق و عرب و فارس ارزانی باشد
و میوه بسیار و زنان بسیار بمیرند و در آخر سال کسی از نواحی
مشرق بر پادشاه خروج نماید و بعضی دیگر از بلاد شام بمیرند
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد **اول محرم** اگر روز سه شنبه
باشد زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار باشد و در
بلاد جبل و ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار باشد و بعضی
از درختان انگور را آفت رسد و در ناحیه مشرق و شام حادثه
ظاهر گردد و در آن سال مردم بسیار بمیرند و بر پادشاه مردی
خروج کند اما پادشاه غالب شود و در زمین فارس بعضی از غلها
گران و آفت رسد و در آخر سال نرخها گران شود **اول محرم اگر**
روز چهارشنبه باشد زمستان وسط باشد و در
بهار باران نافع بارد و غلات و میوه در بلاد جبل و مشرق ارزان
باشد اما مردمان بسیار بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد
جبل فتنه برسد و نرخها ارزان گردد و پادشاه اسلام بر دشمن

ومن شرب امره و بوما دواء　فنعم الیوم یوم الاربعا　و فی یوم
الخمیس قضاء حاج　فهنیه الله باذن بالدعاء　و فی الجمعات
تزویج و عرس　ولذاة الرجال مع النساء　و هذا العلم لا یعلمه
الا نبی او وصی الانبیا **در بیان آنکه هر ماهی از ماه چه**
باید دید محرم زر است و صفر آینه　ربیع و شخصی دیگر
غنم　جمادی شخص بسیم سفید　جمادی دوم پیر نیکو شبیه
رجب مصحف و ماه شعبان بکلاه　روزه شیخ هر بار خم　بشوال
سبزه بد بقعده طفل　بد بحجه رخسار زیبا صنم **در بیان آنکه**
چند روز در هر ماه نحس است　هفت روز ماه نحس باشد در همه
زمان حذر کن تا نباید هیچ رنج　سه و پنج و سیزده با شانزده
بیست و یا بیست چار و بیست و پنج **در بیان اوقات استخاره است**
که در ایام هفته و وقت خوب است زائد هد ۱۲۳ بانظر ...
روز شنبه تا طلوع صبح پس از ظهر تا عصر روز یکشنبه نیز
از صبح تا ظهر پس از عصر تا مغرب **روز دوشنبه** از صبح تا
وقت آفتاب و از چاشت تا عصر و از مغرب تا عشا **روز سه شنبه**
از چاشت تا ظهر و از عصر تا عشا چهارشنبه از صبح تا وقت زوال
و از عصر تا عشا پنجشنبه از صبح تا وقت آفتاب از چاشت تا
عصر و از مغرب تا عشا جمعه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
پس از چاشت تا عصر پس از مغرب تا خفتن منکشف باذن الله

در بیان ساعات سکنی بلد نزد کسی که خواهند ملاحظه کنند

و بعد از آن شروع در اشتغال کنند که مجرب است و آن اینست

در دست ۳۳ در گوش ۳۴ در بینی ۳۵ چون بخشیدن کنیز

با پیدا نمودن دزد چیزی را که دزد برده هر که را گمان بوده بنویسد بدهد بخورد آن کسان برده بگوید وی نزود اینست بسم الله الرحمن الرحيم رب اغفر لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات ولا تزد الظالمين الا خسارا وصلى الله على محمد وآله الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين نوع دیگر جهت دزد گرفتن اگر خواهی بدانی که چیز که دزد برده است یافته شود یا نه این دعا را بنویسد و بر گردن گوسفند یا گوساله ببندد و انقوم را امر کند تا دست بر پشت او بکشند پس هر که دزد باشد گوساله بفرمان خدا تعالی فریاد کند دعا اینست ان الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم وذلة في الحيوة الدنيا وكذلك نجزي المفترين ایضا عزائم کردن بسم جابطاس یا قومنا اجيبوا داعي الله را بنویسد و هر دو دست را بر طاس نهد و عزائم بخواند که طاس بامر خدا روان گردد تا آنجا که دزد دزدیده باشد اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم يا قومنا اجيبوا داعي الله طرفي نوش انیفو نوش نشاد برها و راهبا شراهبا اذوحی براهبا هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة ملكه وملكته وسلطانه ووحده وعزته و

جدول معرفت رجال الغیب جمعی از بندگان خواص	فوق الارض در این روزها جدا بداست	تحت الارض در این روزها سفر نکند بداست

که ایشان را ابدال و اوتاد نامند باید معلوم کند که وقت چند است و در این جدول نظر کند که رجال الغیب در کدام طرف‌اند پس روبان طرف کرده سه مرتبه این عزیمت را بخواند و از ایشان استمداد طلبد و بعد از آن پشت بان طرف نماید که رجال الغیب است و همت طلبد و بعد متوجه امر شود که مراد حاصل است و پیش از آنکه سلام کند بگوید بسم الله الاعظم وسبحان الله الاكبر و بعد بگوید السلام عليكم يا رجال الغيب المطهرة ويا ارواح المقدسة المنورة المطهرة اغيثوني بغوثة وانظروني بنظرة واعينوني بقوة واجيبوني بدعوة يا نقباء ويا نجباء يا اوتاد يا ابدال يا قطب يا غوث اغيثوني بمحمد وآله

در مشرق باشند		ما بین شمال و مشرق		در شمال
۱ ۸ ۱۲ ۲۰ ۱۰ ۵ ۲		۱۳ ۱ ۶ ۷۱ ۴		۲۴ ۲ ۲۰ ۸
ما بین شمال و مغرب	در جانب مغرب	ما بین مغرب و جنوب		جانب جنوب
۳ ۱۱ ۲ ۲ ۹	۶ ۴ ۱ ۲۰ ۲ ۲	۱۷ ۰ ۳ ۲		۱۵۸ ۳ ۲

ما بین جنوب و مشرق در بیان چهار فنون است حکما گفته‌اند که از فنون فنون بسیار گوید که احوال بدن با وی تعلق تمام است و مجرب است که هر روز از ایام ماه نیز کی در عضوی بود

در جبین ۹	در بازو و جنب
در زبان ۱۱	در دماغ ۱۲
در پشت ۱۳	در دندان ۱۴
در حلق ۱۵	در خصیه ۱۶
در دوش ۱۷	در ران ۱۸
در ساعد ۱۹	در ساعد ۲۰
در امعاء ۲۱	در پهلو ۲۲
در ناف ۲۳	در انگشتان ۲۴
در پای ۲۵	در شکم ۲۶

بخواند در تکبیر اول الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین
الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون تکبیر دوم
الله اکبر اللهم صل علی محمد وال محمد وارحم علی وال محمد کافضل
ما صلیت وسلمت وبارکت وترحمت وترحمت علی ابراهیم وال
ابراهیم انک حمید مجید فعال لما یرید وانت علی کل شیء شهید
تکبیر سیم الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین
والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع اللهم بیننا وبینهم بالخیرات
انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر تکبیر چهارم الله
اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت
خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم
ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له
واحشره مع من کان یتولاه من الائمة المعصومین اللهم اجعله عندک
فی اعلا علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه وایانا
برحمتک یا ارحم الراحمین تکبیر پنجم الله اکبر بگوید وفارغ شود
اگر میت زن باشد در تکبیر چهارم بگوید اللهم ان هذه امتک
وابنة امتک وابنة عبدک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم
انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد
فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واغفر لها واحشرها

وافترض الله طاعته علی العالمین وان الحسن والحسین وعلی بن
الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن
موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة القائم المهدی صلوات الله
وسلامه علیهم اجمعین ائمة المسلمین وحجج الله علی الخلق اجمعین
وائمتک ائمة هدی ابرار یا فلان بن فلان اذا اتاک الملکان
المقربان الرسولان من عند الله تبارک وتعالی وسئلاک عن ربک
وعن نبیک وعن دینک وعن کتابک وعن قبلتک وعن ائمتک
ولا تخف ولا تحزن فقل فی جوابهما الله جل جلاله ربی ومحمد
نبیی والاسلام دینی والقرآن کتابی والکعبة قبلتی وامیر المؤمنین
علی بن ابیطالب امامی والحسن بن علی امامی والحسین بن علی الشهید
بکربلاء امامی وعلی زین العابدین امامی ومحمد باقر علم النبیین
امامی وجعفر الصادق امامی وموسی الکاظم امامی وعلی الرضا
امامی ومحمد الجواد امامی وعلی الهادی امامی والحسن العسکری
امامی والحجة المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین
ائمتی وسادتی وقادتی وشفعائی بهم اتولی ومن اعدائهم
اتبرء فی الدنیا والآخرة ثم اعلم یا فلان بن فلان ان الله نعم
الرب ومحمد نعم الرسول وعلی وابناءه الائمة الاحد عشر نعم الائمة
وما جاء محمد حق والموت حق وسؤال منکر ونکیر فی القبر حق
والبعث حق والنشور حق والصراط حق والمیزان حق وتطائر

بحمد و ثنا باتمام رسید طبع این کتاب ... باهتمام ...

وحشت گران دو رکعت است در رکعت اول سوره حمد و یک
آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و
تشهد و سلام گوید **طریقهٔ نوشتن عریضه بامام زمان**
بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیک و رحمة الله و برکاته من العبد
الذلیل الفقیر الی الجلیل العظیم الشهید الغریب المظلوم الهادی
المهدی الامام الهمام یا مولای ترحم بفضلک و جودک و کرمک
و بحق جدک محمد ص سید المرسلین و ابیک و امک و اقض مطالبی و
حاجتی و اقض حوائجی بحرمة جدک و اهل بیته المعصومین ع
برحمتک یا ارحم الراحمین **عریضه بحضرت عباس** بسم الله
الرحمن الرحیم من الامة الذلیلة الی المولی الجلیل العزیز الکبیر
سلام الله علیک یا مولی یا عباس بن امیر المؤمنین ع ان بینی
و بین الله ذنوبا قد اثقلت منعتنی عن الرقاد و ذکرها یتغلغل احشائی
و قد هربت عز و جل و الیک یا عباس بن امیر المؤمنین ع ان تقضی
حاجتی من الدنیا و الآخرة و ان تعافینی من جمیع العلل و ان تسلمنی
من المکروهات بحق ابیک و اخوتک المعصومین و صلی الله علی محمد و
آله الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

بتمام شد نسخه شریفهٔ جامع
الدعوات کبیر حسب الفرمایش جنابان
عالیشانان الشیخ علی و الشیخ
احمد کتابفروش تاجر
طهرانی اتمام پذیرفت

در عبادت اقتدا اللهم اغفر لکاتبه ... و لمن نظر فیه ...
استاد الماهر ... تبریزی طبع آراسته گردید
... الکتاب جناب ... الشیخ علی ابن محمد حسین



ماقرزها   يعني [illegible]

[illegible]

